اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۹۵ دورهٔ دوم دوشنبه ۳۰ شهریورماه ۱۳۶۰ بها ۲۵ ریال

برای پیروزی نهائی در جنگ تحمیلی

درسالگشت تجاوز صدامیان به خاک میهن انقلابی‌ما ،کمترکسی‌است که به‌یقین درنیافته باشدکه رژیم جنایتکار بغداد در رویاروئی با انقلاب ایران شکست هولناکی‌خورده است.

بی‌شک، واقعیتی که پیشروی جهانیان است خبراز هزاران شهید و مجروح ،ویرانی دهها‌ودهها شهر و روستا وآوارگی بیش ازیک‌میلیون ایرانی می‌دهد ،اماشکست صدام راهم به صدای بلندفریادمی‌کند.

درواقع ،باتوجه‌به‌هدفهای‌نقشهٔ مشترک آمریکا_ صدام برای حمله به ایران ،این تجاوزدو روزبعد ازآغاز با شکست روبروشده‌است.

چنانکه همگان‌می‌دانند، نقشهٔ امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی آمریکا ، که‌صدام‌مامور اجرای آن‌شد، "جنگ‌برق آسا" برای اشغال خوزستان وبخشی‌از غرب کشوربود. به اعتراف صدام ، متجاوزان به خودوعده می‌دارند که حداکثر در دو روز خوزستان وبخشی از

بقیه‌درصفحه۲

«خط این بودکه آمریکا اصلا منسی (فراموش) بشود... یکسسته شوروی را مطرح می‌کردند تا آمریکا منسی بشود... خط این بودکه این قضیه مرگ برآمریکا منسی بشود...» —امام خمینی—

بازماندهٔ لیبرالها را باید زدود تانفس آمریکا بریده شود

باسقوط دولت "گام به‌گام "خط سیاسی لیبرال‌هاضربهٔ سختی خورد ،ولی پس ازمدت کوتاهی دوباره سربلندکردومجددا ،این‌باربه پرچمداری بنی‌صدر "تعرض"آغازکرد. سقوط بنی‌صدروفرار "مشعشعانه"او هرگونه نقاب استتاری‌را ازاین "خط "برگرفت واین بار چنان ضربهٔ کوبنده‌ای برآن واردآمد که دیگر نتواند کمر راست کند.

خط لیبرال‌ها ،بدینسان ،شکست ، ولی اگر تصورشودکه‌مقاومت لیبرال‌ها به‌کلی شکسته شده‌است ،خوش‌باوری زیان‌بخشی خواهدبود ، خط لیبرال‌ها بطورعمده شکسته‌است ،ولی باز_مانده‌های‌تکه‌پارهٔ آن ،باجان سختی سعی‌داردبه

بقیه‌درصفحه۲

بمناسبت برگزاری هفتهٔ جنگ:

سلام برشهیدان جنگ، درود بررزمندگان جبهه‌ها!



لحظاتی دیگر پیکراستوارش ترکش‌ها را در آغوش می‌گیرد! اما تفنگش را هم چنان در دست می فشارد درود تاریخ بر اینان باد !

صفحه ۱۰

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی:

کره (دمکراتیک) ازلحاظ جغرافیائی دور ولی ازلحاظ مبارزه با امپریالیسم نزدیک به ماست

حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی ، رئیس مجلس شورای‌اسلامی‌ایران، در راس‌هیئتی‌برای دیدار وگفتگو بامقامات‌جمهوری‌دمکراتیک‌خلق کره‌وارداین‌کشورشد. دراین‌مسافرت ، سرهنگ نامجوی‌وزیردفاع ،چندتن ازنمایندگان‌مجلس‌و هیئتی ازوزارت‌امورخارجه نیز حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی راهمراهی میکنند. پیش از خروج ازکشور ،رئیس‌مجلس‌شورای‌اسلامی‌ایران دریک‌مصاحبهٔ مطبوعاتی درموردعلل مسافرت خود ،گفت:

بقیه‌درصفحه۸

محور درست داوری را برای تشخیص مشی انقلابی ازضدانقلابی لوث می کنند

انقلاب‌مابه‌برکت‌پشتیبانی مردم زحمتکش و رهبری پی‌گیرومدبرانه امام خمینی ،تاکنون‌امواج گل‌آلودفراوانی‌را ازسرگذرانده‌وپابرجا ایستاده‌است. همانطورکه رهبرانقلاب مکرراتصریح کرده‌اند ،علی‌رغم‌جنگ، محاصرهٔ اقتصادی ،خرابکاری قشرهای ثروتمند ازجهت احتکاروگرانفروشی ،دسایس‌ضد_انقلاب ،بمب‌گذاری‌های ابلیسانه برای محو رجال‌انقلاب ، شایعه سازی، تفرقه‌اندازی ،ناراضی‌تراشی‌های‌حساب شده ،تحریکات درمرزها ،که‌همه‌وهمه‌در زیررهبری "سیا" و"موساد" و به‌دستور امپریالیسم‌آمریکاانجام‌می‌گیرد. این انقلاب‌اکنون قریب سه سال‌است‌که‌پای برجامانده‌ودشمن نتوانسته‌است کار انقلاب را آنطور که،خودمی‌خواسته ،به هرج‌ومرج‌سیاسی_ اقتصادی و جنگ داخلی‌بکشاندو زمینهٔ مداخلهٔ نظامی خودرافراهم‌کند.

با اینحال خوش بینی زائدو دلاسودگی ساده اندیشانه خطااست. کارخانهٔ دوزخی دسیسه کاری دشمن

بقیه‌درصفحهٔ ۱۱

اجرای اصلاحات ارضی بنیادین برای انقلاب بزرگ ایران سرنوشت سازاست

باتشکیل‌کابینه‌وزیران‌آقای‌محمدرضا مهدوی کنی ،که‌تداوم بی‌خدشه‌برنامه‌شهیددکترباهنر را اعلام کرد ،سرانجام‌اصلاحات‌ارضی دردستور روزقرارگرفت. وزیرکشاورزی‌اعلام‌کرده‌است که همین‌روزهالایحه‌قانونی‌در هیئت‌وزیران‌مورد بحث وتصویب قرارخواهد گرفت و در این_صورت مسلماتاقبل ازآغاز پائیز تقدیم‌مجلس خواهدشد. مجلس‌شورای‌اسلامی مدتهاست‌که ، بانامه‌ای به‌حضور امام‌خمینی ،اصرار و تاکید خودرابرالغای بزرگ‌مالکی واجرای‌قانون‌اعلام کرده‌است. بنابراین جامعه انقلابی‌ما ، اینک درآستانه یکی ازبزرگترین تحولات‌اجتماعی_اقتصادی خود ودولت آقای مهدوی کنی در برابر یکی ازحساس‌ترین مسئولیت‌های‌اجرائی خودقراردارد.

"اتحادمردم" در دو شمارهٔ متوالی جوانب مختلف این مسئلهٔ حیاتی را به خوانندگان محترم عرضه‌میدارد.

بقیه‌درصفحه۸

ضرورت جذب متخصصان مؤمن به انقلاب ودفع عناصرضدانقلاب

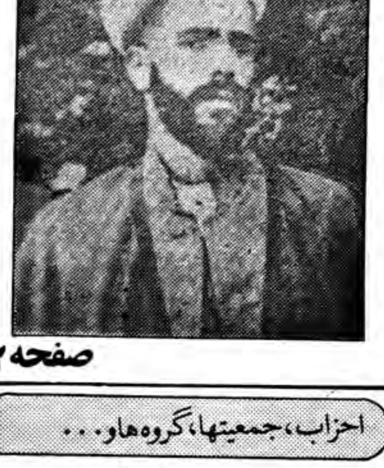
انقلاب برای آنکه بتواندسرانجام بسود مردم‌محروم ،گام‌های عملی‌بردارد و توده‌های میلیونی‌مردم‌زحمتکش را ازاعماق فقرو تباهی که‌ارثیه شوم امپریالیسم ونظام‌منفور سلطنتی است ،برهاندوبه‌آنان زندگی شایستهٔ انسانی عرضه کند ،باید هرچه زودتربه‌دوران‌سازندگی گام‌گذارد.

مرحلهٔ سازندگی ،چنانکه‌بدیهی‌است ، دشوارتر ،بغرنج‌تر وطولانی‌تر از دوران‌ویران_گری انقلاب است ،که یگانه وظیفه آن امحاء وانهدام قوانین ،مقررات نهادهاوکل دستگاه جابرنظام‌کهنه‌است. دردوران‌سازندگی ، باید به‌جای‌هرخشت کج‌نظام‌میرنده ،قطعه‌ای‌ازخارا برجانهاد ،تانظام‌نوین‌انقلابی ازآغاز بر شالودهٔ محکمی پی‌ریزی‌شود وبتواند درخدمت محرومان‌وزحمتکشان جامعه قرارگیرد.

برای پی ریزی چنین شالوده‌محکمی

بقیه‌درصفحهٔ ۱۱

شصتمین سالگشت شهادت شیخ محمدخیابانی



صفحه ۲

احزاب، جمعیتها، گروه‌ها و...

پیام مشترک سازمان جوانان تودهٔ ایران و سازمان دانش‌آموزان پیشگام ایران بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۱ – ۱۳۶۰

صفحه ۶

برای پایان دادن به طرح مجتمع پتروشیمی در بندرامام خمینی:

امپریالیستهای ژاپن سه‌سال است ایران راسرمی دوانند!

امپریالیسم‌ژاپن ،بعد از دوسال ونیم ، همچنان برای اتمام تاسیسات ناتمام مجتمع پتروشیمی در بندر امام‌خمینی (شاهپورسابق) ایران راسرمی دواند!

ساختمان‌این‌مجتمع ،که‌یکی ازمجموعه‌های‌بزرگ‌صنعتی‌ایران‌است و می‌تواند تعداد زیادی کارگر را از بیکاری نجات‌دهد ،درسال ۱۳۵۵ (زمان‌طاغوت) آغازشد. شرکت ژاپنی میتسوئی ،که ساختمان‌این مجتمع را بر عهده داشت وازقبل آن مبالغ کلانی از ثروت خلق‌های ایران راغارت می‌کرد ،با پیروزی انقلاب ایران دست ازکار کشید. دراین‌هنگام تنها ۱۵ درصد طرح باقیمانده‌بود.

وقتی ژاپنی‌هادست‌ازکارکشیدند ،دولت موقت سعی کرد موافقت‌آنهارابرای‌پایان‌دادن طرح ،البته باهمان شرایط‌زمان طاغوت ،جلب کند. امپریالیست‌های ژاپنی که‌تصمیم‌داشتند ، به‌تبعیت ازامپریالیسم‌آمریکا ،تاحدممکن در ایران کارشکنی کنند ،بازی موش و گربه‌راآغاز کردند. بعد از نزدیک به یک سال مذاکره ، هیئت‌نمایندگی‌ایران ،که‌برای مذاکره به ژاپن رفته‌بود ،اعلام‌کردکه‌دولت‌ژاپن‌حاضربه‌پایان طرح‌است ،اماکمپانی طرف قرارداد حاضر به انجام‌کارنیست! روشن‌بود که جداکردن‌دولت امپریالیستی ژاپن ازیکی ازکمپانی‌هائی که درواقع دولت‌اصلی‌هستند ،حیلهٔ امپریالیست‌های ژاپن‌است!

امادولت‌موقت ،که‌به‌کرامات "جهان‌دوم" دلخوش کرده‌بود ، بعدازمدتی‌مذاکره ،سرانجام کار رابه این‌جارساندکه‌طرح:

"در اکتبر سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) بصورت یک‌طرح‌ملی‌ژاپن‌باشرکت‌دولت‌این‌کشوردرآمد". (صبح‌آزادگان – ۱۲شهریور ۱۳۶۰– به نقل‌از روزنامه ژاپنی تاساهی)

اماطولی‌نکشید که معلوم شد دولت‌ژاپن هم‌قصد ندارد طرح رابه پایان‌برساند.

بقیه‌درصفحه ۱۱

برای پیروزی نهائی...

بقیه از صفحه ۱

غرب کشور را اشغال خواهند کرد، سپس این قطعهٔ اشغال شده را به کردستان خواهند پیوست و سرانجام "ایران آزاد!" را تشکیل خواهند داد. امپریالیست‌های آمریکائی، که در مشورت با جلادان ابلهی چون پالیزبان، آریانا و اویسی، به این نتیجه رسیده بودند که بعلت " در هم پاشیدگی نیروهای مسلح ایران" خواهند توانست نقشهٔ خود را بسرعت برق اجرا کنند، حتی کابینهٔ ضدانقلاب را به نخست وزیری بختیار فراری به نزدیکی مرز ایران آورده بودند. سکوت دولت موقت هم، که می‌دانست رژیم صدام در مرزهای دو کشور نیرو متمرکز کرده و به اعتراف دکتر یزدی، حتی مطمئن بود که حمله عراق به ایران ناگزیر است، به امپریالیست‌ها فرصت کافی داده بود. آنها روی مهره‌های خود در ارتش ـ امثال باقری‌ها، که بعداً دستشان روشد ـ نیز حساب می‌کردند. در واقع، امپریالیستهای آمریکائی همه چیز را درست ارزیابی کرده بودند، بجز یک چیز، که همیشه پوزهٔ آنها را به خاک می‌مالد: قدرت توده‌ها!

امپریالیستهای آمریکائی نتوانسته بودند بفهمند که توده‌های خلق، زیر رهبری امام خمینی، متشکل و یک پارچه آمادهٔ دفاع از میهن انقلابی خود هستند. تنها حضور شگفت آور و تحسین برانگیز توده‌ها در جبهه‌ها بود که واقعیت سهمگین را به آنها نشان داد. طی دو روز اول نیروهای دشمن، با استفاده از غافلگیری نیروهای مسلح ما و عدم حضور توده‌ها پیش آمدند، اما، همینکه سیل خروشان توده‌های قهرمان، پاسداران دلاور و ارتشیان دلیر به جبهه‌ها رسید راه نفود بر دشمن بسته شد. مردم دلاور ایران، قبل از آنکه سلاحهای سنگین و مدرن، که توسط لیبرالها و ضدانقلابیون مخفی یا ناپدید گرفته شده بود، به میدان آورده شود، با سلاح سبک و تنها با نثار جان خویش راه را بر دشمن گرفتند و متوقفش کردند. و این تنها مردم قهرمان ما در صف مقدم جبهه نبودند که به دشمن فرمان "ایست!" می‌دادند. در ظرف چند روز سراسر ایران به جبهه و سنگر تبدیل شد. توده‌های خلق با نثار جان و مال خود در جبهه و پشت جبهه راه پیروزی را هموار کردند. چندان طول نکشید که بر طراحان و مجریان تجاوز هم آشکار شد که با شکست رسوای سیاسی روبرو شده‌اند. از آن پس تلاش خلق برای کسب پیروزی نظامی آغاز شد. با همهٔ کارشکنی‌ها و خرابکاری‌های بنی صدر و اعوان و انصار لیبرالش، کارپسراندن دشمن، گاه خانه به خانه و وجب به وجب، آغاز گردید و گسترش یافت و پیش رفت. این تلاش قهرمانانه، که به رغم اخلالگری‌ها و خرابکاری‌های ضدانقلاب داخلی ادامه دارد، اکنون وارد دومین سال خود می‌شود.

توده‌های خلق اکنون هم، مانند یکسال گذشته، آمادهٔ پیکار و فداکاری در جبهه و پشت جبهه هستند. هدف آنها روشن است. پیروزی نهائی بر دشمن متجاوز و پاک کردن میهن انقلابی از لوث متجاوزان. این پیروزی، که به معنای شکست توطئه دیگری از سلسله توطئه‌های امپریالیسم جنایتکار جهانی بسرکردگی آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، مهمترین بازتاب را در سیاست کشور و خاورمیانه خواهد داشت نبرد در این جبهه، که هنوز جبههٔ اصلی در نبرد با دشمن اصلی ـ آمریکا است، برای هر ایرانی مقدس‌ترین وظیفه است.

و اما پیروزی نهائی قطعی است. اگر تمام خلق، مجهزتر و متحدتر از گذشته، به مقابله با تجاوزگران بپردازد، اگر تمام نیروهای انقلابی، صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، متحد شوند و نیروی متحد خود را در خدمت خلق و انقلاب قرار دهند.

این تجهیز و اتحاد، اگر تحقق پذیرد، وسعت یابد و تحکیم شود، خواهد توانست نه تنها جنگ عادلانه بر ضد تجاوزگران صدامی را به پیروزی نهائی برساند، بلکه همهٔ توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و متحدان و عمالش را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با شکست روبرو سازد. و سرانجام این تجهیز و اتحاد، اگر تحقق پذیرد، وسعت یابد و تحکیم شود، خواهد توانست روند طولانی و بغرنج سازندگی را نیز به پیروزی برساند.

تمام نیروی خود را برای این تجهیز و این اتحاد بکار بریم!

نوباوهٔ شهید محمد حسین فهمیده



رهبر ما آن طفل ۱۲ ساله‌ای است که با قلب کوچک خود، که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آنرا منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید

"امام خمینی"

شصتمین سالگشت شهادت شیخ محمد خیابانی

در شهریور ماه، شصت سال از شهادت یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ مبارزات خلق‌های ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع، در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی گذشت. فرزند رشید آذربایجان، ادامه‌دهنده راه پر افتخار ستارخان، روحانی عالیقدر شیخ محمد خیابانی، در اوج درخشندگی دموکراتیسم انقلابی‌اش، بدست تبهکارترین عمال امپریالیسم و عناصر ضدانقلابی، کارگردانان رژیم فاسد شاهنشاهی، در شهر تبریز به شهادت رسید.

درباره شرح زندگی فعالیت سیاسی، اجتماعی و انقلابی این رادمرد بزرگ کم ننوشته‌اند. سراسر زندگی او نمونه چشمگیری از رشد پیگیر روحانی اندیشمند و دموکراتی است که، از عنفوان جوانی با عزمی راسخ کمر خدمت به خلق و به استقلال و آزادی وطن بست، از هیچ دشواری در این راه نهراسید، در سنگر مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و ارتجاع، که پس از شکست انقلاب مشروطیت (۱۲۸۷ ـ ۱۲۸۴) و پایان جنگ اول جهانی (۱۲۹۷ـ ۱۲۹۳) وسعت و شدت می‌یافت، تا پای جان ایستاد.

همکاری نزدیک خیابانی با فراکسیون حزب دموکرات در مجلس دوم ایستادگی مردانهٔ او در واپسین روزهای حیات آن مجلس در مقابل اولتیماتوم رسمی و فشار سیاسی و نظامی تزاریسم روسیه و امپریالیسم انگلستان، سخنرانیهای آتشین، مستدل و افشاکننده‌اش در جلسات مجلس (آذر ماه ۱۲۹۰) و پس از انحلال مجلس، در سبزه‌میدان تهران ـ همه و همه نشانه‌های بارز صداقت خلل ناپذیر یک روحانی مترقی و دموکرات در خدمت به خلق و میهن خود بود.

پس از شکست انقلاب مشروطیت و انحلال مجلس دوم، خیابانی به روسیه (پدرش حاج عبدالحمید در پطروفسکی آنزمان و مخاچقلعه کنونی، پایتخت جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی داغستان، از سالها پیش به تجارت اشتغال داشت) مسافرت کرد. در آن سرزمین خیابانی با جنبش کارگری و اندیشه‌های سوسیال دموکراسی انقلابی آشنا شد. پس از مراجعت به میهن در دوران پس از سقوط تزاریسم روسیه در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ـ اسفند ۱۲۹۵ که انقلابیون مهاجر ایرانی (اجتماعیون عامیون) حزب "عدالت"، را در آن کشور تشکیل دادند، خیابانی در تبریز به احیای سازمان‌های حزب دموکرات پرداخت. در اردیبهشت ۱۲۹۶ روزنامه "تجدد"، ارگان دموکرات‌های آذربایجان شروع به انتشار کرد. اولین مقاله‌های خیابانی زیر عنوان "نور حقیقت خواهد تابید"، "حقیقت را بایدگفت" وغیره در این روزنامه به چاپ می‌رسد. پس از تدارک مقدمات لازم اول شهریور همانسال کنفرانس ایالتی فرقه دموکرات در تبریز تشکیل میشود در قطعنامه‌ویژه‌ای که درباره "مناسبات فرقه با انقلاب روس" به تصویب رسیده است، کنفرانس "از ظهور انقلاب روس و نتایج آن انقلاب در ایران اظهار شادی و امیدواری می‌نماید و کمیته ایالتی را اختیار می‌بخشد که با فرقه‌های آزادی‌خواه روسیه که مراعات حقوق استقلالیه تمامی ملل را جزو مرام خود قرار داده‌اند و با کمیته اجرائیه آن فرقه‌ها همیشه مراودات دوستانه ادامه بدهد و از مساعدت آن ها استفاده نماید."

از این پس، به ویژه بعد از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، فرقهٔ دموکرات به رهبری خیابانی و شخص او در نطق‌های خود، به تکرار به تجربیات پرارزش انقلاب روسیه اشاره نموده‌اند. یکماه پس از پیروزی قیام در سخنرانی ۱۷ اردیبهشت ۱۲۹۹ خود در توضیح اهمیت فوق العاده بینش سیاسی در تامین و اتحاد نیروهای انقلابی خیابانی میگوید:

"مسلک سیاسی حاکم و فائق بر تمام عقاید است، ادیان، مذاهب، قومیت و ملیت درپیش عقاید سیاسی خالی از تاثیر و نفوذ می‌باشد. وحدت مسلک تولید محبت و اتحاد می کند. دیدیم چگونه پس از انقلاب اکتبر روسیه سربازان روس، همان سربازانی که در این مملکت مدهش‌ترین ترتیبات تروریسم را برپا داشته و با قساوت فوق‌العاده با مردم رفتار نموده بودند، یک دفعه مبدل به اشخاص معقول و به آزادی خواهان مهربان گردیدند.... سربازان روس به طور درخشان و مشعشع به تمام جهانیان نشان دادند که مسلک سیاسی بر همه چیز حاکم است... آزادی‌خواهان گرجی وارمنی که در انقلاب ایران پهلو به پهلو می‌جنگیدند و خون خودشان را برای وطن و آزادی ایرانیان می‌ریختند دلالت برصحت این قضیه دارد."

ستمگیری ضدامپریالیستی خصلت اساسی قیام مردم تبریز به رهبری شیخ محمد خیابانی بود. مخالفت افزاینده با قرارداد ننگین اسارت ایران توسط امپریالیسم انگلیس (در سال ۱۲۹۸ نخست وزیر وثوق الدوله آنرا امضا کرده بود) که سراسر ایران و به ویژه آذربایجان را فراگرفته بود، مظهر بارز ی از این ستمگیری ضدامپریالیستی جنبش انقلابی مردم آذربایجان به رهبری خیابانی بود. خیابانی، ۱۵ روز پس از پیروزی قیام در سخنرانی خود در حیاط "تجدد" برای جمعیت انبوه مردم با صراحت اهمیت و عمق وظیفه‌ایکه در پیش رو است توضیح داد و گفت:

"این قیام را شما خودتان هم سهل ننگارید. این قیام می‌خواهد رژیم یک ایرانی را تغییر بدهد، می‌خواهد وضع یک ناهمواری را، که از دیر باز در مملکت تاسیس گردید و به رغم انقلابات تاکنون دوام داشته است، از میان بردارد و به‌جای آن یک رژیم معاصر، جدید و مدرنی را بر پا سازد که هنوز ایران یک ساعت در تحت چنان رژیم منظم و آزادی به سر نبرده است".

وامپریالیسم وارتجاع ایران، از نخست وزیر وثوق الدوله گرفته تا لیبرالی چون حاج مخبرالسلطنه هدایت قاتل خیابانی، درست همین "رژیم معاصر"، "رژیم منظم و آزاد" را نمی‌خواستند. که در ایران مستقر شود.

کمترگفته و نوشته‌ای از خیابانی میتوان یافت که از روح وطن خواهی مردم دوستی، استقلال طلبی، آزادی‌خواهی و دمکراسی به معنای واقعی آن سرشار نباشد. در سخنرانی مورخه ۱۹ تیرماه خود، خیابانی تاکید کرد که "فکر اساسی ما آزادی و استقلال است" و برای نمونه متذکر شد که، از "اصول کنفدراسیون" می‌توان استفاده کرد. خیابانی می‌گفت:

"برطبق اصول کنفدراسیون به همه ملل صغیرهٔ روسیه آزادی و خود مختاری داده شده است".

دوماه و نیم پس از برقراری حکومت شوروی در باکو، پایتخت آذربایجان شوروی (۸ اردیبهشت ۱۲۹۹) خیابانی در نطق خود (۲۶ خرداد) به تفصیل "یک حکومت ایده‌آل، یعنی حکومت مطابق آمال مردم" را توضیح داد و ضمنا به آن رویداد بزرگ تاریخی اشاره کرد و گفت:

"ما در زمانی زیست می‌کنیم که کوچکترین ملت‌ها مستندا به حق خود استقلال و آزادی می‌یابد و خیلی مسروریم از مشاهدهٔ این که یک عده از ملل مجاور سرحدات ما به این موفقیت نائل می‌شوند"

دشمنان سوگند خورده استقلال، آزادی و رفاه مردم زحمتکش ایران، در آنزمان هم مانند امروز، به گفتهٔ رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی، شوروی را مطرح می‌کردند تا امپریالیسم منسی شود. قاتل خیابانی، مخبرالسلطنه هدایت، در کتاب خود زیر عنوان "خاطرات و خطرات" سالها پس از شهادت آن رادمرد بزرگ روحانی عالیقدر و دمکرات انقلابی، با وقاحت اتهام "تجزیه‌طلبی" را در حق خیابانی و همرزمان دمکرات او تکرار می‌کند اما شادروان خیابانی هم آمال و آرزوهای والایش با پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران به تحقق پیوسته و می‌پیوندند، و هم نام نیکش زینت بخش صفحات زرین تاریخ مبارزات پرافتخار همهٔ مردم ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع در راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و رفاه همگانی گردیده است.

بازمانده‌های...

بقیه از صفحه ۱

زندگی ادامه دهد. و این "طبیعی" است، زیرا سرمایه‌داری لیبرال ایران هنوز بطور عمده، پابرجاست و تا این قشر سازشکار و تسلیم طلب ـ جاده صاف کن ضدانقلاب ـ باقی است خط سیاسی او نیز، اینجا و آنجا، به عنوان نمودار مقاومت او، مشاهده خواهد شد.

خط سیاسی لیبرالها همان خط برژینسکی بوده و هست. محتوی و هدف این خط، هموار کردن راه، ابتدا برای "بهبود روابط با آمریکا" و سپس بازگشت آمریکا، از طریق دامن زدن به "جو سوءظن موجود بین ایران و اتحاد شوروی"، تیره ساختن مناسبات بین دو کشور، "پایان دادن به حمایت شوروی" از جمهوری اسلامی ایران است.

در تمام مدتی که لیبرالها بر سر کار بودند، هرکدام در هر مقامی که قرار داشتند، در راه تحقق این "خط" دست در دست "امپریالیسم خبری" ـ وحتی گاه "مبتکرانه" ـ هزار نیرنگ زدند: از اجرای نمایشنامه تبریز ـ مکزیکو و دادن یادداشت اعتراض به شوروی، تا اشاعهٔ انواع دروغهای "کوچک" در اثبات این دروغ بزرگ که اتحاد شوروی حامی انقلاب و دولت جمهوری اسلامی ایران نیست که سهل است، دشمن آن است و حتی دشمنی بدتر از آمریکا!

مهندس بازرگان این خط سیاسی را در این جمله ریخت که: اگر، به گفتهٔ امام، "شیطان کبیر است، مارکسیسم دشمن اکبر است"!

درضمن "استدلال" هم می‌کردند که چون ابرقدرت شوروی "ملحد" است و ابرقدرت آمریکا "موحد"، بنابراین باید با این "موحد" ساخت و علیه آن "ملحد" رزمید!

بنی صدر، که این خط "عریان" آمریکائی را ناکام دید، تئوری مائوئیستی "سه جهان" را برای رسیدن به همان مقصود به میان کشید، که طبق آن باید با کشورهای اروپای غربی همکاری کرد و با "دو ابرقدرت" روبرو شد. بنی صدر می‌خواست آمریکا را از راه اروپای غربی به ایران بازگرداند و برای این کار ـ همان طور که در مجلس شورای اسلامی، بهنگام بررسی "عدم کفایت سیاسی" بنی صدر، بویژه از طرف آقای خوئینی‌ها توضیح داده شد ـ بنی صدر کوشید، با طرح انواع مسائل ساختگی و با پیش کشیدن "روسیه"، آمریکا را به بوتهٔ فراموشی اندازد.

سقوط بنی صدر، شکست مجدد و سخت‌تر این "خط" بود، که امام خمینی آن را، بزبانی ساده و کوتاه، ولی پرمضمون و افشاگر، چنین توضیح دادند:

"خط (لیبرالها) این بود که آمریکا اصلا منسی (فراموش) بشود... شوروی را مطرح می‌کردند، تا آمریکا منسی بشود... خط این بود که این قضیهٔ مرگ بر آمریکا منسی بشود..."

با رای مجلس به "عدم کفایت سیاسی" بنی صدر و پایان جلسه آن با سه بار فریاد "مرگ بر آمریکا"، ناقوس شکست خط آمریکایی لیبرالها نواخته شد، و بانگ رسای آن در سراسر کشور پیچید.

ولی شکست خط لیبرالها به معنای پایان مقاومت این خط نیست. تکه‌پاره‌های این خط، همان قطعات هزارپایی که در تلاش جان گرفتن مجدد است، سرسختانه و مایوسانه، مقاومت می‌کند. شعار "مرگ بر شوروی"، که شکسته بسته گاهی بگوش می‌رسد، و نوشته‌هایی نظیر نوشته های روزنامهٔ "احزاب"، نمایشگر این مقاومت مایوسانه و سرسختانه است.

تا اینجا، همه چیز طبیعی است. تا کلان سرمایه‌داری وابسته و متحد "شرمگین" آن، یعنی سرمایه داری لیبرال ایران باقی است، این مقاومت هم باقی خواهد بود.

اما تعجب و تاسف اینجاست که در گفتار برخی مسئولان و در نوشته‌های بعضی روزنامه‌ها، که پیرو "خط امام" هستند نیز رسوب یا رسوخ این خط هنوز مشاهده می شود. یکجا در مقاله‌ای می‌خوانیم که ضمن بحث دربارهٔ انتخابات، "اثبات" می‌کند که در این دنیا هیچ کشور مستقلی یافت نمی شود، از جمله لیبی، (که صریحا نام می‌برد) و این خود برداشتی نظیر دعوی مبتذل و مغرضانه بنی صدر است. جای دیگر در روزنامه کاریکاتوری را مشاهده می‌کنیم که بنی صدر را با تاج سلطنتی بر سرنشان می‌دهد که جقهٔ آن داس و چکش است! یعنی مثلا بنی صدری که ورد فحش به "روس" و "روسیه" از زبانش نمی‌افتاد، سلطنت طلبی است مورد حمایت یا ساخته "روسیه"! جای دیگر مثلا عکسی از ویرانه‌های آبادان در روزنامه‌ای کلیشه می‌شود که برروی آن تابلوئی نصب شده است: "اینها خرابی‌های کاخ کرملین است"...!

اگر این "قطعات" را کنار هم بگذاریم، "خط" حاصل می شود: با لیبی و دیگر کشورهای مستقل رزمنده برضد امپریالیسم و صهیونیسم همکاری نکنید، چون مستقل نیستند و وابسته به "روسیه" هستند! بنی صدر را در خط آمریکا قرار ندهید، او سلطنت طلب "روسی" است! صدام و تهاجمش را آمریکایی ندانید، او را "روسی" بنامید و تهاجمش را "روسی" بدانید!

رسوبات بازمانده از خط آمریکایی ـ لیبرالی باید از گفتار و نوشتار افراد و گروههائی که خود را در "خط امام" می‌دانند، زدوده شود. مسئولان روزنامه‌هایی که پیرو "خط امام" اند، باید از رسوخ بازمانده‌های خط لیبرال‌ها جلو گیرند. این وظیفهٔ انقلابی را باید اکیدا درنظر داشت و دقیقا اجرا نمود. خط آمریکایی لیبرالها (همان خط برژینسکی) که سعی داشته، سعی دارد، سعی خواهد داشت، دشمن موهومی از شوروی برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بتراشد، دوستان را دشمن و دشمنان را دوست قلمداد کند، تا بتواند ازپشت خنجر بزند، باید از بیخ و بن ریشه‌کن شود، تا نفس آمریکا بریده شود.

کارنامهٔ ابوالحسن بنی‌صدر (۱۱) قسمت آخر

شکست توطئهٔ رفراندم و فرار بنی‌صدر

اشاره

خوانندهٔ ارجمند! در این شماره کارنامه ننگین ابوالحسن بنی‌صدر را فرو می‌بندیم و او را در اعماق زباله‌دان تاریخ وامی‌نهیم. در ۱۱ شماره‌ای که از نظرتان گذشت، ماکوشیدیم مجموعه نظریات و عملیات فردی را، که بر امواج خون توده‌ها به قدرت رسید و با غصب اولین کرسی ریاست جمهوری اسلامی ایران، برآن بود، تا نظام منفور شاهنشاهی را در جامه دیگری زنده کند، جمع بندی و ارزیابی کنیم.

اکنون که قسمت آخر کارنامه سراپا خیانت بنی‌صدر به انقلاب ایران را می‌خوانید، جبههٔ متحد ضدانقلاب، توطئهٔ وسیع و تازه‌ای را علیه انقلاب تدارک می‌بیند. به همین زودی بنی‌صدر ــ چنانکه رسم تاریخ است ــ به گله سگان دست‌آموز امپریالیسم پیوسته است و در ازای پارسش علیه انقلاب، نواله‌ای از دست ارباب می‌گیرد. اما خط بنی‌صدر، که یکی از خطرناک‌ترین سیاست‌های امپریالیسم، یعنی مسخ انقلاب را از درون نمایندگی می‌کرد، هنوز زنده است و هنوز به شکل‌ها و رنگ‌های دیگر در کار نیرنگ است.

فراموش کردن امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، تبلیغ خطر موهوم کمونیسم و شوروی، تفرقه‌افکنی بین نیروهای انقلابی، تبلیغ نظریه "سه‌جهان" و مبارزه پیگیروکینه‌توزانه علیه نیروهای راستین پیروسوسیالیسم علمی زیرنقاب اسلام، که رئوس "سیا"ست بنی‌صدر را تشکیل می‌دهد، اکنون به شکل‌های دیگر وگاه به همان اشکال زنده است و همان هدف بنی‌صدر را دنبال میکند: نابودی انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران!

هشیار باشیم و باپندگیری از تجربه تلخ وخطرناک بنی‌صدر، توطئه‌های نظیر او را افشا کنیم و درشکنیم.

* * *

گفتیم که وظیفهٔ بنی‌صدریون تزریق بحران به جامعه و تشدید آن بود و در برهه‌ای از زمان، برای اینکه این بحران از هرچه که هست بیشتر بنماید، جبهه متحد ضدانقلاب به رهبری بنی‌صدر، علم آزادی مطبوعات را بالا برد. بخصوص آنکه روزنامه پیروان "خط برژینسکی" یعنی "میزان" هم روز ۱۸ فروردین سال ۶۰ توقیف شد:

"... خفقان مطبوعات مقدمه استقرار استبداد است..." (۱۹ فروردین ۶۰ ــ انقلاب اسلامی ــ بنی‌صدر)

بنی‌صدر درمخالفت باتوقیف "میزان" ودستگیری رضاصدر مدیر مسئول آن: آشکارا به میدان آمد:

"... کسی راهم برای افترا زندانی نمی‌کنند. اگر اینطوربودکه باید تا الان همه را توقیف کرده باشند. دراین دوسال اینقدرافشاگری همه راجع به همه کرده‌اند که باید تمام زندان‌ها ازافشاگرها پرشده باشد وکسی بیرون نمانده باشد..." (۲۳ فروردین ۶۰ ــ انقلاب اسلامی)

وهمهٔ اینها، همزمان بود با دعوت مهندس بازرگان ازمردم ایران برای "حمایت از آزادی مطبوعات" (۲۴ فروردین ۶۰ ــ انقلاب اسلامی) وجمع‌آوری وثیقه برای آزادی رضا صدر، که ابوالحسن بنی‌صدر هم مبلغ ۱۰۰۰ تومان، به حسابی که برای اینکار افتتاح شده بود، واریز کرد. وبازهم سرمقاله‌نویس شاعرپیشه "انقلاب اسلامی" که:

"ای مردم آزاده کجائید، کجائید
آزادگی افسرد بیائید، بیائید." (۱۹ فروردین ۶۰)

"صدای آزاد اویسی" هم همین را می‌گفت:

"... حکومت تهران در پی تعطیل روزنامه میزان متعلق به مهدی بازرگان وبازداشت رضاصدر مدیرروزنامه، می‌رودتا اختناق وسانسورکامل را برقرارکند..." (۱۹ فروردین ۶۰)

دوست آن باشدکه گیرد دست دوست..."!

جبهه متحد ضدانقلاب به رهبری بنی‌صدر آنگاه به طرح "مسئله شکنجه" پرداخت و کوشید تا به این ترتیب جنجال دیگری به‌پا دارد:

"... مطلب دیگر هفته، موضوع شکنجه بود..." (۱۹ اردیبهشت ۶۰ ــ انقلاب اسلامی ــ کارنامه بنی‌صدر)

"رنجبر" هم به کمک آمد:

"... مردم ماقیام کردند تا به استبداد سلطنتی وفاشیسم خودکامه ساواک خاتمه دهند اماامروز... با ۶ نوع زندان وانواع شکنجه‌ها روبرو هستند..." (رنجبر ــ شماره ۱۴۷)

والبته جلاد اویسی هم دراین بازی آمریکاساخته نقش خودرا فراموش نمی‌کرد:

"... رژیم خفقان زای خمینی علاوه بر شکستن قلم‌ها... به شکنجه وکشتار نویسندگان نیزپرداخته است...." (۲۵ اسفند ۵۹ ــ صدای آزاد)

ایجاد تشنج

همزمان باطرح مسائل فوق ونکات مشابه اعضای جبههٔ متحد ضدانقلاب به رهبری بنی‌صدر به یک "سلسله عملیات فیزیکی تشنج‌آمیز در نقاط مختلف کشور دست‌زدند، عملیاتی که "سپهسالاربنی‌صدر!" ، نیزمستقیم یاازطریق ارگان خود، روزنامه "انقلاب اسلامی" آن‌ها رابه سودخودتعبیر وتفسیر وتائید می‌کرد، اقدامات ضدانقلابی که، به‌دنبال ارائهٔ طرح تعیین سرپرستی وزارت‌خانه‌های بی‌وزیر به‌مجلس شورای اسلامی، بیش‌ازپیش بالاگرفت بنی‌صدرابتدا تهدیدکرد که:

"... این امر (دادن طرح مزبور) علاوه برخطرهای دیگر، میزان راکه رای ملت است بی‌اعتبار می‌سازد وخطر را متوجه اساس جمهوری می‌گرداند..." (۱۹ اسفند ۵۹ ــ انقلاب اسلامی)

وچون این تهدید به‌نتیجه نرسید، جوسازی ضدانقلابیون ازاین‌جاواردمرحله جدیدتری شد. فراکسیون لیبرال‌ها و مائوئیست های مسلمان‌نمادرمجلس، روز ۱۹ اسفند ۵۹، با خروج ازمجلس جلسه را از رسمیت انداختند، روزنامهٔ "انقلاب اسلامی روز ۲۱ اسفند ۵۹ اعلام کردکه:

"... می‌خواهند کاری کنندکه حکومت شورای سه‌نفری آقایان بهشتی، رجائی وهاشمی رفسنجانی برقرار شود..."

روز ۲۳ اسفند ۵۹ هم بنی‌صدر از "آیت‌الله‌بهشتی، محمدعلی‌رجائی و حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی برای مناظره دعوت به عمل آورد وهمان‌روز، روزنامه "انقلاب اسلامی" ، در سرمقاله‌ای تحت عنوان "دررهٔ جانانه" ، نوشت:

"... برشوره‌زار دیوانسالاری، پس از پیروزی انقلاب کدامین ابررحمت باریده است که سیل خروشان تحرک وسازندگی راانتظارمی‌کشید، وبرتاریکی جهل وپاسداران این بندگران کدامین برق امید تابیده‌است که‌روشنائی ایمان وگرمای زندگی انقلابی راتوقع دارید..."

۱۷ اسفند ۵۹، "مجاهدین خلق" ، به کمک گروهک‌های مائوئیستی ــ آمریکائی و با حمایت ضدانقلابیون، لاهیجان رابه آشوب کشاندند.

۲۵ اسفند ۵۹، توطئهٔ عوامل ضدانقلاب در شادگان برای به‌تعطیل کشاندن مدارس افشاشد دراین‌توطئه "مجاهدین خلق "ولیبرال‌ها هم دوشادوش شرکت داشتند.

درآخرین روزهای سال ۵۹ بندر عباس شاهد درگیری‌ها وآشوب‌های تازه‌ای بود. دراین آشوب‌ها نیز"مجاهدین خلق"شرکت داشتند.

۹ فروردین سال ۶۰ "مجاهدین"و "پیکاری"‌هاقزوین رابه‌تشنج‌کشاندند. ۲۹ فروردین ۶۰ ضدانقلابیون و"مجاهدین" دربروجردزمینه برخوردهای فیزیکی را فراهم آوردند. ۲۴ اسفند ۵۹ به‌سرکردگی عوامل‌ضدانقلاب درخدابنده و ازنا تظاهراتی، ظاهرابه‌بهانهٔ پشتیبانی از بنی‌صدر، برگزارشد. روز ۲۵ اسفند بازاریان، اصناف وپیشه‌وران تهران (وابسته‌به "جبهه‌ملی" اعلام‌کردندکه قصد تعطیل بازار را دارند.

وسرانجام روزنامه "انقلاب اسلامی" ، بنی‌صدرنامه، که‌زمینه رابرای طرح‌مسئله‌رفراندم آماده می‌دید، نوشت:

"... بایدبگوئیم و به‌اصراروتاکید بسیار که‌میزان رای ملت‌است، اجازه‌دهیم ملت نظر خودراابراز کند... اگرنه‌بحران، بحران بغایت خطیری خواهدبود..." (۲۳ اسفند ۵۹)

وکلام آخرهم ازخود بنی صدر که:

"... این‌جمهوری، جمهوری نیست که من فخر کنم رئیس آن باشم..." (۲۰ اسفند ــ انقلاب اسلامی ــ کارنامه‌بنی‌صدر)

واین کلام همراه بود باتیتربزرگی‌ازقول سخنگوی دولت که:

"... هروقت مردم مارانخواستندمی‌رویم..." (همان‌جا)

البته‌به‌زعم آقایان مردم این دولت را نمی‌خواستند، ولذا آنهایکه تازمیدان‌بودند، پس وقت آن‌بودکه رژیم حاکم راسرنگون‌کنند.

دعوت به قیام

دراین‌شرایط که‌جوبسیارآشفته‌ای‌برمملکت حاکم‌بود واین‌جو خطرات جدی برای انقلاب دربرداشت، ازجانب امام‌خمینی سخنرانی مسئولان درجه‌اول‌مملکت ممنوع وهیئتی به منظور رسیدگی به‌اختلافات‌سران‌درجهٔ اول کشورتشکیل شد. لیکن ضدانقلابیون، به‌رهبری بنی‌صدر، برای براندازی رژیم جمهوری‌اسلامی



ایران ومسخ انقلاب شکوهمندمردم‌ما، دورخیز کرده‌بودندومنع سخنرانی‌نمی‌توانست مانع فعالیت آنان شود. آنان، از بنی‌صدر گرفته تا بختیار واویسی وآریانا و "رنجبری"ها و... درتوطئه برای سرنگونی‌جمهوری اسلامی‌ایران درقول‌ونظراتفاق داشتند:

"... بپاخیزید و طومار این رژیم (جمهوری اسلامی‌ایران) را درهم نوردید و نابودکنید..." (۲۶ اردیبهشت ۶۰ ــ صدای آزاداویسی)

و"... ازکلیه کارکنان ناراضی دولت‌در سراسرکشور دعوت می‌کنیم که... به تشکیل... کمیته‌ها (براندازی) مبادرت‌کنند..." (۱۲ اسفند ۵۹ ــ صدای آزاداویسی)

صدای بختیار وافوری هم‌همین‌بود:

"... آریاناها وجم‌ها باید بدانند که اگر باهم متحد شوند وباجناح بختیار ائتلاف کنندما... زودتر می‌توانیم پابه خاک وطن بگذاریم..." (۲۲ دی‌ماه ۵۹ ــ رادیوبختیار)

گروهک آمریکائی ــ چینی "رنجبران" نیز خیابان‌هارابرای بازگشت زودتر آریاناهاو اویسی‌ها آب وجارو می‌کرد:

"... باتشکل توده‌ها واتحاد نیروهای هوادار، نیروی انقلابی توده‌ها را از قوه به فعل درآوریم، مستبدین وانقیاد طلبان را از سر راه برداریم..." (رنجبر، ۱۵۴)

والبته بنی‌صدرهم، که رهبرو سخنگوی جبهه‌ضدانقلاب‌وبراندازی‌بود، نمی‌توانست کمتر از این‌هابخواهد:

"... مثل آن‌بیماری نباشیم که‌معالجهٔ راآنقدر به‌تاخیر بیاندازیم که‌وقتی به سروقت طبیب‌می‌رویم کاری از او ساخته‌نباشد.. حالا هم اگر به‌موقع عمل نکنیم، فردا بسیار دیر خواهدبود..." (۱۱ فروردین ۶۰ ــ انقلاب اسلامی ــ کارنامه بنی‌صدر)

واین "عمل" درآن‌شرایط چیزی نبود غیراز "رفراندوم "!امپریالیسم‌که فکرمی‌کرد، بنی‌صدر در رفراندوم رای می‌آورد، به گمان خودبهترین راه را پیدا کرده‌بود: سرنگونی جمهوری اسلامی ایران از طریق ظاهرا قانونی! به‌نظربنی‌صدرهم شرایط برای این‌کار مساعد بود. به‌همین جهت ابوالحسن‌بنی‌صدر، از اوایل فروردین‌ماه‌سال ۱۳۶۰، به‌طورآشکارتری به‌مخالف‌خوانی‌پرداخت وبه‌رغم دستورصریح امام‌خمینی دربیانیه ۲۶ اسفند ۵۹، مبنی بر منع سخنرانی مقامات درجهٔ اول، درجمع خانوادهٔ شهدای نیروی هوائی درشیراز سخنرانی تحریک‌آمیزی کرد، که‌می‌توان‌آن‌را شلیک تیربرای‌دورآخرمسابقه‌خواند.

بنی‌صدرآنگاه، روز ۱۵ فروردین ۶۰، با شرکت درسمیناری که‌توسط "دفترهماهنگی" ترتیب یافته‌بود، "... ضمن‌اشاره به‌برخی مسائل روز در مورد تبدیل یک انقلاب به‌ضدانقلاب... برای حاضرین سخن‌گفت..." (انقلاب‌اسلامی)

وبعدهم اعلام کردکه:

"... ایران در لحظاتی است‌که تصمیم نسل‌جوان امروز وایستادگی واستقامت‌می‌تواند اسباب نجات کشور... را فراهم آورد..."

(همان‌جا)

درروز ۲۹ فروردین ۶۰ عوامل‌ضدانقلاب به‌منظوراجرای دستورات "سپهسالاربنی‌صدر"! مبنی براستقامت (!) چندکتابفروشی را در قزوین به‌آتش کشیدند و چند روز بعد (۱۵ اردیبهشت ۶۰) "مجاهدین" با ایجاد درگیری گسترده‌ای، قائم شهر را متشنج ساختند. ۷ اردیبهشت ۶۰ اصفهان متشنج شد و ۸ اردیبهشت ۶۰ مائوئیست‌های آمریکائی "رنجبران" و"پیکار" وسایرعناصرضدانقلابی، به کمک "مجاهدین" تهران رابه‌تشنج‌کشاندند. البته مائوئیست‌های آمریکائی که درهمهٔ جبهه های ضدانقلابی فعالانه شرکت داشتند ودارند، در همین‌روزباجمع‌کردن گروه‌معدودی به عنوان "مجاهدافغانی" درگوشه دیگری‌ازتهران‌دست به‌راه‌پیمائی زدند، وسپهسالار بنی‌صدر هم، که عاشق قانون وآزادی (!) بود، در برابر این اعمال ضدانقلابی "لال"بودن را درپیش گرفت.

بنی‌صدر دیگر "پیامبرا"ضد انقلابیون شده‌بود.

"... کار اساسی پیامبران‌آگاه‌کردن‌مردم از وضعیتی که درآن‌هستند وبیرون بردن آنها ازآن‌وضعیت به‌یک‌وضعیت بهتروشکستن سانسور های مختلف... است..." (۱۵ فروردین ۶۰ ــ انقلاب‌اسلامی)

وبعدهم‌رویاروئی صریح با امام‌خمینی رهبرانقلاب وبنیانگذارجمهوری‌اسلامی‌ایران:

"... هروقت که مابخواهیم بایستیم و بپرسیم چرا این‌کارهاشده، می‌گویند اختلاف شد وعده‌ای می‌آیند ومیانه را می‌گیرند..." (۱۷ فروردین ۶۰ انقلاب‌اسلامی ــ کارنامه‌بنی‌صدر)

درکناراجرای‌این‌ماموریت‌ضدانقلابی، تقلیدخنده‌داری ازاعتصاب غذای مبارزان ایرلندی توسط‌اعضای "دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم با رئیس جمهور"هم‌درشهرهای مختلف‌شروع‌شد.

روز ۳۱ فروردین‌سال ۶۰، ابوالحسن بنی‌صدر، به‌منظور هماهنگ کردن مجموعه

بقیه‌درصفحه ۱۰

دیکتاتوری سادات موج خشم وناخشنودی خلق مصر را برمی انگیزد

مصردر روزهای اخیر ، باپاخاستن توده ـ های مردم وشرکت آنها در نمایش های اعتراض آمیزخیابانی ، شاهد گسترش موج سرکوب ، خفقان وبازداشت های جمعی بود. مردم مصر ، ناخشنودازسیاست ضدخلقی سادات ، عروسک کارگزارامپریالیسم آمریکا ، خواستار دگرگونی های بنیادی درسراپای نظام حاکم شدند .

رژیم سادات برای فرونشاندن جنبش نوخاستهٔ مردم وحراست از منافع ارتجاع و امپریالیسم به واکنش پرداخت . بازداشت بی ـ سابقهٔ مخالفان همچنان دنبال می شود ، بطوری که درچندروز نخست تشدید سرکوب و خفقان ، شماربازداشت شدگان ، بنابه اعتراف سادات ، به ۱۵۰۰ تن رسید . دربین بازداشت شدگان ۱۶ تن ازرهبران بلندپایهٔ احزاب مخالف و جنبش اسلامی نیزوجود دارند . ۶ روزنامه توقیف و عده‌ای از روزنامه‌نگاران بازداشت گردیده‌اند .

سادات بیدرنگ درپارلمان مصرحضور یافت وطی یک سخنرانی سه ساعته ، برای سرپوش نهادن برسیاست ضدخلقی وخیانت تاریخی خود نسبت به آرمانهای اعراب (با بستن قراردادکمپ دیوید) برای اززیر ضربه خارج کردن امپریالیسم آمریکا ، اعتراضات دامنگسترمردم را "کشمکش های فرقه‌ای میان مسلمانان ومسیحیان" معرفی کرد ، تا بدینوسیله سرشت ومحتوای این رویدادها را دگرگون جلوه دهد .

دراین حال ، خبرگزاری "تاس" در تفسیری دربارهٔ علل رویدادهای اخیرمصر ، به ارتباط میان موج بازداشتهای بی سابقه مخالفان درمصروبارضائی فزاینده توده‌های مردم درقبال سیاست هواداری ازآمریکای رژیم سادات اشاره کرد .

"تاس" افزودکه محافل مخالف رژیم ، در این جنگ صلیبی که علیه آنها آغاز شده است ، تمایل دولت به منحرف کردن توجه مردم از شکست‌های سیاسی وانداختن مسئولیت این شکستها به دوش به اصطلاح عناصرخرابکار را می بینند .

شایان دقت است که بخاطر خصلت و محتوای صدامپریالیستی ، بویژه صدآمریکایی ، این رخدادها ، دین فیشر ، سخنگوی وزارت خارجهٔ آمریکا ، ادعاکرد که دولت او در حال حاضر "اطلاع دقیقی دراین مورد" (تظاهرات صدامپریالیستی وصدآمریکایی وموج خشونت و بازداشت) ندارد وآنرا "یکموضوع مربوط به اوضاع داخلی مصر" خواند . آیا براستی چنین است؟ بی شک نه .

رویدادهای اخیر ، ازماهیت واقعی "دمکراسی راستین" ، "سیستم چندحزبی" و "سیاست درهای باز" سادات پرده برداشت . تاچندسال پیش ، دستگاههای تبلیغاتی مصر ، بازگشائی راه برای برباریکه‌نشستن "دمکراسی راستین" رانوید می‌دادند . آزادی برپایی احزاب سیاسی اعلام میشد . برروی پرده سینماها ، فیلمهائی به نمایش درمی‌آمدکه تجاوزبه "حقوق بشر" رامحکوم می‌کردورعایت "حقوق بشر" رادر سرزمین مصر امری گذشت ناپذیر می نمود . تلویزیون‌ها فیلمی رابه نمایش می گذارند که در آن سادات کلنگ در دست ، دیوار زندان را فرومی ریزد!

ولی دیگراین نمایش مسخره پایان پذیرفته است . دودودمهٔ مردم فریبی به کنار رفته است وسیمای پلیدسادات پدیدارمی‌گردد . امروز پایمال ساختن حقوق وآزادی های دمکراتیک شهروندان مصری پدیدهٔ نوپیدائی نیست . هر بانگ مخالف خفه می‌شودوشکنجه‌گرانی مانند کمال المغربی ، شناخته‌بنام "طارق" ، درزندان ـ های مصربرپیکربهترین فرزندان خلق مصر تازیانه می‌زنندوزخم می‌نشانند . سال‌گذشته ، مجلس قانون‌جابرانه‌ای را از تصویب گذراندکه به "قانون ننگ" معروف شده‌است . این قانون نظر به سرشت ضدانسانی وخشونت آمیز خود ، موجب روسپیدی قوانین استعماری است . تنها به بیان این مطلب بسنده می‌کنیم که برمبنای این قانون ، رژیم ضدخلقی سادات می‌تواندهرکسرا ، بخاطرشرکت جستن دریک اعتصاب ، یاانتقاد کردن ازسیاست دولت ، به حبس دائم بااعمال شاقه محکوم سازد .

پایه‌های سیستم نیم بندچندحزبی ، که در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷) درمصربرقرارگردید ، در زیرضربات سرکوب وسانسور فرو می ریزد . بازداشت ۱۶ تن ازرهبران این احزاب وجمعیت ـ ها در روزهای اخیرشاهدروشنگری براین مدعا است . پیش ازاین نیزاعمال خشونت و ایجاد محدودیت‌های گسترده علیه احزاب قانونی مخالف امری به دورازانتظارنبود . چنان که "الاهالی" ارگان جناح چپ حزب اتحاد ترقی ـ خواه ملی به رهبری میهن‌دوست سرشناس ، خالد محی‌الدین ، که بطور رسمی درپارلمان نماینده دارد ، پس از توقیف های پیاپی سرانجام بکلی تعطیل شد . دراوایل فروردین ماه ۱۳۵۹ (اواخرماه مارس ۱۹۸۰) "سازمان امنیت مصر" ، محی‌الدین ، دبیرکل حزب اتحاد ترقی خواه ملی ، رابمنظوربازجویی ، به جرم انتشارخبری دربارهٔ رشدنهضت مخالفان در ارتش مصر در بولتن حزبی ، احضارکرد . اقداماتی نیز علیه عضو دیگر هیئت دبیران حزب صورت گرفت .

دراوایل فروردین ماه ۱۳۵۹ (پایان ماه مارس ۱۹۸۰) بازداشت مخالفان گسترش یافت تنهادریک شب ۷۰ تن ، که ۴۲ تن از آنان از وابستگان به حزب اتحادترقی خواه‌ملی بودند ، بازداشت شدند . این نخستین بار نبود که شخصیت‌های برجسته‌ای مانند ابوعزحسن الحریری ، نمایندهٔ پیشین پارلمان ، و محمد یوسف‌الجندی ، رئیس سابق انتشارات دار ـ الثقافه‌الجدیده ، درپشت میله‌های زندان قرار می گرفتند .

حزب سوسیالیستی کار هم ، به‌مثابه یکی ازاحزاب مخالف ، ازچندی پیش با پیگرد فزاینده دست به‌گریبان بود . روزنامه این حزب ، الشعب ، درمخالفت باسیاست رژیم سادات از جمله دربارهٔ حساسترین مسئله کشور ، یعنی بند وبست "کمپ دیوید" ، مقالاتی منتشرمی‌کرد مقامات حاکمه تااین‌زمان جرات آنرا در خود نیافته‌بودند که این روزنامه راتعطیل کنند ، ولی پس ازاشکال‌تراشی های جدی درراه انتشار آزادانه آن ازیکسو ، ودامن‌زدن به‌کارزارتهمت وافترا علیه رهبر حزب ، ابراهیم شکری ، و معاون او ، حلمی مراد ، ازسوی دیگر ، سرانجام به‌همراه پنج نشریهٔ دیگرمصری درروزهای اخیر توقیف گردید .

ازسرکوب آزادی‌های دمکراتیک که بگذریم ، ریشهٔ دیگرناخشنودی توده‌های وسیع کارگران وزحمتکشان ، احزاب ، سازمانها ونیرو ـ های آزادیخواه ومترقی ، درسیاست اقتصادی هستی برباد ده "درهای باز" رژیم وابستهٔ سادات نهفته‌است . سیاستی که درسایهٔ شوم آن ، دستاوردهای سترگ انقلاب ۱۳۳۱ (۱۹۵۲) به‌رهبری جمال عبدالناصر ، راه فنا سپردوفقر ، گرسنگی وتیره‌روزی سهم زحمتکشان وثروت نصیب کلان سرمایه‌داران وبزرگ‌زمین ـ داران وشرکتهای چندملیتی گردید .

سادات خائن ، دگربارنظام یغماگر سرمایه‌داری رادرمصرجان بخشید ، دروازه‌های اقتصادکشور را به روی انحصارات امپریالیستی بویژه آمریکائی . گشودواقتصادناتوان مصررادر بحران ژرفتری فروبرد . سرمایه‌های امپریالیستی غارت بی بندوبارمنابع ونیروی انسانی مردم مصر راآزمندانه آغازکردند . دراینجا تنها به بیان عملکرد سرمایه‌های مالی امپریالیسم بسنده می‌کنیم :

درسالهای اخیر ۳۵ بانک آمریکائی و اروپای غربی باسرمایه‌های مختلط ، شعبه‌های خودرادرسراسرکشورگسترده‌اند . این بانکها با بکارانداختن سرمایه‌خود دررشته‌های گوناگون اقتصادی ، نه تنهاخودمستقیما در غارت دسترنج مردم محروم مصردست دارند ، بلکه شبکه‌مطمئن فرارسرمایه‌های سرمایه‌داران مصری به‌خارج ازکشور نیزهستند .

بخش‌دولتی اقتصادکشور ، که ۸۰ درصد تولیدات صنعتی رادراختیارداشت دستخوش دگرگونی بنیادی گردیده‌است ودیگرنقشی در ترقی وتوسعهٔ اقتصادی کشورایفانمی کند . یک قشربورژوازی نوخاسته وبوروکرات رشدکرده‌است که آشکاراازسرمایه‌گذاری دراقتصادکشور خود ـ داری می‌ورزد . درحالیکه ازامکانات وسیع و پر دامنه‌ای برای چپاول برخورداراست . برپایهٔ آمارداده‌شده ، شمارمیلیونرهای مصری که قبل از انقلاب سال ۱۳۳۱ (۱۹۵۲) به‌چهار تن محدود می گردیداکنون به‌هفتصدتن رسیده‌است .

طبیعی است که این نحوهٔ عملکرد اقتصادی دولت پاسخگوی نیازهای توده‌های مردم نیست ، ولی سرچشمه درآمداضافی برای بوروکراتهاوبورژوازی نوخاسته‌است . برای نمونه شرکت‌های ملی داروئی به‌شرکتهای خصوصی تبدیل‌شده‌اندوقیمت‌گذاری دلخواسته‌حق مسلم این شرکتهاست .

"سیاست درهای باز" چهرهٔ روستاها را نیزتغییرداده‌است . دیگربارمناسبات واپس‌مانده پیش ازانقلاب برقرارگشته‌است . سادات با اتخاذ "تدابیری تحت‌عنوان "ازبندتوقیف‌آزاد کردن" زمینها ، اراضی متعلق به‌فئودالها راکه رئیس جمهور فقیدمصر ، عبدالناصر مصادره کرده‌بود ، به‌آنهابازپس داد . پرداخت بهرهٔ مالکانه‌دوباره برقرارشدوبرای‌آنکه پرداخت بهرهٔ مالکانه‌تضمین‌گردد ، بنابرآن شدکه‌هرکس ازپرداخت‌آن سرباز زد ، ازده‌اخراج‌شود . جان کلام اینکه ، اصلاحات‌ارضی مسخ‌گردیدو قوانین مربوط به‌آن به دلخواه نادیده‌انگاشته‌شد .

استقرارسرمایه‌داری در روستاها ، ناگزیر صف نیروها را از هم جداکردودرنتیجه‌تشدید تضادطبقاتی ، برخوردهای خونین بین‌کارگران کشاورزی وملاکین بوجودآمد . پرواضح است که درچنین شرایطی ، بارآوری کارکاهش می‌یابد .



چنانکه‌برای نمونه ، تولیدگندم بزحمت‌یک سوم احتیاجات مردم رابرآورده‌می سازد . کمبود آن هم ازخارج تامین‌می شود . واردات موادغذایی برای اقتصادورشکسته وبیمارمصر به ۲ میلیارد دلار درسال ـ یعنی ۷ برابرآخرین سال‌حکومت ناصر ـ رسیده‌است . اکنون ، کشاورزی مصر چنان ناتوان‌شده‌است که‌داود ، وزیرکشاورزی‌مصرمی گویدکه خودکفائی‌موادغذائی‌درمصرکاری‌غیرممکن‌است .

درحالیکه ۵% جمعیت ۳۰% کل درآمد سالیانه را درانحصارخوددارند . بیشترسرمایه ـ داران وثروتمندان ، باتلاش بسیار در جستجوی گریز برای نپرداختن مالیات هستند . به گفتهٔ وزیر امور مالی ، دریازده ماه سال ۱۳۵۸ ، موسسات خصوصی ۷۳ میلیون لیره بعنوان مالیات پرداخته‌اند ، و این در حالی‌است که کل‌مالیات دریافتی در سطح‌کشوربه ۱/۸ میلیاردلیره‌می رسد . بنابر این باراصلی‌مالیات برگردهٔ کارگران‌وکارمندان‌است .

۴/۵ میلیون کارگر وکارمند بگونه‌ای بی‌رحمانه دربخش خصوصی استثمارمی‌شوند . حقوق دریافتی آنها دربرابر ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار ، تحت شرایط وقوانین دشوارو‌کمرشکن ، به سختی پاسخگوی نیازهای روزافزون آنهاست . تنهایک چهارم کارگران ازبیمه‌های اجتماعی بهره‌مندمی شوند . می‌توان‌گفت‌که‌تقریبا قانون کاری وجودندارد . خون‌بهای کارگران از چند لیره‌تجاوزنمی کند . درصد بیکاری‌وحشتناک‌است .

تورم وناپایداری قیمت‌ها ، این بیماری کهنه نظام سرمایه‌داری از رهرو "سیاست درهای باز" مصربه‌روی غرب ، کشور رافلج‌کرده‌است . درسال‌جاری‌نرخ‌بنزین ، کودشیمیایی ، نوشابه ـ های‌الکلی ، سیگاروبرق‌مصرفی افزایش‌چشمگیری پیداکرده‌است ، ولی‌کمک دولت برای‌جلوگیری‌از افزایش بهای‌مواداصلی غذائی‌مانندنان ، نمک ، شکر ، وسبزیجات ، نسبت‌به سال پیش ، ۲۶۰ میلیون‌لیره کاسته‌شده‌است .

این‌همه‌بیانگرآنست‌که دولت یارای برون رفت ازبن‌بست‌اقتصادی رانداردد . هما‌نطور که "الشعب" ، ارگان‌حزب‌ترقی‌خواه‌ملی‌مصرمی‌نویسد:

"این‌مشکلات‌اقتصادی نه تنها حل نمی شوند ، بلکه‌هرروزپیچیده‌ترمی‌گردند" .

کمک‌های مالی‌واقتصادی‌کشورهای بزرگ سرمایه‌داری ، ودرمقام‌نخست امپریالیسم‌آمریکا به‌مصرتنهاوسیلهٔ مطمئنی‌برای استوارترساختن شالوده‌های وابستگی درکلیه‌عرصه‌های زندگی اجتماعی‌است . امپریالیسم آمریکاباکمک ۱/۵ میلیارددلار درسال‌میخواهد‌دراین‌منطقه‌حساس استراتژیک رژیمی‌رام‌وپیروسیاست‌های‌تجاوز ـ کارانه وغارتگرانه "واشنگتن" برپانگهدارد ، امپریالیسم‌آمریکا برای‌ایجادپیوندهای‌گسست ـ ناپذیرمیان‌مصرواردوی‌سرمایه‌داری‌وبستن هر گونه راه بازگشت ، بیشتر این‌کمک‌ها رابه‌بخش خصوصی اهدامی کند .

سیاست خیانت کارانهٔ سادات در مورد امضاء قرارداد "کمپ دیوید" بااسرائیل‌وپیامد ـ های آن ، درعمل مصر رابه‌مداروابستگی به امپریالیسم آمریکاکشاندوآنرابه‌ژاندارم منطقهٔ گسترده‌ای ازقارهٔ آفریقاتاخاورمیانه ، تبدیل کرد . براساس گزارش روزنامه "الاخبار" اکنون مصر درکارخریداری ۴/۳ میلیارد دلار جنگ افزارتنهاازامپریالیسم‌است .

همپای "عادی‌شدن "مناسبات میان‌مصرو اسرائیل ، هر روزاسرائیل‌نقش‌چیره‌تری در زندگی‌اقتصادی‌مصربدست‌می‌آورد . رهبران صهیونیست اسرائیل ، که عمردرازی‌برای رژیم سادات نمی بینند ، ازهرگونه امکان‌وفرصتی برای‌توسعهٔ نفوذ اقتصادی خود در مصر بهره‌برداری‌می کنندوبجای‌اشغال‌نظامی مصر ، این‌کشور رادراشغال‌اقتصادی‌خوددرآورده‌اند .

اینک‌اکثریت‌مردم مصر از سیاست‌های دولت ، بویژه ازسیاست به‌اصطلاح "عادی کردن "مناسبات‌مصر بااسرائیل ، پشتیبانی نمی‌کنند . صحت‌این امردرهنگام دیدار رئیس جمهور اسرائیل ، تیزاک‌ناووان ، ازمصر ، در آبانماه سال ۵۹ (ماه‌نوامبر ۸۰) بروشنی‌نمایان گردید . بیشتر برنامهٔ دیدارهای‌تعیین‌شده ، بخاطر تظاهرات توفنده‌واعتراض‌آمیز مردم‌لغو شد . زمانیکه سادات تعهد داشت‌تاسیسات پولادوآهن‌حلوان رابه‌مهمان‌خودنشان دهد کارگران تهدید به اعتصاب‌کردندوسادات ناگزیرشداین‌دیدار راحذف‌کند . دیدارازتئاتر قاهره نیزبخاطرسرپیچی‌هنرمندان از اجرای برنامه در حضور ناوون انجام‌نگرفت . حتی اعضاء حزب حاکم ، حزب‌دمکراتیک ملی ، نیز تهدیدکردندکه‌اگررئیس جمهوراسرائیل بر پایهٔ برنامهٔ تعیین‌شده درپارلمان‌مصر حضور یابد ، آنهاپارلمان راترک‌خواهندگفت .

ناخشنودی ومبارزهٔ سازمان‌یافته علیه رژیم سادات درارتش ، این‌یگانه‌وآخرین‌سنگر رژیم‌پوشالی وابسته نیز ، بطورفزاینده‌ای راه می‌یابد . برپایهٔ اطلاعاتی‌که‌درمطبوعات‌عربی منعکس می‌شود ، یک سازمان زیرزمینی به نام "جنبش افسران آزاد" ، همنام با سازمانی که انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ رابه‌انجام‌رسانید ، تشکیل‌شده‌است . برنامه "سازمان‌افسران‌آزاد" دربردارندهٔ نکات‌زیرین‌است :

لغوموافقت‌نامهٔ "کمپ‌دیوید" ، فراهم ساختن‌زمینهٔ فعالیت گستردهٔ سیاسی‌برای‌همه جنبش‌ها واحزاب‌مترقی ، ازجمله‌ناصری‌ها و مارکسیست‌ها ، برقراری دگربارهٔ مناسبات‌میان مصروکشورهای عربی ، بویژه کشورهای‌عضو جبههٔ پایداری‌عرب ، وگسستن از استراتژی ایالات‌متحدهٔ‌آمریکا .

هرچندسادات‌باپشتیبانی بیدریغ‌امپر ـ یالیسم آمریکا ، باقبضهٔ پست‌های‌حساس و کلیدی شامل‌ریاست‌جمهوری ، ریاست دولت ، رهبری حزب حاکم ، فرماندهی‌کل‌نیروهای مسلح ، ریاست شورایعالی قضائی‌وریاست‌پلیس رژیم دیکتاتوری فردی‌خویش را مستقرساخته است ، بایددرنظرداشت که‌هیچ قدرتی ، هر چندخودکامه‌وخونریز وآزادی‌کش ، یارای‌رویا ـ رویی بانیروی‌پرتوان‌وشکست ناپذیرتوده های مردم راندارد . رویدادهای اخیرمصر ، که‌نشانه تزلزل‌پایه‌های این‌دیکتاتوری‌است ، فروریختن تمام بنای‌آنرانویدمی دهد .

تفسیر وقایع مهم جهان

گسترش موج اعتراض علیه سلاح نوترونی

درهفته‌ای که‌گذشت تظاهرات اعتراض‌آمیز علیه‌تصمیم دولت‌ریگان مبنی برتولیدسلاح نوترونی و استقرار این سلاح در کشور های اروپای غربی دامنهٔ گسترده‌تری به خود گرفت.

دربرلن‌غربی ۷۰هزارنفردرتظاهرات‌علیه سیاست مسابقه‌تسلیحاتی‌واشنگتن‌شرکت‌کردند. این‌تظاهرات درارتباط بامسافرت ژنرال هیگ، وزیرامورخارجهٔ آمریکا، به‌آلمان غربی انجام گرفت. تظاهرکنندگان، ضمن اعتراض به تصمیم ریگان رئیس جمهورآمریکادربارهٔ تولید سلاح نوترونی‌واستقرارآن دراروپای غربی، در پاسخ به این‌اظهارات هیگ، که گفته‌است: "چیز‌های مهمتر از صلح هم وجود دارد"، شعار می‌دادند:

"آقای‌هیگ! هیچ چیزمهمترازتامین صلح وجودندارد؟"

تظاهرکنندگان خواستارخودداری‌ازتولید سلاح‌نوترونی‌ونیزانجام اقدامات عملی برای خلع سلاح شدند.

اما ازبیانات هیگ درآلمان غربی چنین برمی‌آیدکه‌دولت آمریکا به رغم خواست افکار عمومی، محافل‌اجتماعی‌وهمهٔ خلقهای‌جهان که تصمیم دولت آمریکا راگامی خطرناک‌در راه‌بر‌افروختن آتش جنگ هسته‌ای‌ارزیابی می‌کنند، همچنان قصد داردمسابقهٔ تسلیحات هسته ای را تشدیدکندوبه تدارکات جنگی‌خود ادامه دهد. وزیر امور خارجهٔ آمریکا طی‌مصاحبهٔ مطبوعاتی اظهارداشت که‌آمریکا برنامه‌استقرار سلاح‌نوترونی دراروپای غربی رارهبری‌خواهد کرد.

تصمیم‌خودسرانه‌ریگان درموردتولیدسلاح نوترونی‌واستقرارآن دراروپای غربی‌حتی‌موجب اعتراض برخی‌محافل دولتی‌درکشورهای‌اروپای غربی‌شده‌است. هلموت‌اشمیت، صدر اعظم آلمان فدرال، ونخست وزیرایتالیا نارضائی خودراازاین‌تصمیم دولت‌آمریکا، که‌بدون‌مشورت بامتفقین "ناتو"ئی آن اتخاذ شده‌است، ابراز داشتند.

درسویس‌جمع‌آوری‌امضاء زیر پیام صلح، که فراخوانی‌است برای لغوتصمیم رئیس‌جمهور آمریکا درموردتولیدسلاح‌نوترونی، آغازگردیده است. دراین‌پیام نقشهٔ‌استقرار موشک‌های نوترونی درخاک‌اروپای غربی، بعنوان‌خطرناک‌ترین اقدام علیه‌صلح‌وامنیت جهانی‌ارزیابی شده‌است. هزاران‌نفر از اهالی سویس، ازجمله نمایندگان پارلمان، رهبران سندیکاها و شخصیت‌های مذهبی زیر این پیام را امضاء کرده‌اند. درایالت تگزاس آمریکادوازده‌اسقف کلیسای‌کاتولیک بیانیه‌ای‌صادرکرده‌اندکه‌درآن علیه تصمیم دولت آمریکامبنی برتولید سلاح نوترونی‌واستقرارآن دراروپای غربی اعتراض شده‌است. دراین بیانیه ازدولت‌آمریکاخواسته شده‌است که تصمیم خودرا درموردتولید سلاح نوترونی لغو نماید. وکوششهای عملی در راه عقدقراردادمحدودکردن تسلیحات هسته‌ای‌به کاربندد. دراین پیام ازسلاح نوترونی‌بعنوان مخوف‌ترین سلاح‌کشتارجمعی یادشده‌است.

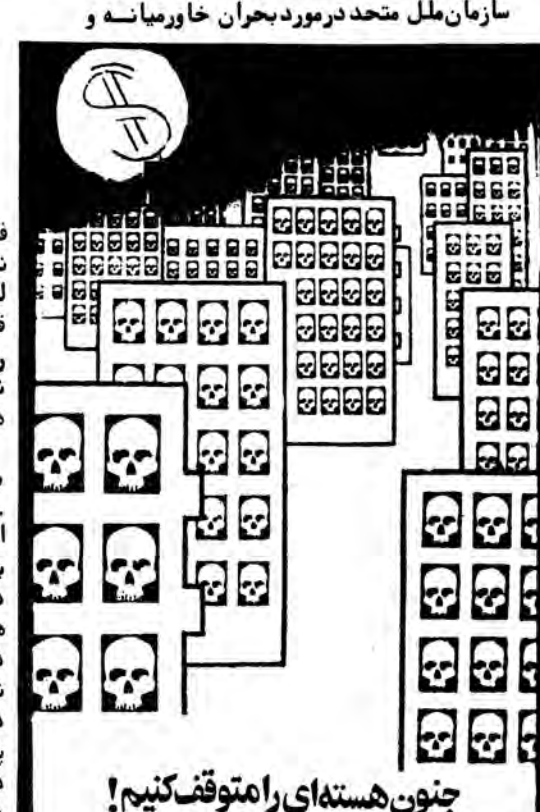
تشدید توطئه‌ها و تدارکات جنگی آمریکا در منطقه

درجریان‌دیدارچندی‌پیش مناخیم بگین رئیس دولت صهیونیستی اسرائیل، یک پیمان استراتژیکی میان دولت آمریکاواسرائیل‌منعقد گردید. هدف این پیمان قبل‌ازهرچیزآن است که‌اسرائیل، باکمک‌های گستردهٔ نظامی آمریکا، درمنطقهٔ خاورنزدیک ومیانه‌به بزرگترین‌قدرت نظامی تبدیل‌شودونقش نیروی ضربتی‌آمریکا را علیه کشورهای مستقل ملی‌وجنبش‌های‌رهائی بخش ملی درمنطقه‌ایفاء نماید.

روزنامهٔ الفجر، چاپ امارات متحد عربی، دراین‌باره نوشت که پیمان‌استراتژیکی جدیدمیان آمریکاواسرائیل، این‌منطقه را به کانون بحرانهای‌شدیدمبدل‌می‌کندواین‌بحران‌ها صلح سراسرمنطقه وجهان را به خطر میاندازد. این روزنامه می‌افزایدکه پیمان استراتژیکی آمریکاواسرائیل هدفش گسترش عملیات‌تجاوزگرانه اسرائیل علیه کشورهای مستقل ملی‌منطقه وبرقراری‌کنترل‌نظامی برمنابع نفتی‌کشورهای این‌منطقه‌است.

روزنامه‌القبس، چاپ عربستان سعودی، نیزپیمان‌استراتژیکی‌آمریکاواسرائیل‌رابه‌عنوان یک‌نقشهٔ تجاوزکارانهٔ مشترک آمریکا و اسرائیل علیه خلقهای‌این‌منطقه‌ارزیابی میکند. گسترش دامنهٔ تجاوزات اسرائیل به خاک لبنان و زیر آتش گرفتن مداوم مواضع رزمندگان‌فلسطین درخاک این‌کشور، نخستین‌بازتاب این پیمان در سیاست تجاوزکارانه‌وتوسعه‌طلبانه اسرائیل است.

انعقادپیمان استراتژیکی دولت‌آمریکا با اسرائیل درعین حال‌مویداین واقعیت است‌که دولت ریگان کلیهٔ تعهدات خود را دربارهٔ برقراری صلح‌دراین منطقه و پایان‌بخشیدن‌به بحران خاورمیانه پایمال‌کرده ومخالفت آشکار خودرانسبت به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان‌ملل متحد درموردبحران خاورمیانه و



شناسائی حق‌حاکمیت‌خلق‌عرب‌فلسطین اعلام داشته‌است.

امپریالیسم‌آمریکا درتوطئه‌های‌براندازی ونقشه‌تجاوزکارانه‌خودعلیه‌انقلابها‌ورژیم های مستقل‌ملی‌این منطقه، به‌موازات‌تدارکات جنگی گسترده مستقیم‌خود، یعنی‌تمرکزنیروهای‌بزرگ دریائی‌وهوائی درمنطقهٔ خلیج‌فارس واقیانوس هندواستقرارواحدهائی‌ازنیروهای "واکنش سریع" درپایگاه‌های‌نظامی در این‌منطقه همچنان کمک‌های‌نظامی وتسلیحاتی‌به رژیم‌های ضدخلقی ووابسته به خود‌دراین‌منطقه راتوسعه‌می‌دهد. فروش هواپیماهای آواکس به عربستان‌سعودی، کمک‌نظامی‌معادل۳ میلیاردو ۲۰۰میلیون دلار به رژیم ضیاء‌الحق در پاکستان، کمکهای‌نظامی به‌رژیم‌خیانت پیشه سادات و به‌رژیم سلطان‌قابوس‌درعمان‌و تبدیل سرزمین‌این‌کشوربه‌پایگاه‌نظامی، کمکهای‌نظامی وتسلیحاتی به سومالی، کنیاواستفاده‌از بنادر این‌کشورها‌بعنوان پایگاه نظامی ــ همه و همه نموداری ازتحقق یک برنامهٔ نظامی استراتژیکی‌امپریالیسم‌آمریکادراین‌منطقه‌است.

امپریالیسم‌آمریکا بااجرای‌این برنامه تلاش داردکه‌انقلابها‌ورژیمهای‌مستقل‌ملی در این‌منطقه راسرکوب‌ونابودکندوبدینسان‌مواضع سیاسی‌ونظامی‌واقتصادی ازدست رفته خود را بازستاندوکنترل‌نظامی‌خود را برکشورهای این منطقه برقرارسازد.

ازسوی دیگر رژیم‌های ضدخلقی ووابسته به‌امپریالیسم‌آمریکا، بدستورارباب‌خود، دامنه توطئه‌هاوتحریکات نظامی‌خودعلیه‌جمهوری اسلامی ایران وکشورهای عضوجبههٔ پایداری‌را گسترش می‌دهند. بنابه‌گزارش روزنامه‌المدینه، چاپ عربستان‌سعودی، درهفته‌آینده‌کنفرانس روسای ستادمشترک ارتش های کشورهای عضو "شورای‌همکاری‌های‌خلیج‌فارس" در ریاض، پایتخت عربستان‌سعودی، تشکیل‌خواهدشد. "شورای‌همکاری‌های خلیج فارس" که از عربستان سعودی، عمان، بحرین، کویت، قطر وامارات متحده‌عربی تشکیل یافته دارای‌یک دبیرخانهٔ دائمی در ریاض است. این‌شورا در واقع یک‌بلوک سیاسی‌ونظامی‌است که طبق‌نقشه امپریالیسم آمریکادراین‌منطقه تشکیل‌شده‌است

طبق‌گزارش‌خبرگزاری‌فرانسه، وزیرخارجهٔ دولت عمان اعلام‌کرده‌است که‌کشورهای عضو "شورای‌همکاری‌های‌خلیج‌فارس" طرح سلطان قابوس، شاه عمان، رادرمورد "امنیت منطقه" پذیرفته‌اند. بااینکه ازجزئیات این طرح هنوز اطلاعاتی منتشرنشده‌است، اماباتوجه‌به‌ماهیت رژیم‌عمان‌وخصلت "شورا" وکشورهای عضو آن مسلم‌است‌که‌طرح‌دربارهٔ "امنیت‌منطقه"، طرحی است توطئه‌گرانه‌وتجاوزکارانه علیه جمهوری اسلامی‌ایران، جمهوری‌دمکراتیک‌افغانستان و کشورهای "عضوجبههٔ پایداری".

انسجام و گسترش جبههٔ ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه

بدنبال تجاوزجنگنده‌های آمریکا به‌مرز فضائی لیبی، که درجریان مانورتحریک آمیز نیروهای‌دریائی‌آمریکا درمجاورت‌آبهای‌ساحلی لیبی‌انجام‌گرفت، دولت‌لیبی، ضمن اعتراض قاطعانه به‌این عمل تجاوزکارانه، آمادگی خود را برای دفع هرگونه‌اقدام تحریک‌آمیزو تجاوز نظامی آمریکا علیه جمهوری‌لیبی‌ودیگرکشور‌های عضو "جبههٔ پایداری" اعلام‌نمود.

ازجانب کشورهای‌عضو "جبههٔ پایداری" بمنظورانسجام وگسترش‌هرچه بیشترجبهه ضد‌امپریالیستی وضدصهیونیستی درمنطقه، اقدامات وتدابیر مشخص به‌عمل‌آمده است. بنابه‌گزارش‌مطبوعات، یک هیئت عالیرتبهٔ دولت سوریه برای انجام‌مذاکرات در زمینهٔ همکاری‌هاوکمک‌متقابل به‌مسکو مسافرت کرد. دولت سوریه‌اعلام کردکه‌مسئله عقد پیمان نظامی دوجانبه بااتحادشوروی را بررسی می‌کند دربن‌غازی کنفرانس‌کشورهای عضو "جبههٔ پایداری" ــ لیبی، سوریه، الجزایر، جمهوری دمکراتیک‌خلق‌یمن‌وجنبش‌آزادی‌بخش‌فلسطین درسطح‌وزیران‌امورخارجه، بمنظوربررسی‌اوضاع منطقه تشکیل‌جلسه‌داد. درآستانه‌تشکیل این جلسه ازسوی‌عبدالعاطی‌العبیدی، دبیرکمیته بررسی دفترمردمی روابط خارجی لیبی، از وزیرامورخارجه جمهوری‌اسلامی‌ایران‌دعوت‌شد که، بعنوان ناظر، درکنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای‌عضو "جبههٔ پایداری" شرکت نماید. این دعوت ازجانب دولت جمهوری اسلامی‌ایران پذیرفته‌شد وآقای میر حسین موسوی، وزیرامورخارجه‌جمهوری‌اسلامی‌ایران، در راس هیئتی برای شرکت دراین کنفرانس عازم لیبی‌شد.

آقای‌میرحسین‌موسوی وزیرامورخارجهٔ جمهوری‌اسلامی‌ایران، هنگام‌عزیمت به‌لیبی اعلام‌داشت که‌کشورهای عضو "جبههٔ پایداری" همواره ازانقلاب وجمهوری اسلامی ایران پشتیبانی‌کرده‌اندوآماده‌هرگونه کمک‌وهمکاری‌با جمهوری‌اسلامی‌ایران هستند. جمهوری‌اسلامی ایران نیز ازجانب خودخواهان بسط و گسترش روابط باکشورهای عضو "جبههٔ پایداری" است‌و شرکت هیئت نمایندگی ایران دراین کنفرانس به تعمیق وگسترش این‌روابط، که‌هدفش‌انسجام جبههٔ مبارزه علیه‌امپریالیسم وصهیونیسم در منطقه است، مساعدت خواهدکرد.

رژیم سادات در برابر خشم و اعتراض توفندهٔ خلق مصر

تظاهرات گسترده‌اعتراض آمیز توده های خلق‌مصرعلیه رژیم خیانت‌پیشه‌سادات‌همچنان ادامه دارد، پیگردهای گسترده وترفندهای تبلیغاتی‌این‌رژیم‌خائن درمهارکردن خشم‌و نفرت توده‌های وسیع مردم تاثیری‌نبخشیده است. به‌دنبال سرکوب تظاهرات خیابانی‌و بازداشت هزاران‌نفر ازتظاهرکنندگان، ازجمله روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، روحانیون مبارز، دانشجویان و نمایندگان سازمان های دمکراتیک، امواج تظاهرات اعتراض‌آمیز علیه رژیم سادات همچنان درحال اعتلااست.

رژیم‌سادات ودستگاه تبلیغاتی‌آن، که‌در آغازکوشش کردند، این‌انفجارخشم‌ونفرت‌توده‌های‌مردم رابه‌عنوان "اختلافات مذهبی" جلوه‌دهند، امروزبااین‌واقعیت روبروهستندکه ریشهٔ‌اصلی این‌انفجار، ازعدم رضایت‌توده‌های وسیع‌خلق ونیروهای ترقیخواه‌و دمکراتیک

کشورنسبت‌به‌مجموع سیاست داخلی‌و خارجی رژیم‌خیانت‌پیشه‌ای‌سرچشمه‌می‌گیردکه، اقتصاد

کشوررابه‌افلاس کشانده وکشور رابه‌پایگاه‌نظامی امپریالیسم‌آمریکاتبدیل‌کرده‌است. مردم مصربه این‌واقعیت‌پی‌برده‌اندکه‌رژیم سادات باخیانت به‌منافع‌ملی‌خلق‌مصروهمه خلقهای عرب، به دستیارامپریالیسم آمریکاورژیم صهیونیستی اسرائیل تبدیل‌شده ونقش ژاندارم امپریالیسم آمریکا رادرمنطقه برعهده گرفته‌است.

رژیم‌سادات درتلاشهای‌خودبرای‌مقابله باتظاهرات گسترده توده‌های مردم و نیروهای ترقیخواه مذبوحانه می‌کوشد محرک این تظاهرات را "عوامل‌خارجی" معرفی‌کند. دولت مصربه سفیراتحادشوروی وهیئت سیاسی آن کشور اعلام‌کرد که خاک مصر راترک کنند. به دنبال این‌اقدام، دستگاه تبلیغاتی‌رژیم‌سعی داردکه این‌تظاهرات وناآرامی‌ها‌درمصر را به تحریک ازسوی منابع دیپلماتیک-شوروی نسبت دهد.

اما این گونه تلاشهای مذبوحانهٔ امپریالیسم آمریکاورژیمهای دست نشاندهٔ‌آن صدهابار به رسوائی انجامیده‌است.

درآستانهٔ پیروزی‌انقلاب شکوهمندمردم میهن‌مانیزمهره‌های‌آمریکائی، که در واپسین لحظات عمررژیم جنایتکار ومنفورشاه‌ملعون به صحنهٔ سیاسی می‌آمدند، تلاش می‌کردند که جنبش‌سیل‌آسای انقلابی‌مردم‌ایران‌را "تحریک مسکو" وتوطئه کمونیستها" وانمودسازند. امروز هم‌که‌رژیم‌خیانت پیشهٔ سادات خودرا دربرابر موج عظیم اعتراض توده‌های خلق ناتوان‌می‌بیند، شیوه‌های‌کهنهٔ "دوست‌وهمکارخود" شاه ملعون رابکارمی‌گیرد، تاشایدازاین‌طریق روزنهٔ نجاتی‌برای خوددست‌وپاکند. تلاشی‌که البته سرانجامی‌جز رسوائی‌وشکست‌ندارد.

پیگردهای خشونت‌آمیزرژیم‌سادات علیه نیروهای‌میهن‌دوست مصر بااعتراض محافل اجتماعی جهانی روبرو می‌شود. برابر گزارش خبرگزاری فرانسه از پاریس، کمیتهٔ دفاع‌از آزادیهاوحقوق‌بشر "درفرانسه، که ریاست آن را ژرژ مارشه، دبیرکل کمیته‌مرکزی‌حزب کمونیست فرانسه، عهده داراست، ازنقض حقوق‌بشر در مصر به شدت اظهارنگرانی وانزجارکرده است. این‌کمیته، طی‌بیانیه‌ای که درمورد رویداد های مصرانتشارداده، به‌اقدامات اخیررژیم سادات علیه آزادی‌افکار ونقض حقوق بشر در مصر اعتراض جدی‌نموده ویادآورشده‌است که تمام نیروهای‌دمکراتیک فرانسه به‌اقدامات رژیم سادات اعتراض دارند. کمیتهٔ دفاع از حقوق بشر ازدولت‌مصر خواسته‌است که به‌اختناق و فشار درمصر پایان داده‌شودوازپیگردوبازداشت ناراضیان مذهبی‌وسیاسی‌خودداری‌گردد.



احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها و...

پیام مشترک سازمان جوانان توده ایران و سازمان دانش آموزان پیشگام ایران

به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۱ - ۱۳۶۰

سال تحصیلی جدید، "سال اتحاد" سال رزم مشترک ومتحد همهٔ دانش آموزان علیه آمریکای جنایتکار وتفاله‌های آن خواهد بود!

دانش آموزان انقلابی!
معلمین وفرهنگیان گرامی!
مسئولین محترم آموزش وپرورش!
اولیاءِ ارجمند دانش آموزان!

درآستانه سال تحصیلی جدید، گرم‌ترین درودهای سازمان دانش‌آموزان پیشگام وسازمان جوانان توده ایران، سازمان‌های جوانان انقلابی ومیهن دوست ایران را، که در راه دفاع ازانقلاب ودستاوردهای آن وتحکیم شکوفائی جمهوری اسلامی ایران می‌رزمند، بپذیرید.

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می‌شود که انقلاب شکوهمند مردم ایران دریکی از حساس‌ترین مراحل رشد وتکامل خود قرار دارد. امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی "شیطان بزرگ "آمریکای جنایتکار، وتفاله‌های رنگارنگش تمامی توش وتوان خویش را به کارگرفته‌اند تا با سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، میهن عزیز ما را دگرباره به‌زیرسیطرهٔ جهنمی واهریمنی خویش کشند. آنان در این راه ازهیچ جنایتی فروگذار نکرده ونمی‌کنند. تجربه دوسال و نیم استقرار جمهوری اسلامی ایران شاهدانواع ترفندها و دسیسه‌های آمریکای جنایتکار و ضد انقلاب پرورده‌اش علیه انقلاب وجمهوری اسلامی ایران است:

ایجاد اغتشاش در نواحی گوناگون کشور، محاصرهٔ اقتصادی، تهدیدحملهٔ نظامی، توطئه کودتا، تجاوزمستقیم نظامی، تحریک رژیم صدام به‌جنگ علیه ایران انقلابی، ترفند به شکست کشانیدن انقلاب ایران از درون توسط لیبرال‌ها وبنی‌صدر وبالاخره توطئهٔ کثیف وجنایت‌کارانهٔ ترور رهبران جمهوری اسلامی ایران، که متاسفانه تاکنون منجر به‌شهادت تعدادی از شخصیت‌های مملکتی، ازجمله رئیس جمهور آقای محمدعلی رجائی ونخست‌وزیر آقای دکتر باهنر، که هردو مدت‌ها مسئولیت خطیر اداره آموزش وپرورش کشور رابه‌عهده داشتند، گردیده است.

مدارس درمجموعه ترفندهای آمریکای جنایتکار علیه انقلاب ضداستبدادی، ضد‌ـ امپریالیستی، ومردمی ایران جای ویژه‌ای دارند. ایجاداغتشاش در مدارس، به‌مثابه حلقه‌ای از توطئه‌های براندازی، موردتوجه جدی سرویس‌های جاسوسی وخرابکاری امپریالیستی بوده وهست.

دراسناد لانه‌جاسوسی آمریکا این سناریو چنین ترسیم شده‌است: "نفاق درمدارس بین محصلین وبین کادرمدارس ویاهردو که منجربه‌بسته شدن مدارس یامحیط خشونت‌های افراطی که باعث نارضایتی عمومی وهمچنین به‌شیوه قبل‌ازانقلاب چهلم‌هایی بعدازچهلم گرفته‌شود. شیوه‌ای که نقش بزرگی درسقوط شاه داشت."

تجربه ۲ سال تحصیلی پس‌ازانقلاب نشان می‌دهدکه متاسفانه دشمنان انقلاب، با بهره‌گیری از نارسائی‌ها وکاستی‌ها، بی‌برنامگی مسئولین وبرخی تنگ‌نظری‌ها وانحصار طلبی‌ـ ها وبه‌دام‌انداختن گروهی از جوانان ودانش‌ـ آموزان ناآگاه وبی‌تجربه، کم‌وبیش توانسته‌اند دراجرای این سناریوی شوم، مدارس رابه‌اغتشاش کشند. این تجربه، مسئولین‌امر، فرهنگیان و دانش‌آموزان رافرامی‌خواندکه‌هرچه‌هشیارتر وبا برنامه‌تر سال تحصیلی جدید راآغاز کنند و بکوشندتادرپرتواتحادوهمبستگی‌همه نیروهای مومن به‌انقلاب ومتعهد به‌جمهوری اسلامی ایران، سال تحصیلی جدید را به‌سال شکست توطئه‌های امپریالیسم آمریکاو "تفاله"های‌آن، سال آرامش وسازندگی درمدارس وسال تثبیت، تحکیم وگسترش همه‌جانبه‌دستاوردهای انقلاب شکوهمندمردم‌ایران بدل سازند.

دانش آموزان عزیز وانقلابی!

شماکه‌بادلاوری‌هاوازجان‌گذشتگی‌های‌خود در پیروزی انقلاب شکوهمندبهمن سهم به سزایی داشتیدوهمراه‌توده‌های‌خلق پرچم‌انقلاب را بادست‌های نوجوان‌خویش افراشته‌نگه‌داشتید، شما که درسالهای پرفراز ونشیب پس ازانقلاب دردفاع از میهن عزیز خود حماسه‌هاآفریدید وبااستواری در مقابل ترفندهای دشمنان داخلی‌وخارجی ایستادید، شماکه درجبهه‌های جنگ میهنی علیه تجاوزآمریکایی‌ـ صدامی در صفوف نخستین نبردقرارداریدو از درون‌خود حماسه‌سازانی‌چون حسین‌فهمیده‌را به انقلاب تقدیم داشتید، درسال تحصیلی جدید با هشیاری‌واتحاد، توطئه‌های امپریالیسم، به سرکردگی‌آمریکای‌جنایتکار را عقیم گذارید. عناصرناآگاه وبی‌تجربه‌ای راکه‌تحت‌تاثیرضد‌ـ انقلاب راست وچپ‌نمای پروردهٔ آمریکا قرار گرفته‌اند، باواقعیات انقلاب آشناکنید. بابر‌ـ خوردمتین، اصولی‌وسازنده‌وپرشکیب خویش، ماهیت‌عملکردهای گروهک‌های ضد انقلابی و چپ‌رو رابرای آنان شرح‌دهید وبکوشید تا جو تفاهم وهمبستگی را درهمهٔ مدارس بگسترانید. درقبال توطئه‌های تفرقه‌افکنان‌هشیارباشید. دربرابرتنگ‌نظری‌های‌وانحصارطلبی‌ها برخورد اصولی پیشه‌کنیدوبکوشیدتامضار چنین‌شیوه‌هایی رابرای حال وآینده‌جمهوری‌جوان‌اسلامی ایران به‌عناصرناآگاه، انحصارطلب وتنگ نظر توضیح دهید.

* آغاز سال‌تحصیلی جدیدبا "هفته‌جنگ" مصادف‌است. این‌تصادف، مارابه‌توجه‌جدی به امردفاع‌ازانقلاب درقبال تجاوزات آمریکای جنایتکار ومزدوران صدامی آن‌فرامی‌خواندهر چه‌فعالتر درصفوف ارتش ۲۰میلیونی شرکت کنید. آموزش نظامی رافراگیرید وخود را ازهر باره برای‌پرتوان‌ترکردن‌جبهه‌های جنگ میهنی آماده‌سازید.

* شمادر ساختمان‌ایرانی مستقل، آزاد وآباد وظیفه‌بزرگی برعهده‌دارید. با فراگیری هرچه‌گسترده‌تر وعمیق‌ترعلوم وفنون امروزین مغزهاودستهای خویش‌رابرای‌پذیرش‌این‌وظیفهٔ عظیم وانجام شایستهٔ آن آماده سازید. تنها به‌کتب درسی‌اکتفانکنید وبامطالعهٔ همه‌جانبه آگاهی‌اجتماعی، فرهنگی‌وعلمی‌خویش‌راتوسعه دهید وبه‌آمریکای‌جنایتکارنشان‌دهید که‌هیچ خرابکاری وترفندی قادر نیست نسل جوان ایران راازتلاش‌برای‌آموختن‌وسازندگی بازدارد!

* باکارروشنگرانه وتوضیحی، مسئولین و همه‌فرهنگیان رابه‌اهمیت تشکیل شوراهای مدارس آشناکنید. درمدارسی که شرایط‌آماده است، درتشکیل شوراها فعالانه شرکت‌جوئیدو از این طریق نقش شایستهٔ خویش را دراداره‌ٔ امور مدارس ایفاء کنید!

* باتشکیل‌تعاونیهای‌مدارس به‌رفع‌کاستی‌ها وکمبودهای‌ناشی‌ازجنگ‌تحمیلی درمدارس‌همت گمارید. وسایل درسی‌ازقبیل نوشت‌افزار، کتب درسی، ودرمدارس دخترانه لباس مدرسه، و... را از طریق‌تعاونی‌ها در دسترس همه‌دانش‌آموزان‌قراردهید!

* فعالانه درفعالیت‌های فوق برنامه، کتابخانه‌های مدارس، فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی و... شرکت‌جوئید وبکوشید از هم اکنون خود و دیگران راجوانانی از نظر اجتماعی آگاه، فعال، مردم‌دوست ودلسوز به انقلاب بارآورید!

* باخانواده وپدران ومادران خویش مناسبات دوستانه ومبتنی برصمیمیت واحترام متقابل‌برقرارکنید. آنان‌رابه‌شرکت‌درانجمن‌های اولیاء ومربیان ترغیب کنید!

* اتحاد وهمبستگی ضامن پیروزی در راه دشواری است که درآن گام نهاده‌اید.

نسل انقلاب درس اتحاد وهمبستگی را در تظاهرات خیابانی، درسنگرهای‌نبردمسلحانه ۲۱و۲۲بهمن ۱۳۵۷ودرسنگرهای‌جنگ میهنی علیه‌تجاوزآمریکایی‌ـ صدامی‌آموخته‌است‌وباید آن‌رادرمحیط مدرسه نیز باشایستگی تحکیم کند.

سازمان‌جوانان‌تودهٔ ایران و سازمان دانش‌آموزان پیشگام‌ایران ازهمه‌دانش‌آموزان آگاه وانقلابی، ازسازمان‌های‌دانش‌آموزی‌مؤمن به‌انقلاب، ازانجمن‌های‌اسلامی دانش آموزان، از دانش آموزان هوادارجنبش‌مسلمانان‌مبارز وازکانون‌دانش‌آموزان‌ایران دعوت‌می‌کند که‌در سال‌تحصیلی جدید، هرچه‌فعال‌تردرراه‌تحکیم این‌اتحادبکوشند، ازگروه‌گرایی وتنگ‌نظری‌بر‌ـ حذرباشند وسنگ‌پایه‌های "اتحادیهٔ سراسری دانش‌آموزان "رابنیادنهند.

تشکیل "اتحادیه‌سراسری دانش‌آموزان" بی‌شک نقطه‌عطفی درتاریخ‌جنبش دانش‌ـ آموزی ایران خواهدبود وآن‌را از پراکندگی سازمانی، که‌نقطه‌ضعف بزرگ‌آن‌است، خواهد رهانید. تشکیل "اتحادیه‌سراسری‌دانش‌آموزان" ضامن‌شرکت فعال‌تر، یکپارچه‌ومنسجم‌توده‌های دانش‌آموزدر حیات‌اجتماعی وسیاسی ایران انقلابی خواهدبود.

مسئولین محترم آموزش وپرورش!

سال تحصیلی‌جدید درشرایطی‌آغازمی‌ـ شودکه‌تجربه‌گرانقدر۲سال تحصیلی پس از انقلاب‌در برابر شماقراردارد. این تجربه‌می‌ـ

بقیه‌درصفحه۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

به مناسبت سالگرد جنگ تجاوزکارانهٔ آمریکایی ـ صدامی علیه جمهوری اسلامی ایران

برای پیروزی نهائی در جنگ عادلانه برضد تجاوز آمریکایی ـ صدامی متحد شویم!

ازجنگ تجاوزکارانه‌ای که به تحریک امپریالیسم‌آمریکا وبه دست رژیم‌صدام به‌میهن انقلابی ماتحمیل شد، وهدفش آماده کردن زمینه‌برای سرکوب انقلاب وسرنگونی جمهوری اسلامی‌ایران بود‌ـ وهست‌ـ یک سال می‌گذرد.

تدارک این‌جنگ تجاوزکارانه‌وتحمیلی، مدت‌هاقبل از بروز جنگ، به‌وسیلهٔ بخشی از نیروهای‌انقلابی‌ایران، ازجمله‌حزب‌تودهٔ ایران فاش‌شده‌بود. حزب‌توده‌ایران، ضمن‌افشاتدارک جنگ‌تجاوزکارانه‌آمریکائی‌ـ صدامی علیه جمهوری اسلامی‌ایران، مصرانه‌خواستارآن‌شده بود که‌برای مقابله با این توطئهٔ ضدانقلاب و جمهوری اسلامی ایران، همهٔ نیروهای مادی و انسانی میهن ماتجهیز شود، از تمام دوستان انقلاب ایران درصحنهٔ جهانی کمک گرفته‌شود. همهٔ خلق‌هاوتمام‌نیروهای‌انقلابی ایران متحد شوند، تادفاع از ازانقلاب وجمهوری اسلامی ایران ودفع تجاوزبه‌طورموثر ممکن گردد.

متاسفانه به‌این‌هشدارهاویادآوری‌ها‌ـ به طورعمده‌به‌علت‌کارشکنی‌ها و خرابکاری‌ها و سیاست انحرافی وسازش وتسلیم لیبرال‌ها و باند بنی‌صدر ـ توجه نشد ودشمن تجاوز کار توانست، با استفاده ازغافلگیری و عدم آمادگی ما، بخشی از خاک‌میهن‌ما را به تصرف درآورد وزیان‌های مادی و تلفات‌جانی‌سنگینی برماواردسازد.

با این همه، این‌توطئه‌آمریکائی‌ـ صدامی که‌می‌بایست، بااستفاده‌ازغافلگیری و عدم آمادگی‌ما، باپیروزی "برق‌آسا"ی‌لشکریان‌صدام زمینه‌رابرای سرکوب‌انقلاب وسرنگونی جمهوری اسلامی‌ایران توسط ضدانقلاب داخلی فراهم سازد، دراساس خود باشکست روبرو شد. امپریالیست‌های آمریکائی وهمدستان صدامی آن‌ها، مانندهمیشه، خلق میهن ما و نیروی شگرف انقلابی وخلاقهٔ آن‌را به‌حساب‌نیاورده بودند.

آری، خلق قهرمان‌ما، پاسداران‌سلحشور ماونیروهای مسلح دلیر ما، علی‌رغم کارشکنی‌ـ های بنی‌صدر ودستیارانش، نه‌فقط‌از انقلاب‌و جمهوری اسلامی ایران با ایثاری کم نظیر و موفقانه دفاع کردند، بلکه از نظر نظامی نیز دشمن متجاوز را متوقف ساختند وبه‌تدریج آن رازیرضربه‌گرفتند. زنان ومردان میهن‌دوست و آزادهٔ ما، ازپیر و جوان، حتی کودکان، در جبهه وپشت جبهه، بانثار خون و باکارخلاق، وظیفهٔ میهنی وانقلابی خود را انجام‌داده‌اند ومی‌دهند.

ولی جنگ‌تجاوزکارانه‌آمریکایی‌ـ صدامی علیه جمهوری اسلامی ایران، باآن که به هدف فوری خودنرسیده، امادرچارچوب توطئه‌عمومی امپریالیسم‌آمریکا ودستیارانش علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، همچنان‌جای بسیار مهمی دارد. این‌جنگ، همراه باسایر اشکال توطئه امپریالیسم آمریکا ودستیارانش علیه انقلاب وجمهوری اسلامی‌ایران، اینک وظیفهٔ فرسودن انقلاب‌وجمهوری اسلامی ایران را به عهده‌گرفته‌است.

امپریالیسم آمریکا، که‌اینک در تدارک هشتمین توطئهٔ خود برای سرکوب انقلاب و جمهوری اسلامی ایران‌است، می‌کوشد با ترور وبمب‌گذاری وایجادتشنج وآشوب، با خرابکاری درشئون مختلف اقتصاد کشور و تشدید فشار اقتصادی برایران، با ایجاد کانون‌های تازه شورش وتجاوز درمرزهای ایران‌ـ ترکیه و ایران ـ پاکستان، باتشدیدنفاق‌افکنی بین نیروهای انقلابی، به‌ویژه میان مسلمانان‌انقلابی‌وپیروان سوسیالیسم‌علمی، وسرانجام با ادامهٔ جنگ تجاوزکارانه فرسایشی‌توسط‌رژیم‌صدام‌ـ که همه حلقات زنجیر یک توطئه هستند وهمه به‌یکدیگر برای موفقیت در زمینهٔ معین کمک می‌کنند ـ جبههٔ انقلاب راتضعیف کند و زمینه را برای واردآوردن ضربهٔ نهائی بر انقلاب وجمهوری اسلامی‌ایران فراهم سازد.

ازهمینجاست که بایدبیش از پیش تمام نیروی مادی وانسانی‌میهن ماراتجهیز کرد، از تمام دوستان‌انقلاب ایران درصحنهٔ جهانی کمک گرفت وبرای عقیم ساختن توطئه امپریالیسم آمریکاودستیارانش بر ضدانقلاب و جمهوری اسلامی‌ایران ـ ازجمله برای دفع تجاوز آمریکائی صدامی ـ به‌کارانداخت و در اینجانیز اتحادهمهٔ نیروهای مردمی وانقلابی صرفنظر ازگرایش‌های مسلکی‌ومذهبی، مطمئن‌ـ ترین‌وثیقه برای مقابلهٔ موثر وپیروزمند با توطئهٔ امپریالیسم آمریکا ودستیارانش بر ضد انقلاب وجمهوری اسلامی ایران، از جمله‌تجاوز آمریکائی ـ صدامی است.

درسالگرد تجاوزآمریکائی ـ صدامی به خاک میهن‌انقلابی ما، درسالگرد جنگ‌عادلانه خلق‌انقلابی‌مابرضداین‌تجاوز، حزب‌توده‌ایران به‌پاسداران سلحشور ونیروهای مسلح ودلیر ما در جبهه، وبه همهٔ نیروهای مردمی در پشت جبهه، که‌درپیوند ناگسستنی با یکدیگر، برای دفاع از انقلاب وجمهوری اسلامی ایران‌ودفع تجاوز آمریکائی ـ صدامی جانبازی وفداکاری می‌کنند، درودپرشور می‌فرستد.

حزب‌تودهٔ ایران که‌گروهی از بهترین فرزندانش، دوشادوش پاسداران و ارتشیان، درجبهه جنگیده‌اند وبه‌شهادت رسیده‌اند، مانندگذشته، وظیفهٔ میهنی وانقلابی‌خود را در دفاع ازانقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دفع تجاوز آمریکائی ـ صدامی، تاپیروزی‌نهائی انجام‌می‌دهد.

حزب‌تودهٔ ایران‌تردیدندارد که تجهیز بیش‌ازپیش تمام نیروی مادی وانسانی‌میهن‌ما برپایهٔ اتحادهمهٔ نیروهای‌مردمی وانقلابی، صرفنظرازگرایش‌های‌مسلکی‌ومذهبی، واستفاده ازکمک دوستان انقلاب در صحنهٔ جهانی، خواهد توانست توطئهٔ امپریالیسم آمریکا و دستیارانش رابرضد انقلاب وجمهوری‌اسلامی ایران‌عقیم گذارد، دشمن متجاوز را سر جای خود بنشاند، استقلال وتمامیت ارضی ایران راحفظ کند وانقلاب بزرگ‌ضدامپریالیستی و مردمی ایران‌را، به‌رهبری امام‌خمینی، به پیروزی قطعی ونهائی برساند.

پیروزبادجنگ‌عادلانهٔ مردم‌ایران برضدتجاوز آمریکایی ـ صدامی!
برقرارباد جبههٔ متحد خلق!

کمیتهٔ مرکزی‌حزب‌تودهٔ ایران
۱۳۶۰/۶/۲۳

احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها و...

بقیه از صفحه ۶

آموزد که امپریالیسم، به‌سرکردگی آمریکای جنایتکار، و "تفاله"هایش تنها وتنها بر بستر کاستی‌ها ونارسایی‌ها، ندانم‌کاریها و بی‌برنامگی‌ها، تنگ‌نظریها وانحصارطلبیها قادرند ترفندها وتوطئه‌های خویش را سازمان دهند. این نقایص در ۲سال تحصیلی گذشته فراوان بودند و صدمات زیادی برپیکر نظام آموزشی جمهوری جوان اسلامی ایران وارد ساختند. خوشبختانه دربرنامهٔ دولت شهید باهنر (که توسط دولت آقای مهدوی کنی پی‌گرفته می شود) به این نقائص توجه‌شده وتلاش به‌عمل آمده‌است، تا برخی مسایل عمده درجهت ایجاد یک نظام آموزشی مبتنی براهداف انقلاب شکوهمند مردم ایران ــ هرچند به‌کلی‌ترین شکل ــ درآن گنجانیده شود. تعمیم آموزش وپرورش به سود فرزندان زحمتکشان، گسترش تربیت معلم، آمیختن آموزش با تولید، گسترش آموزش‌های حرفه‌ای، گسترش کتابخانه‌های مدارس از این زمره‌اند. ولی متاسفانه‌در این برنامه نکات مهمی چون رفع ستم فرهنگی و تامین حق تحصیل فرزندان اقلیت‌های ملی و خلق‌های ساکن سرزمین کثیرالمله ایران به زبان مادری، تامین حق شرکت دانش‌آموزان درسازمان‌های صنفی وسیاسی خویش (شورا، اتحادیه و...) تعمیم تربیت بدنی درمدارس، گسترش تسهیلات فرهنگی واوقات فراغت ازقلم افتاده‌است. ما امیدواریم که‌مسئولین محترم آموزش و پرورش با بهره‌گیری از تجربه ۲سال تحصیلی گذشته، درجهت اجرای نکات اساسی فوق گام‌های موثری بردارند و بدینسان مسئولیت خطیری را که انقلاب بردوش آنان نهاده‌است، به شایستگی انجام دهند. سازمان دانش‌آموزان پیشگام ایران و سازمان جوانان تودهٔ ایران به‌نوبه‌خود حاضرند درجهت انجام این دگرگونی بنیادین، تمام نیروی خویش را دراختیار مسئولین امر قرار دهند.

مسئله مهم دیگر درسال تحصیلی جدید، مسئله دانش‌آموزان هوادار جریان‌ها وگروهکهای ضدانقلابی، "چپ" نما وچپ‌رو است. عدم برخورد صحیح، سازنده واصولی بااین دانش‌آموزان می‌تواند گروهی ازنوجوانان را، که به‌دلیل بی‌تجربگی دردام ضدانقلاب افتاده‌اند، برای همیشه ازدامان انقلاب براند و بدینسان صدمات جبران‌ناپذیری به‌آنان ونیز به‌جمهوری اسلامی ایران وارد سازد. ازسوی دیگر، عدم برخورد سازنده واصولی می‌تواند خود مسئله‌ساز باشد و زمینه‌را برای تحریکات "تفاله"های آمریکا به منظور ایجاد تشنج ودرگیری فراهم سازد. متاسفانه دراین عرصه تاکنون اکثر شواهد دال بر برخوردی غیراصولی ازسوی برخی مسئولین امراست. درآستانهٔ سال‌تحصیلی شاهدآنیم که برخی مسئولین امر از ثبت‌نام این دانش‌آموزان امتناع می‌ورزند. آنان درحقیقت با نادیده‌گرفتن رسالت عظیم آموزشی وپرورشی خویش در قبال نوجوانان آنان را به‌کام ضدانقلاب می‌رانند. ما امیدواریم که‌مسئولین دلسوز ومتعهد آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بدین مسئله توجه‌جدی مبذول دارند وبافعالیت آموزشی، توضیحی وتربیتی، این گروه ازنوجوانان را به دامان انقلاب بازگردانند ونیروی خلاق آنان را درخدمت سازندگی جمهوری جوان، به کار گیرند.

مسئولین محترم آموزش وپرورش!

درسال تحصیلی جدید:

* بامجاز ومحترم شمردن حق فعالیت‌های سیاسی دانش‌آموزان درچارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بدور ازانحصار طلبی وتنگ‌نظری، انقلاب راتقویت‌کنید!

* حقوق‌صنفی دانش‌آموزان ــ حق‌تشکیل شوراهای‌مدارس حق‌تشکیل اتحادیه سراسری دانش‌آموزان، حق تشکیل تعاونی‌های مدارس، حق‌شرکت درفعالیت‌های فوق برنامه و...‌را به رسمیت بشناسید وشرکت فعال دانش‌آموزان را درحیات‌اجتماعی کشور وساختمان ایرانی نو فراهم‌آورید!

* دراجرای فرمان امام‌خمینی، رهبر انقلاب وبنیانگذارجمهوری اسلامی ایران، مبنی برتشکیل ارتش ۲۰میلیونی، بسیج وآموزش نظامی را هرچه‌گسترده‌تر به‌مدارس ببرید وتودهٔ چند میلیونی دانش‌آموزان را برای دفاع ازدستاوردهای انقلاب آماده‌کنید!

* درشرایطی که جنگ تحمیلی آمریکایی‌ــ صدامی میلیون‌ها هموطن‌مان رابی خانمان وآواره ساخته‌است، به‌وضع آموزشی فرزندان هموطنان جنگ‌زده‌مان توجه‌جدی‌ترمبذول دارید و مانع آن شوید که‌نابسامانی‌های ناشی ازجنگ بیش از این برآنان لطمه‌وارد سازد!

* هم‌اکنون بخش‌بزرگی ازنوجوانان زیر۱۶ سال، که‌ازخانواده‌های زحمتکش هستند، به جای تحصیل به‌کارتوانفرسا برای تامین معاش‌خود و خانواده اشتغال دارند. حق‌تحصیل رابرای این نوجوانان شریف وزحمتکش تامین کنید وبااقداماتی نظیر پرداخت کمک‌هزینه و... شرایطی رافراهم آورید که‌آنان بتوانند از این حق‌مشروع و طبیعی خویش، آنچنان که‌شایستهٔ انقلاب شکوهمند مردم ایران است، بهره‌مند شوند!

آموزگاران گرامی!

هم‌اکنون وظیفه‌ای دشوار و مسئولیتی خطیر بدوش شمااست: وظیفه تعلیم وتربیت بیش از ۱۰میلیون نوجوانی که‌به‌فراگیری علم وفن در مدارس کشور مشغولند ورسالت ساختمان ایرانی نو رابه‌عهده‌دارند.

* دانش‌آموزان راباروح ایمان به‌انقلاب، عشق به‌زحمتکشان ومحرومان، نفرت ازامپریالیسم به‌سرکردگی آمریکای جنایتکار، ستمگری و بی‌عدالتی اجتماعی. فداکاری وایثار، مردم‌دوستی وپیکارجویی تربیت‌کنید!

* با دانش‌آموزان مناسبات صمیمانه و مبتنی براحترام متقابل برقرارکنید و از هرگونه برخوردزورمدارانه اجتناب ورزید!

* نسل انقلاب کنجکاو کنکاشگر است. با مطالعهٔ گسترده توانایی پاسخگویی به‌پرسش‌های آنان رابه‌شیوه‌ای مقنع وعلمی در خود فراهم‌آورید. دانش‌آموزان را به‌مطالعهٔ وسیع‌تر ازچارچوب کتب‌درسی موجود ــ که متاسفانه دارای‌نقایص وکاستی‌های فراوان‌است ــ ترغیب کنید وافق دید اجتماعی، فرهنگی، و علمی آنان را گسترش دهید!

* بسهم خویش‌درتشکیل شوراهای‌مدارس کوشاباشید و اهمیت تشکل‌های صنفی را برای دانش‌آموزان وهمکارانتان توضیح‌دهید!

اولیاء گرامی! پدران ومادران ارجمند!

باشروع سال تحصیلی، مسئولیت شمادر قبال فرزندانتان دوچندان می شود. این‌وظیفه شما است‌که‌بانظارت‌وپیگیری درامرآموزش و پرورش فرزندانتان، بایاری آموزگاران، آنان‌را با شایستگی‌تمام پرورش دهید. اهمیت‌آموزش وپرورش‌درمنزل کمترازآموزش‌وپرورش‌درمدرسه نیست. هررفتار، گفتار وکردار شمامی‌تواند درآینده‌فرزندانتان تاثیرنهد.

* باشرکت درانجمن‌های‌اولیاء و مربیان وبایاری آموزگاران در امر آموزش و پرورش فرزندان خودشرکت‌جوئید!

* باایجادمناسبات صمیمانه‌و مبتنی بر احترام متقابل، اعتماد فرزندانتان رابه‌خود جلب کنید!

* به‌حقوق فرزندانتان، به‌عنوان انسان‌هایی مستقل ومتکی به‌خوداحترام بگذارید. خواست‌های‌اصولی آنان‌رابرآورده‌سازید وآنان رادرجهت‌منافع‌انقلاب ومیهن‌انقلابی بارآورید!

* عشق به‌انقلاب ومیهن‌انقلابی، نفرت ازامپریالیسم‌جهانی، به‌سرکردگی آمریکای جنایتکار و "تفاله"های آن، عشق به مردم زحمتکش ونفرت ازبی‌عدالتی وستمگری، روح همکاری‌جمعی، انضباط، مسئولیت‌پذیری، مطالعه و...را در فرزندانتان پرورش‌دهید!

* * *

بکوشیم تاهمه دست دردست هم سال تحصیلی جدید رابه‌سالی پربار برای‌انقلاب ومیهن‌انقلابی، به‌سال اتحاد وهمبستگی همهٔ نیروهای‌مومن به‌انقلاب ومتعهد به جمهوری اسلامی ایران، به‌سال شکست‌امپریالیسم، به سرکردگی آمریکای‌جنایتکارو "تفاله"های رنگارنگش بدل‌سازیم!

سازمان دانش‌آموزان پیشگام‌ایران ــ سازمان جوانان تودهٔ‌ایران

۱۳۶۰/۶/۱۷

اتیوپی انقلابی سالروز انقلاب خود را جشن میگیرد

۱۲ سپتامبر ۱۹۸۱ (۲۱شهریور ۱۳۶۰) سالروز انقلاب‌اتیوپی‌است.

هفت‌سال‌پیش در چنین روزی (۱۲ سپتامبر ۱۹۷۴) رژیم سلطنتی و قرون‌وسطایی وابسته به‌امپریالیسم هایلاسلاسی توسط افسران جوان‌انقلابی به‌نمایندگی‌ازتوده‌های زحمتکش این‌کشور سرنگون شد. و به جای آن جمهوری ضدامپریالیستی مردم اتیوپی برقرارگردید.

مردم اتیوپی پیش از انقلاب عملا از رهبری سیاسی محروم بودند. استبداد سلطنتی باتبدیل این‌کشوربه‌تاریکخانهٔ ظلم وجهالت‌از تشکل سیاسی مردم بشدت جلوگیری می‌نمود. درچنین‌فضای اختناق‌آمیزی افسران جوان مترقی وسربازان‌انقلابی نقش رهبری سرنگونی رژیم پوسیده را برعهده گرفتند.

انقلاب ضدامپریالیستی‌ومردمی‌اتیوپی به‌سلطهٔ جابرانهٔ رژیمی در شاخ آفریقا پایان دادکه‌ازآن‌مناسبات‌عمیق‌فئودالی ۱۵۰۰۰۰ انسان‌مبتلا به‌جذام، ۴۵۰۰۰۰مبتلا به سل، ۶تا۷میلیون مبتلا به مالاریا و۱۴میلیون‌مبتلا به‌بیماری‌های‌چشم و۹۳% بیسواد بیادگارمانده است. در این کشور ۳۰میلیونی تنها ۱۲۵ پزشک وجود داشت که‌به هیچ وجه حاضر نبودند گامی ازپایتخت فراتر نهند.

اکثریت عظیم ۳۰میلیون جمعیت این کشور را روستائیان‌تشکیل می‌دهندکه شیوهٔ زندگی‌شان‌بربنیاد ساختار اقتصادی قرون وسطایی استواربود.

منگیستوهایله‌مریم رئیس‌شورای‌مدیریت موقت‌نظامی برای زدودن آثارنکبت‌بار استعمار ورژیم وابسته‌به‌آن از همان آغاز تاکید نمود: "تنها دوچیز انقلاب و وحدت ما و ساختمان سوسیالیسم راتضمین‌می‌کند: یکی پی‌ریزی‌پایه محکم‌اقتصادی ودیگری ایجاد حزب‌زحمتکشان‌برای رهبری دائمی‌است"

این‌رهنمود شالودهٔ همهٔ تحولات بنیادین‌جامعهٔ اتیوپی راکه جزء ۲۵کشوربسیار عقب‌ماندهٔ جهان‌بود، ترسیم‌می‌نماید.

شورای مدیریت موقت‌نظامی برای‌ریشه‌کن‌کردن‌فئودالیسم دراتیوپی که عمده ترین سنگر ارتجاع وامپریالیسم وعامل مهم عقب‌ماندگی کشوراست، فرمان‌تقسیم‌زمین بین دهقانان راتصویب نمود.

به‌موجب‌این‌فرمان به‌هرخانواده‌روستایی حق کشت تا ۱۰هکتار زمین‌داده‌شد و بیشتر ازآن ممنوع گردید. فرمان مذکور استفاده از نیروی‌کارمزدبگیر واجاره‌دادهٔ‌زمین‌رامنع نمود.

همزمان باتقسیم زمین سازمان دادن تعاونی‌ها آغازگردید. گردآوردن دهقانان در تعاونی‌ها از ژوئن ۱۹۷۹ (خرداد ۵۹) به‌یک وظیفهٔ ملی تبدیل شده‌است. این تعاونی ها ابزار سیاسی مهمی برای پرورش‌دهقانان‌برای کارجمعی وزندگی مترقی اجتماعی‌است.

اصل داوطلبی برای شرکت در کار تعاونی‌ها دقیقا رعایت شده است. جذب دهقانان به‌تعاونی‌ها ازروی سرمشق، اسلوب عملی واقناعی‌برای سازماندهی‌تعاونی‌هاست. بدین‌منظور درچهارده‌ایالت واحدهای‌بهره‌برداری جمعی‌نمونه‌بوجودآمدکه‌فوایدکارجمعی کارآیی وپیشرفت‌مادی‌ومعنوی‌زندگی درتعاونی‌هارا به دهقانان نشان‌می‌دهد.

به‌موازات‌این اقدام‌نهضت‌سوادآموزی، سراسرکشور را دربرگرفت. استقبال مردم از سوادآموزی به‌حدی‌بودکه، از همان آغاز ۵۴۰۰۰۰۰نفر ثبت نام کردند. تصمیم گرفته شد هرکس خواندن ونوشتن می‌داند آن را به دیگری بیاموزد. براین‌اساس ۳۰۵۰۰۰ مرکز سوادآموزی در سراسرکشور بوجودآمد. برای این‌کار ازنیروی‌همهٔ معلمان، دانشجویان و حتی دانش‌آموزان مدارس استفاده شد. طی دومرحلهٔ سوادآموزی ۶میلیون نفر خواندن و نوشتن یادگرفتند. از این‌عده سه میلیون و نیم نوجوان تحصیلات خودرا در مدارس ابتدایی ادامه‌دادند. درسال ۱۹۸۰ سوادآموزی در روستاها آغازشد. صدهاهزاردهقان به‌این‌نهضت جلب‌شدند. دولت انقلابی اتیوپی‌تصمیم گرفته‌است سوادآموزی‌راتا ۱۹۸۱ درشهرها وتا ۱۹۸۶در روستاها بپایان‌رساند.

شورای‌رهبری‌انقلاب‌برای‌تشکل‌سیاسی‌انقلابی توده‌های زحمتکش وپرورش همه‌جانبه آنان‌نخستین‌گام‌هارابرای‌تشکیل‌حزب‌زحمتکشان‌اتیوپی‌به‌عنوان‌حزب‌پیشاهنگ برداشت وبا ایجادکمیسیونی مقدمات‌تشکیل‌آن‌رافراهم آورد. رسالت‌تاریخی حزب "حذف کامل فئودالیسم، امپریالیسم ودیوانسالاری بورژوایی ... رهبری‌خلق درساختمان‌جامعه‌سوسیالیستی درکشور" اعلام‌گردید.

طبق فرمان شورای مدیریت موقت‌نظامی همهٔ نمایندگان زحمتکشان وارتش انقلابی که به‌سن ۱۸رسیده‌اند ومعتقد به فلسفهٔ علمی‌اند و برنامهٔ انقلاب دموکراتیک‌ملی را قبول‌دارند وازفعالان امر کبیر انقلاب به شمار می‌روند، می‌توانند به‌عضویت کمیسیون درآیند.

برای‌تربیت کادرهای حزب، کمیسیون اقدام به‌ایجاد شبکهٔ وسیعی از مدارس سیاسی، تشکیل سمینارها و تماس با احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های دموکراتیک ملی وسازمان‌های دموکراتیک‌کرده‌است.

منگیستوهایله‌مریم در این‌باره گفته‌است "ما نمونه‌های‌انقلابی را از دیگران‌یادگرفته و یادخواهیم‌گرفت... راه‌رشد سوسیالیستی و وفاداری به‌اصول انترناسیونالیسم‌پرولتری‌خط مشی‌عمومی‌ماست".

نخستین کنگره‌کمیسیون تشکیل حزب زحمتکشان درسال گذشته‌مقارن بابرگزاری‌روزهای انقلاب برگزارشد. این‌کنگره‌ثمره‌کارنزدیک به‌شش‌سال کوشش خلق برای تشکیل اتیوپی نوین‌است.

انقلاب اتیوپی ازهمان آغاز با مقاومت وعکس‌العمل شدیدامپریالیسم‌جهانی‌بسرکردگی آمریکاوکشورهای مرتجع منطقه و ضد انقلاب داخلی ــ ازفئودالها تاچپ‌نمایان ــ روبرو شد. امپریالیسم باسودجستن از تنوع اقوام در اتیوپی به‌تحریک آنان‌برضدانقلاب ونظام‌نوین پرداخت. موجی ازتروریسم سراسرکشور رافراگرفت. ضدانقلاب وفئودالیسم در روستاها فعالین‌تعاونی‌ها ومربیان سیاسی کمیسیون‌حزب زحمتکشان‌وحتی‌اعضای تعاونی‌هارا ترور می‌کردند. چپ‌نمایان در شهرها دست به ترور کادرهای موثر دولتی زدند. دولت‌انقلابی اتیوپی باتشکیل گروه‌های ضربتی و به کمک نیروی زحمتکشان تروریسم را مهارنمود. هم اکنون‌امپریالیسم‌برای تجزیهٔ‌این کشور به‌یاری سومالی‌وسودان‌مشغول‌فتنه‌انگیزی‌است.

امارژیم‌انقلابی اتیوپی باتکیه بر ارادهٔ زحمتکشان واتخاذ سیاست روشن‌بین‌المللی در پیوند بااردوگاه‌ضدامپریالیسم جهانی ــ کشورهای سوسیالیستی و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی‌وسایرکشورهای ضدامپریالیست جهان چون‌لیبی، یمن‌دموکراتیک وغیره ــ توانسته است برمشکلات درونی وبیرونی فایق آیدو راه پیشرفت اجتماعی اتیوپی نوین را هموارسازد.

امضای پیمان‌جدید دوستی‌وهمکاری بین اتیوپی انقلابی وکشورهای ضدامپریالیست‌عضو جبهه‌پایداری، لیبی‌ویمن دموکراتیک فصل جدیدی از پیوند نیروهای انقلابی در شاخ آفریقا ومنطقهٔ‌خاور نزدیک است. این‌همکاری می‌تواند درتوانمندگردانیدن هرچه‌بیشترنیروهای‌انقلابی این‌کشورهادر مقابله با دورجدید توطئه‌های‌تبهکارانه‌امپریالیسم آمریکا درسراسر این‌مناطق بطور موثر کمک نماید.

بقیه از صفحه ۸

پاسخ حزب کمونیست...

ژرژ مارشه، دبیر کل‌حزب کمونیست فرانسه قرار دارد، نامه‌زیرا را برای‌زندانیان‌ایرلندی‌فرستاد

تاپیروزی شما

پاسخ‌به‌تونی هیوز:

برادران عزیز، زندانیان بلفاست!

پیام شما، که دیروز آن‌رادریافت‌داشتیم، مارا عمیقاتحت‌تاثیر قرارداد. مابه شما اطمینان می‌دهیم که‌باتمام توان‌خویش می‌کوشیم، تا پاسخ ما در زندان بدست شما برسد.

نامه شما دلاوری و بانگ رفقای خود ما را در روزهای مقاومت (ضدفاشیستی) از نو زنده می‌کند.

از دیرزمانی پیش ازمرگ قهرمانانه بابی ساندز، ماهمه‌روزه درتلاشیم، تا زحمتکشان، دموکرات‌ها وجوانان فرانسه رابسیج‌کنیم و به وجدان آنان توسل جوئیم. چهارشنبه گذشته، بدنبال‌فراخوان‌ژرژمارشه، پاریس صدای اعتراض ما وهمبستگی با شما را، که ما تا دروازه‌سفارت بریتانیا فریادکردیم، شنید.

مادر برابر تصویر بابی‌ساندرز، که‌هزاران شاخه‌گل میخک به‌نشانه برادری و مبارزه بر آن نثار شده، سوگند یادمی‌کنیم که مبارزه خود را در جهت حقوق شما، علیه همه استعمار گران بریتانیایی، درجهت آزادی تمام‌خلق‌ایرلند، درجهت‌ارتقاء‌شان همه زنان و مردان ایرلندی ادامه دهیم وگسترش بخشیم.

ما تاپیروزی شما، با شما خواهیم بود. با شما وباهمهٔ‌مردم دوستدار آزادی در سراسر جهان. مابه‌شمااطمینان‌می‌دهیم که زندان‌هایتان تبدیل به گورستان نخواهد شد. ما زندگی شما، حقوق شما وآزادی شما را نجات خواهیم داد.

حزب کمونیست عراق خطاب به نظامیان این کشور :

ارتش را ترک کنید و سلاح خود را به سینه باند صدام نشانه بگیرید !

حزب کمونیست عراق درفراخوانی خطاب به نظامیان عراق ، ازآنان خواسته است که ارتش را ترک کنند و سلاح خودرا به سینهٔ باند صدام نشانه بگیرند .

حزب کمونیست عراق بدینسان باردیگر خصلت میهن دوستانه و انترناسیونالیستی خودرا نشان داده و ضمن تجهیز مردم عراق برای سرنگون ساختن رژیم دیکتاتوری صدام ، همسنگی خود را با مردم ایران ، انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران به ثبوت رسانیده است .

در زیر فراخوان حزب کمونیست عراق به نظامیان عراق به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد .

* * *

نظامیان میهن دوست و شرافتمند ارتش عراق!

سربازان ، افسران کادر و وظیفه ، باهر عقیده و مسلک سیاسی ، ازکرد و عرب و اقلیت‌های ملی دیگر ، مسلمانان ، مسیحیان ، پیروان مذاهب و ادیان مختلف!

مبارزان ضد دیکتاتوری و سیاست خون‌ریزی وکشتار!

کلیهٔ نظامیان میهن دوست و شرافتمندی که به میهن عزیزمان عراق و خلق بزرگ عراق و امت عظیم عرب فکر می‌کنند!

سیاست باند دیکتاتوری حاکم کشور ما را به سوی جهنمی سوزان رهبری میکند ، خلق ما تاکنون هزاران نفر از فرزندان خودرا درزندان‌ها ، درپای چوبهٔ دار و زیر شکنجه ویا درمیدان‌های جنگ ظالمانه علیه خلق کرد ما و جنبش آزادی‌بخش خلق عراق و علیه خلق همسایه ایران و انقلاب رهائی بخش آن ازدست داده است

عراق عزیزما ، که نخستین کشور قوانین درعالم بوده و نعمت‌های مادی به وفور دران وجود دارد ، امروز درچنگال ترور و سرکوب وحشیانه قرارگرفته و مرگ و اندوه سراسرخاک میهن را در برگرفته و خونریزی عمومی بطور همه جانبه‌ای گسترش یافته است . هم‌اکنون فراهم کردن ساده‌ترین ضروریات حیات و معیشت مانند سوخت ، برق ، خدمات و مسکن برای شهروندان عراقی با اشکال مواجه است و مهمتر ازاین ، خلق ما ازامنیت وآسایش وزندگی شرافتمندانه ، به دوراز هجوم و یورش ارگان‌های سرکوبگر وامنیتی ، که حیثیت و شرافت مردم رازیرپا می‌گذارند ، محروم است . این طاعون سیاه ، ارتش ما وفرزندان مخلص وشرافتمندآن‌را درگیر جنگ ظالمانه‌ای کرده ، که هدف آن خدمت به توطئه‌های امپریالیسم ، ارتجاع وصهیونیسم و علیه جنبش آزادی بخش ملی عرب وانقلاب ایران است و اساس آن برفریبکاری ، دروغ ، تبلیغات ورهبری طلبی دروغین قراردارد .

این جنگ ظالمانه که ازده ماه پیش آغازشده ، هر روز جان صدها نفر را در میدان‌های جنگ می‌گیرد و آنان یامحروم و علیل ازاین میدان‌ها بازمی‌گردند و یا اجسادشان ازمیدان‌های اعدام وسلول‌های امنیتی عراق تحویل میشود . این درشرایطی است که رژیم اجساد هزاران نفر از آنها را ، که کوچکترین اعتراضی کرده‌اند ، به همسران ، فرزندان و بستگانشان پس نمی‌دهد .

آینده‌ای که درانتظار فرزندان شریف ارتش و توده‌های خلق عراق است ، آینده‌ای سیاه و پر از خسران ونابودی عمومی است .

تداوم حکومت باند فاشیستی حاکم بر شئون ومقدرات ارتش ما وخلق ما تاثیر می‌گذارد و به آلام و رنج‌ها و زحمات آن می‌افزاید . هر روز که از عمر کوتاه دیکتاتوری حاکم وباند جنایتکارآن می‌گذرد ، خلق مبارز عراق شاهد مصیبت‌های بیشتر و خسارات جسمانی ، روحی و مادی بیشتری خواهد بود .

خلق بزرگ عراق دارای مجد و افتخارات انقلابی است . نیروهای سیاسی وطن دوست وترقی خواه به مبارزه مسلحانه وغیرمسلحانه با رژیم خونخوار برخاسته و روز به روز صفوف خود را تحکیم بخشیده‌اند . این نیروها هر چه بیشتر به تشکیل یک جبههٔ عمومی فراگیر برای سرنگونی حکومت دیکتاتوری و رهایی کشور ازمرگ جمعی وسیاست سرکوبگرانه تروریستی وفاشیستی نزدیک می‌شوند و علیه جنایت رژیم نسبت به فرزندان این کشور و به هدر دادن امکانات وتوانایی‌های میهن وغارت ثروت‌های ملی توسط باند جنایتکارحاکم متحد می‌شوند .

برای مقابله با سیاست دشمنی با جنبش آزادیبخش ملی عرب ونیروها و سازمان‌های ترقی خواه آن ، این حق طبیعی خلق عراق است که ازفرزندان خود درارتش عراق بخواهد که در این خون‌ریزی‌ها سهیم نشوند و سلاح‌های خود را به‌طرف سینهٔ باند حاکم ، که ارتش مارا دراین عذاب بزرگ انداخته و خسارات فراوان وارد کرده است ، برگردانند .

جایگاه حقیقی شما نظامیان شرافتمند عراق درسنگرها وخندق‌ها علیه رژیم ننگین عراق است ، که ازمقابله با یورش‌های هوائی اسرائیل عاجزاست وبا رهبران اسرائیل وهم پیمانان آن همکاری و هماهنگی می‌کند .

جایگاه شما درصفوف مبارزه خلقی است که روز به روز کینه و نفرت آن ازرژیم حاکم افزایش می‌یابد .

جای شما ، همچون دیگرفرزندان خلق ، درنبرد شرافت وحیثیت ، درنبرد ۱۴ ژوئیه است ، که ۲۳ سال پیش به رژیم پادشاهی وابسته به استعمار پایان داد .

روزپیروزی آینده نزدیک است . روزی که اشعهٔ درخشان آن آینده‌ای آزاد ، دمکراتیک و درجهت پیشرفت اجتماعی و وحدت ملی رابشارت می‌دهد . آینده‌ای که شرافت ، امنیت و زندگی آبرومندانه را برای فرزندان خلق به ارمغان آورد .

فرزندان غیورارتش عراق!

– پیوند خودرا باجنبش ملی خلق عراق واحزاب ونیروهای ترقیخواه ملی و انقلابی محکم کنید و فعالیت‌های خودرا با آنان هماهنگ کنید .

– صفوف خود را از رجال مشکوک وعوامل جنایتکار رژیم دیکتاتوری و ارگان‌های سرکوبگر رژیم تصفیه کنید .

– به رزمندگان میهن دوست ، که درکوهها و دشت‌های کردستان می‌جنگند ، ملحق شوید .

– صفوف خودرا منظم کنید و با اسلحه‌های خود علیه رژیم دیکتاتوری و باند جنایتکار آن به مبارزه برخیزید .

پیروزی ازآن خلق ماست!

زنده باد برادری خلق و ارتش عراق برای سرنگونی دیکتاتوری حاکم!

۱۲ ژوئیه ۱۹۸۱

حزب کمونیست عراق

بقیه از صفحه ۱

حجت الاسلام هاشمی . . .

"کره شمالی بارها صداقت خودرا نسبت به انقلاب اسلامی مانشان داده وبارها از اینجانب برای سفربه آن کشوردعوت کرده ، ولی به علت گرفتاریهای موجود تاکنون نتوانسته بودم موفق به سفربه آن کشور شوم .

رئیس مجلس افزود که :

دراین دیدارها مذاکراتی هم با مقامات کشورهای دوست خواهیم داشت که امیدواریم نتیجه بخش باشد . "

درفرودگاه پیونگ یانگ ، پایتخت کره دمکراتیک ، رئیس مجلس ، وزیردفاع و معاون رئیس جمهور این کشور به همراه جمعیت کثیری از مردم ، ازهیئت ایرانی استقبال کردند . در ضیافت شامی که شب بعد (۲۳ شهریورماه) ازطرف وزارت دفاع جمهوری دمکراتیک خلق کره به افتخارهیئت ایرانی ترتیب یافت ، ابتدا پیامی ازجانب دولت کره دمکراتیک قرائت گشت . در این پیام ازجمله آمده بود :

"ماخیلی خوشحالیم که همکاری وروابط دوستانه بین دوکشور هرروز در حال تحکیم و گسترش درجهت اهداف مشترک دوکشور ، یعنی استقلال ومبارزات ضدامپریالیستی ملت‌های ماست . امروز مردم ایران تحت رهبری‌های صحیح رهبرانقلاب اسلامی وبنیانگزارجمهوری اسلامی ایران ، امام خمینی ، درحال مبارزه خیلی فعالانه در راه دفاع از استقلال کشور وملیت خود هستند وعلیرغم تمام باجخواهی‌ها واشکالات متعددی کدارسوی امپریالیست‌ها درسرراه پیشرفت آنان قرارمی‌گیرد دولت ایران و مردم فعالانه در راه آزادی واستقلال تلاش می‌کنند . " (اطلاعات ، ۶۰/۶/۲۴)

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز متقابلا درسخنرانی مشروحی ، ازجمله گفت :

"از اینکه امروز در کشوری هستیم که از لحاظ جغرافیائی دوراز خودمان ، ولی ازلحاظ مبارزه باامپریالیسم نزدیک به ماست . خیلی خوشحالیم وازموضع بسیارمفید و موثر شما در جنگ تحمیلی صدام تکریتی علیه ایران اسلامی سپاسگزاریم وبرای دوملت ورهبران آن آرزوی موفقیت بیشترداریم . " (اطلاعات ، ۶۰/۶/۲۴)

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی همچنین باکیم ایل سونگ ، رئیس جمهوری دمکراتیک خلق کره نیز دیدار وگفتگو کرد .

شرکت ایران درکنفرانس سران جبههٔ پایداری

وزیرامورخارجه : ازایران بطوررسمی دعوت شده است تابه جبهه پایداری بپیوندد .

درتاریخ ۲۴ شهریور ماه وزیر امورخارجهٔ جمهوری اسلامی ایران ، آقای میرحسین موسوی خامنه‌ای ، در راس هیئتی ایران را به‌سوی لیبی ترک گفت ، تادرکنفرانس سران جبهه پایداری که دراین کشوربرگزارمی شود ، شرکت کند . پیش‌از عزیمت ، وزیرامورخارجه درمصاحبه‌ای باخبرگزاری پارس ، ازجمله گفت :

"این مسافرت به دعوت برادر العاطی العبیدون برای شرکت در کنفرانس جبههٔ پایداری صورت می‌گیرد ، وفرصتی است تا با سران و وزرای امورخارجه کشورهای برادرعضو جبهه پایداری درمورد مسائل منطقه و همچنین مسئله اتحاد استراتژیکی رژیم اشغالگر فلسطین و آمریکا بحث وگفتگو کنیم و نقطه نظرهای خود رادرمورد مسائل گوناگون چه در سطح جهانی و چه درسطح جهان اسلام مطرح سازیم .

وزیرامورخارجه درمورد عضویت ایران در جبهه پایداری گفت :

"ازمابطور رسمی دعوت شده است تا به این جبهه بپیوندیم .

وی افزود : "همانطورکه قبلا هم اعلام کرده‌ایم ، ما از مبارزه جبهه پایداری بر علیه صهیونیسم وطرح‌هائی نظیر کمپ دیوید حمایت کامل می‌کنیم ، که این حمایت فقط جنبهٔ حرف ندارد ، بلکه ما می‌خواهیم به‌صورت فعال در این زمینه شرکت داشته باشیم وفعلا نیز در این کنفرانس به‌عنوان ناظر وکشوری که‌قویا از این جبهه حمایت می‌کند . شرکت خواهیم کرد "

در مورد احتمال بستن قراردادهائی بین ایران ولیبی گفت :

"درآنجا به‌عنوان یک مقام رسمی ازطرف دولت جمهوری اسلامی ایران وباتوجه به‌قانون اساسی ودرحدوظایف یک وزیرامورخارجه اقدام خواهیم کرد . "

کاردارسفارت لیبی در تهران نیز ، که برای بدرقه وزیر امورخارجه به فرودگاه مهرآباد آمده بود ، دریک گفتگوی کوتاه باخبرنگار خبرگزاری پارس در مورد کنفرانس جبهه پایداری درلیبی اظهارداشت :

"باتوجه به اینکه منطقه با بحران‌ها و توطئه‌های گوناگون امپریالیزم روبروست ، جبهه پایداری به‌منظور مبارزه ویاجلوگیری از چنین توطئه‌ها ، برپائی یک اجلاس را لازم دید و از ایران نیز ، که دراین مسئله با آنها اشتراک نظر دارد ، برای شرکت دراین اجلاس دعوت کرده است . " (جمهوری اسلامی ، ۶۰/۶/۲۵)

*

اتحاد مردم – ما سفر رئیس مجلس شورای اسلامی را به جمهوری دمکراتیک خلق کره و سفر وزیر امور خارجه را به لیبی برای شرکت در اجلاس "جبهه پایداری" ، بعنوان گام‌های مهم و مثبتی در جهت تحقق اهداف ضدامپریالیستی انقلاب ایران درسیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلقی میکنیم وامیدواریم که پیوند دوستی وهمکاری جمهوری اسلامی ایران باکشورهای سوسیالیستی وضدامپریالیستی درمبارزه برضد دشمن مشترک – امپریالیسم وصهیونیسم ، به سرکردگی آمریکا – روزبه‌روزگسترش یابد وتحکیم گردد .

پاسخ حزب کمونیست فرانسه به زندانیان ایرلندی زندان لانگ کش

زندانهایتان تبدیل به گورستان نخواهد شد !

زندانیان ایرلندی خانم تاچر ، علیرغم کنترل پلیسی ، پیگرد و بازرسی‌های مداوم ، موفق شدند از داخل زندان پیامی خطاب به حزب کمونیست فرانسه بفرستند . این پیام با حروف ریز بر روی دستمال کاغذی نوشته شده وبوسیله تونی هیوز ، زندانی لانگ کش ، که برادرش پاتریک هیوز ، روز ۱۴ مهر ۱۳۵۹ ، بعد از ۵۹ روز اعتصاب غذا ، در گذشت ، امضاء شده است .

از رفقای تابی ساندز به حزب کمونیست فرانسه

رفقا !

رفقای من همین یکی دوهفته جان خواهند داد . خیانت وقساوت حکومت بریتانیا آنها را به مرگ محکوم کرده است . آنان به کمک شما محتاجند . ازجانب آنان ، من این خواست فوری را مطرح می‌کنم .

بریتانیایی‌ها بااشغال میهن ما همواره کوشیده‌اند ، تاروحیه مردم ایرلند را در هم شکنند . آنها عملا زبان و فرهنگ ما را نابود کرده‌اند . ماناگزیریم ، درجامعه‌ای که برای مردم ما بیگانه است ، زندگی کنیم .

میهن ما از رهگذر شقاق و فرقه‌گرایی ، که خودکامانه وبه‌منظور جداکردن مردم ما از یکدیگر از سوی آنان دامن زده می‌شود ، تکه تکه شده است . بیکاری ، تبعیض و قوانین جابرانه تنها "مواهبی "است که مردم ما به برکت اشغال بیگانه بدست آورده‌اند . اما بریتانیایی‌ها ، نسل ازپس نسل ، باروح مقاومت مردمی روبروشده‌اند که سرتسلیم ندارند مردمی که با وجود حرمان خویش ، همچنان علیه جباران به مبارزه ایستاده‌اند .

بریتانیایی‌ها به‌نوبه‌خود همواره کوشیده‌اند ، تامردم ایرلند را ، که‌برای آزادی می‌جنگند ، تبهکار و جنایت پیشه معرفی کنند . باورکردنی نیست که حق مشروع یک‌خلق زیر ستم برای مبارزه علیه ستم پیشگان ، به‌جنایت تعبیر شود!

آنها در اول مارس ۱۹۷۶ ، با لغووضع ویژه‌ای که "وضع سیاسی "نامیده می‌شد وبه‌ما یعنی جمهوری خواهان‌زندانی ، اطلاق می‌شد ، توطئه‌دیگری تدارک دیدند . آنها گمان می‌کردند که در نهایت به‌آنان اجازه‌خواهیم داد انگ تبهکار برمابزنند . ولی ماتبهکارنیستیم و هیچیک ازماهرگز به این ننگ تن در نخواهد داد .

ما از پوشیدن لباس زندان و تهیه‌غذای زندان‌سرباز زدیم . این سرآغاز اعتراض پتوی مابود (ازآن‌پس پتو تنهاپوشش زندانیان شد – مترجم)

ازآن‌جاکه ما از پذیرش این شیوه امتناع ورزیدیم ، مارا مجبور کردند ، ساعت‌ها وروزها ، درسلول‌هایی که به‌گور می‌مانست ، به‌سر بریم . با وجود همه‌این تضییقات وستم‌پیشگی مستمر زندانبانان ، متحد و مصمم هستیم و اعتقاد راسخ داریم که گام مهمی راکه برداشته‌ایم ، بی‌تردید برای همیشه به‌این وضع دهشتناک پایان‌خواهد بخشید و خواست‌قانونی به‌رسمیت شناخت ـ مابه‌مثابه زندانیان سیاسی تحقق خواهد یافت .

ما از قساوت و خیانت حکومت بریتانیا کاملا باخبریم ، اما ازاشتباه خود درس‌گرفته‌ایم . پس از ۵۳ روز رنج دهشت‌انگیز ، هفت تن از رفقای ما به اعتصاب غذای خود پایان بخشیدند و اطمینان حکومت بریتانیا را دائر بر به‌رسمیت شناختن خواست‌های ماپذیرفتند . تنها آنگاه بودکه دریافتند به‌وسیلهٔ بیانات ریشخندآمیز ونویدهای دغلکارانه فریب داده شده‌اند .

این‌بار ، رفقا ، مانه‌دربرابر نیرنگ ونه وعده و وعیدها سرفرود نخواهیم آورد و تا تحقق همه‌خواست‌هایمان به‌اعتصاب غذا ادامه خواهیم داد . این‌بار ، ماخواستار موافقت‌کامل ، صریح و روشن هستیم .

وبه‌این‌ترتیب ، رفقا ، من‌اکنون به‌شماروی آورده‌ام ، تامارایاری کنید . همگان را ازپشتیبانی خود باخبر سازید ، تاتوده‌ها به‌خیابان‌ها سرازیر شوند ، زیراتنهابااین واکنش همگانی است که ، بازو به‌بازوی شما ، می‌توانیم قساوت‌رژیم راست‌گرای تاچر را ، که میگوید : "**بگذاربمیرند**" ، در هم شکنیم .

برادرشما تونی هیوز

در پاسخ این نامه ، "کمیته‌دفاع‌ازآزادی‌ها وحقوق بشر "حزب کمونیست فرانسه ، که زیر نظر

بقیه‌درصفحه۷

اجرای اصلاحات ارضی بنیادین برای انقلاب بزرگ ایران سرنوشت ساز است (بقیه)

"اربابان غالباً دلیلی برملکیت جز سند قلابی و تصرف عدوانی نداشته و یا آنقدر ظلم از طرف ارباب شده واموالی از کشاورزان گرفته‌اند، که کشاورز می تواند زمینها را بابت طلب خود از ارباب تملك نماید، چه بسا در مواردی لازم باشد پولی که بابت بهای ملك از کشاورز گرفته شده به او پس داده شود".

«امام خمینی»

انقلاب ایران وحل مسئله ارضی

این بیان انقلابی واین فتوای حکیمانه قبل ازهرچیز مسئولیت خطیر انقلاب بزرگ‌مارا در اجرای هرچه‌زودتر و قاطع تر اصلاحات ارضی بنیادین تاکید می‌کند.

مسئله اصلاحات ارضی بنیادین به سود دهقانان کم‌زمین وبی‌زمین، درجهت ریشه‌کن‌کردن استثماربزرگ‌مالکی وسرمایه‌داری بزرگ ارضی وبه‌منظور واگذارکردن زمین وآب ووسایل کشت‌وکار به‌دهقانان‌زحمتکش مسئله‌ای است سرنوشت‌ساز وحیاتی. مسئله‌ای که هرگاه با قاطعیت انقلابی وبه‌گونه‌ای کامل، همه‌جانبه و هماهنگ حل نشود، نه‌تنها انقلاب ایران رادر نیمه‌راه متوقف خواهدکرد وبه‌بن‌بست خواهد کشید، که‌همهٔ دستاوردهای آن‌رانیز باخطرهای جدی روبه‌رو خواهدکرد.

چنین اصلاحات بنیادین ارضی‌می‌تواند وبایدبرهمهٔ شئون‌زندگی انقلابی‌ماتاثیر مثبت بس بزرگی بگذارد.

اصلاحات‌بنیادین‌ارضی در امر توسعهٔ اقتصادملی‌وظیفهٔ‌اساسی دوگانه‌ای را برعهده دارد:

۱) توزیع مجدد درآمد وثروت به سود توده‌های میلیونی زحمتکشان،

۲) افزایش بهره‌وری وتولیددرجهت‌نیل به‌خودکفایی وتحکیم مبانی استقلال ملی.

ازنظر اجتماعی، اصلاحات ارضی بنیادین می‌تواند وباید نتایج مهم زیرین رابه بارآورد.

تغذیه میلیونها خانوادهٔ روستایی، که دستخوش بی‌غذایی مزمن هستند، جبران عقب‌ماندگی غیرقابل تحملی که‌قرنهاحاکمیت فئودالی‌ـ ودرپی آن سلطه‌سرمایه‌داری‌حریص وابسته ـ به‌آنان تحمیل کرده است، تامین امکانات رفاهی‌در زمینهٔ‌آموزش و فرهنگ و بهداشت ودرمان ومسکن وهرآنچه لازمهٔ یک زندگی مرفه و متمدن است.

باچنین اصلاحاتی است که عمران و آبادانی روستاها به رشد شتاب‌آمیزی دست خواهد یافت، و بالاخره ریشه ظلم و ستم و غارتگری بزرگ مالکی و استثمار بیرحمانهٔ سرمایه‌داری‌بزرگ ارضی از روستاها رخت خواهد بست.

ازنظر سیاسی نیز، اصلاحات ارضی بنیادین فضای تنفسی برای توده‌های میلیونی روستایی وعشایر بوجود می‌آورد، که درجوآن امکان‌می‌یابند برپای خود بایستند و در سرنوشت خود مداخله ومشارکت داشته‌باشند.

اماچنانکه معلوم است، برخورد انقلاب شکوهمند ضدامپریالیستی ومردمی و اسلامی ایران‌بامسئله ارضی، سطوحی رابسیار فراتر از آنچه بیان شد، در برمی‌گیرد:

انقلاب بزرگ ما قبل از هر چیز حامل رسالت تاریخی ویژه‌ای است که هدف آن، رهائی‌کشور از قید اسارت امپریالیسم خارجی وعوامل داخلی‌آن‌است. باچنین ابعادی است که‌بایدمسئله ارضی موردتوجه‌انقلاب‌قرارگیرد.

حل مسئله ارضی، یعنی نابودی کامل پایگاه امپریالیسم در کشاورزی، در اقتصاد روستایی ودر روستاهای ایران، یعنی ایجاد ارتش میلیونی از روستاییان و روستازادگان زحمتکش‌انقلابی، یعنی جلب‌هرچه‌بیشتروپرشتاب‌تر توده‌های دهقانان به‌صفوف فشردهٔ انقلاب، به‌مبارزات ضدامپریالیستی‌ومبارزه در راه اعتلای فرهنگی وتامین استقلال‌ملی. از اینقرار، حل مسئله ارضی در انقلاب بزرگ ایران، اگر به‌گونه‌ای باشد که نتواند به چنین نتایج‌اساسی دست یابد، نمی‌توان آن را پاسخ‌گوی انقلاب دانست.

دولت موقت ومسئله ارضی

انقلاب بزرگ‌ایران در همان سپیده دم پیروزی می‌توانست‌ومی‌بایست به‌رسالت‌تاریخی خود عمل کند وبه‌ندای حق‌طلبانهٔ دهقانان زحمتکش پاسخی شایسته گوید و زمین وآزادی وزندگی بهتر توام باخوشبختی را به آنان و به‌فرزندان آنان نوید دهد. امامتاسفانه چنین نشد. دولت‌موقت باامپریالیسم وهمهٔ رجالهای سرسپردهٔ آن سرسازش داشت. این‌دولت لیبرال برآن‌بود، تاسلطهٔ مجددامپریالیسم و نهادهای داخلی آن‌راگام‌به‌گام برقرار سازد. بااین‌هدف، چنین‌دولتی نمی‌توانست جزبسود زمینداران‌بزرگ وسرمایه‌داران وابسته‌قدمی‌بردارد وجز به‌زیان دهقانان زحمتکش راهی بپیماید. چنین بودکه‌دولت‌موقت به **حقوق** دهقانان‌ایران وبه‌سرنوشت زحمتکشان **خیانت** کرد وبدینسان به‌انقلاب لطمه سنگینی‌زد. **علی** محمد ایزدی، وزیرکشاورزی دولت موقت، که مدتهابود "فکرمی‌کرد بامهاجرت به‌آمریکامی‌تواندسرمایه‌وامتیازی‌برای آنجا باشد"، با گستاخی هرچه بیشتر زمینداران وسرمایه‌داران غارتگر را بر روستاها مسلط می‌ساخت‌و هرگونه حق‌طلبی دهقانان را "تجاوزبه‌حقوق دیگران"، "تصرف عدوانی" "واقدامی "مخالف اسلام" وانمود می‌کرد. اوبرای تحکیم‌هرچه‌بیشترسلطه غارتگران بر روستاها هرروز قانون وتصویب‌نامه‌ای ضددهقانی و ضد انقلابی به تصویب شورای انقلاب می‌رساند، وبارسوایی‌آشکارمی‌کوشید، تاآثار شوم "اصلاحات ارضی" امپریالیسم‌پسند شاه ملعون راتنفیذ وتثبیت کند.

دهقانان آمدند

بااشغال لانه‌جاسوسی آمریکا، دولت موقت ازصحنه انقلاب ایران بیرون رانده شد و، به‌گفته‌امام‌خمینی، رهبرانقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، انقلاب‌وارد مرحله‌ای بزرگتر از مرحلهٔ‌اول گردید. جوش‌وخروش انقلاب به‌دهقانان زحمتکش نیز، چون سایر زحمتکشان ایران، امکان دادکه باراه‌پیمایی‌ها وتظاهرات گسترده‌خود در شهرها و روستاها، خواستهای خود از انقلاب ایران را درمقیاسی وسیع مطرح کنند. در تظاهرات بزرگی که هزاران‌دهقان، از زن ومرد، با بیل و داس وتراکتور، جلو وزارت کشاورزی برگزار کردند، خواستهای دهقانان یکبار دیگر وسیعا بازتاب یافت. دهقانان، که از جلو جاسوسخانه آمریکا به‌جلووزارت‌کشاورزی آمده بودند، قطعنامه‌ای راخواندندکه‌درآن، ازجمله آمده‌بود:

مبارزه‌باامپریالیسم به‌رهبری‌امام‌خمینی باید تاپیروزی کامل ادامه یابد، پایگاه‌های جاسوسی ونفاق افکن درهم کوبیده شود، ریشه‌های بزرگ‌مالکی قطع گردد و زمین به دهقانان داده‌شود.

دهقانان درقطعنامهٔ خود اعلام کردند که در راه انقلاب ایران آمادهٔ همه‌گونه‌فداکاری هستند.

درپی این تظاهرات باشکوه تاریخی، که درچهارم دیماه ۱۳۵۸روی داد، دهقانان زحمتکش‌در سراسر کشور به‌جنبش درآمدند. این‌گونه تظاهرات وراه‌پیمایی‌ها در سراسر زمستان آن‌سال دربسیاری ازشهرها وروستاها تکرارشد وادامه‌یافت. چه بسا در سرما ویخبندان زمستان، دهقانان ایران ازروستاهای دوردست، باپای برهنه، ودر مواردی کفن‌پوش، خودرابه‌جاسوسخانه آمریکا و ازآنجا به وزارت‌کشاروزی می‌رساندند ودراجتماعاتی که هرروز درآن محل برگزارمی‌شد، خواست های خودرابازمی‌گفتند، وهواداری قاطع خودرا از انقلاب ایران و از رهبر عالیقدر آن اعلام میکردند.

مسئله واگذاری زمین به‌دهقانان وارد مرحله‌ای تازه‌شد. شورای انقلاب اسلامی ایران بادرک بیشتر ضرورت‌های انقلاب و لزوم حل مسئله ارضی دست‌به‌کارشد. موضوع واگذاری زمین به‌دهقانان ومحو ریشه های فئودالیسم دربرنامهٔ کار قرارگرفت.

شورای انقلاب ومسئله ارضی

در دیماه ۵۸، یعنی همان‌ماهی که دهقانان وسیعا خواست‌های خود را اعلام کرده‌بودند، شورای انقلاب طرحی را که با واقع بینی تنظیم شده‌بود، تصویب کرد. اما این‌طرح ازهمان دقایق نخستین تولدخودبا مخالفت‌های توطئه‌گرانه زمینداران بزرگ و لیبرال‌هاـ که در شورای انقلاب نیز مواضع خود راتقویت‌کرده‌بودندـ مواجه شدولاجرم مسکوت ماند. دراسفندهمان‌سال لایحه قبلی بالاخره به‌تصویب رسید، اگرچه در آن برخی ازخواست‌های ضدانقلابی‌وضددهقانی‌ارتجاع بزرگ‌مالکی به‌گونه‌ای انعکاس یافته بود. با اینحال نکته عمده درآن فراهم‌آمدن زمینهٔ الغای بزرگ‌مالکی بود.



این‌قانون، به‌همین‌جهت‌مخالفت‌سخت وگسترده وهمه‌جانبه‌زمینداران‌بزرگ‌ولیبرال‌هاوحامیان‌کوچک وبزرگ آنان رابرانگیخت. مخالفان برای جلوگیری از اجرای آن موضوع "غیرشرعی "بودن قانون را پیش کشیدند، تابدینسان کار رابه‌بن‌بست بکشانند.

امام‌خمینی‌رهبرانقلاب، که‌به‌حق دلیلی برملکیت غالب اربابان "جزسندقلابی‌وتصرف عدوانی" آنان‌نمی بینند وبه درستی بالاترین سند را دردست‌های‌پینه‌بستهٔ دهقانان می شمرند. برای‌خنثی کردن‌توطئه‌ضدانقلاب، که‌ازسودجویی‌اربابان ریشه‌می‌گرفت، طرح‌مصوب شورای انقلاب‌رابه هیئتی ازفقهای برجسته: آیت‌اله منتظری، آیت‌اله‌شهید دکتربهشتی وآیت‌اله‌مشکینی ـ ارجاع‌کردندکه‌آن‌رارسیدگی کنند و در مورد انطباق آن باموازین شرعی اعلام نظر کنند.

این هیئت طرح را رسیدگی کرد. طرح بااصلاحاتی که‌درآن به‌عمل آمد، از هرجهت مطابق با موازین شرع اسلام تشخیص‌داده‌شد، درتاریخ ۲۶فروردین ماه ۵۹، طرح تائیدشده ازجانب فقهای شرع، بااصلاحات موردنظر، به‌تصویب شورای انقلاب اسلامی ایران رسید ومشروعیت قانونی وشرعی یافت و برای اجرا ابلاغ شد.

هیئت‌های هفت نفری

درپی تصویب این قانون، ستاد مرکزی واگذاری زمین، متشکل ازنمایندگان وزارت کشاورزی، حاکم شرع، وزارت دادگستری، جهاد سازندگی و وزارت کشور در تهران تشکیل شد و کار خود را آغاز کرد. ستاد در نخستین گام به تشکیل هیئت‌های هفت‌نفری مامور واگذاری زمین به‌دهقانان واستقرارآنها در مناطق مختلف کشور اقدام کرد. این‌هیئت‌ها در بهار ۱۳۵۹به‌تدریج درمحل ماموریت‌خود استقراریافتند.

حضور این هیئت‌ها ومداخلهٔ مستقیم آنان در حل مسئله ارضی، ونیز وجود سایر نهادهای انقلابی در روستاها، موجب می شد که انقلاب به‌روستاها گام گذارد: جمعیت‌های دهقانی‌ومواضع انقلابی آنها در روستاها تقویت می‌شدند ومتقابلا گروهبندی‌های ضدانقلابی زمینداران بزرگ روبه‌ضعف‌می‌نهادند ازاختلافات‌محلی کاسته‌می‌شد، گروهک های خرابکاراز روستاهارانده می‌شدند، توطئه های ضددهقانی مکرر عناصر فئودالی درهم شکسته می‌شد، توطئه‌های معطوف به متوقف کردن تولیدخنثی می‌شد، بخشی از اراضی موات به کشتزارها وبه‌اراضی دایر و مزارع آباد مبدل می‌شد، چاهها و قناتها حفر می‌شد یا مرمت می‌یافت، اشتغال افزایش می‌یافت و از دامنه مهاجرت‌ها کاسته‌می‌شد، پرورش‌فرهنگی‌توده‌های روستایی در دستور روز انقلاب قرارمی‌گرفت، دهقانان بیش ازپیش متحد و متشکل می‌شدند وشوراهای مردمی واسلامی درروستاها رونق می‌یافت. هیئت‌هفت‌نفری، درکنار سایر نهادهای انقلابی، به‌کانون‌قدرت سیاسی و پرورش انقلابی توده‌های روستایی مبدل‌می‌شدندوحاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌رفت که باقاطعیت درروستاهااستحکام‌پذیردو انقلاب به‌دستاوردهای بازهم بیشتر دست یابد.

همهٔ اینها کافی بودتاضدانقلاب‌ـ و در درجه‌اول زمینداران وسرمایه‌داران‌بزرگ ارضی وهمدستان آنان‌ـ چنین نهادی را غیر قابل تحمل بیابند. این تحمل ناپذیری ضدانقلاب به‌ویژه از آنجاحدت یافت که می دیدهیئت‌های‌هفت‌نفری صمیمانه وباقاطعیت‌انقلابی در اجرای قانون ـ ودرحقیقت در ریشه‌کن کردن بزرگ‌مالکی در روستاها ـ تلاش‌می‌کنند و در مواردی از هیچ فداکاری نیز دریغ‌ندارند. این هیئت‌ها تاآنجاکه‌می‌توانستندزمینهای‌مصادره شده اراضی بایر ودایر و موات را طبق قانون به‌دهقانان واگذارمی‌کردند، در انتخاب‌شوراهای اسلامی ده وتعیین نماینده دهقانان‌بی‌زمین وکم‌زمین تلاش می‌کردند. به دهقانان وام و وسایل کشت وکار واگذارمی‌کردند، آنها را در تشکیل تعاونی‌های تولید (مشاع) کمک و راهنمایی می‌کردند وحتی اراضی مستعدکشت را، که‌زمینداران بزرگ رهاکرده‌بودند، به سود دهقانان وبه‌نفع تولید زیرکشت‌می‌بردندو در تنظیم برنامه کشت وظایف ومسئولیت‌هایی را برعهدهٔ خودمی‌دانستند.

توقف "بند ج"

موقوف‌شدن‌موقت‌اجرای "بندج "قانون واگذاری زمین درپائیز ۱۳۵۹، ازیک‌رشته‌توطئه برضد چنین تحولاتی‌ریشه می گیرد. ارتجاع فئودالی وبزرگ‌مالکی دیگر نمی‌توانست‌تاب آورد. توطئه‌ها ودسیسه‌ها وشایعه‌پراکنی‌ها و نفاق‌افکنی‌ها و ویران سازیها و حیله‌گریها با مقیاسی گسترده‌تر از پیش در گرفت.

زمینداران وسرمایه‌داران بزرگ‌ارضی از روز اول پیروزی انقلاب به همهٔ وسایل دست می‌زدند، تامگر مخالفت با اصلاحات ارضی بنیادین رابه درون جامعه انقلابی‌ببرندوزمینه آنراهرچه‌وسیعتر فراهم سازند. نمونه‌هایی از اقدامات ضدانقلابی آنهارا در فارس، ترکمن صحرا، خوزستان‌وکردستان می‌توان‌یافت. آنها درهرجا که توانستند، باکمک عناصرضدانقلاب وگروهک‌های آمریکایی وچپ‌روان‌انقلابی نماب مسئله زمین رابهانهٔ جنگ‌های‌خونین قرار دادند، به‌اختلاف‌های قومی دامن زدند، زمینهای کوچک را تقسیم کردند، در نقاطی مانندترکمن صحرا، که‌عناصرغیربومی‌وزحمتکشان مهاجر باهمکاری افراد محلی کشت وکار می‌کردند، چندین هزار خانوادهٔ دهقانان سیستانی‌وبلوچ راازخانه‌وکاشانه‌شان بیرون راندندودرعین‌حال‌زمینهای‌وسیع سرمایه‌داران وزمین‌داران بزرگ‌راهمچنان باقی‌گذاشتند.

پس ازتصویب‌قانون واستقرار هیئت‌های هفت‌نفری، اردوکشی ضدانقلاب در روستاهاشدت وگسترش‌بیسابقه‌ای‌یافت: عده‌ای از مالکان‌متن قانون راجعل کردندوبرآن تاختند قانون ومجریان آن را به باد تهمت و ناسزا

بقیه‌درصفحه ۱۰

سلام بر شهیدان جنگ ! درود بر رزمندگان جبهه ها !

درخزانی که می‌رسد ، گلوله دشمن بردشت‌های سوزان جنوب ، درکوهپایه ـ های غرب، در سراسر جبههٔ نبرد ، لاله می‌رویاند .

لاله‌هائی که برخاک ریختند و زمستان جنوب را بهارکردند ، امسال هم همهٔ رنگهای خزانی را درخون خویش تطهیر می‌کنند ، تا همه فصل‌های تباه بهار وهمهٔ ویرانه‌ها گلستان شود .

این خزان دوم است که بهترین فرزندان خلق با آغوش باز به استقبال مرگ می‌روند ، تا از زندگی مردم خود ، از میهن انقلابی خود دفاع کنند .

این خزان دوم است که زندگی بر شانهٔ مرگ پا می‌گذارد وشهیدان بهترین پاسداران زندگانند .

با اولین روز پائیز ، دومین سالی آغاز می‌شود که کارگرو برزگر ، روشنفکرو بیسواد ، شهری وروستائی ، زن ومرد ، پدر وفرزند ، شانه به شانهٔ هم ، از سراسر ایران ، باهر عقیده و مسلک ، به صف مقدم جبهه می‌شتابند . هدف آنها یکی است :

دفاع ازانقلاب ایران ودفع متجاوز به میهن انقلابی به هرقیمت که هست .

دراین میان ، جان تا آنجا به کار می‌آید که راه را بر دشمن ببندد . این نبردی است برای پیروزی، چه باک که بهای آن شهادت باشد .

خلق قدم به قدم می‌رزمد که پیروز شود . می‌رزمد که انقلاب را از گزند امپریالیسم تجاوزکار ، ازدستبرد شیطان بزرگ ـ آمریکا حفظ کند و، چنانکه رسم اوست هربهائی را برای پیروزی می‌پردازد ، حتی نقد جان را . می‌رزمد تا زنجیرهای استعمار و استثمار را از گردن بازکند ، و دراین رزم خونین هرچه هست ، همه ایثار و فداکاری است .

وامروز که ما برپائیم ، به بهای آن خونهاست که برخاک ریخت ، قیمت آن جانهای ارجمنداست که درجبهه‌ها نثار شد . خونبهای آن قهرمانان گمنام است که بافریادهای :

ـ مرگ برآمریکا!

ـ درود برخمینی!

بخاک افتادند .

پس بگذار ، همه چونان یک تن به شهیدان جنگ سلام کنیم و ستایش خلق رانثار ارواح شعله‌ورشان کنیم .

بگذار باآن کودک سیزده‌ساله ، که برکمرخویش نارنجک بست و خودرا به زیرتانک دشمن انداخت ،

بگذار باآن پیرزن ، که دشمنان به جوخه اعدامش بستند ،

بگذار باآن پاسدار ، که داوطلبانه پاروی مین گذاشت ،

بگذار باآن کارگر ، که باقامت خویش راه دشمن راسدکرد ،

بگذار باآن دهقان ، که گفت یا پیروزبه خانه برمی‌گردم ، یاشهید ،

بگذار باآن تکاور ، که درخونین‌شهر اشغالی به قلب دشمن زد ،

بگذار باآن دختر ، که فرمانده حمله به اشغالگران گمرک خونین‌شهربود ،

بگذار باهمه آن شهیدان ، که آنقدر ازتنشان خون بارید ، که خرمشهر سراپا خونین شد ،

بگذار باآن شهیدان ، که نخلستان ـ های خوزستان راباخون خودآب دادند ،

بگذار باآن دلاوران ، که خونشان کارون وکرخه راطوفانی کرد ،

بگذار باهمه شهیدان جنگ پیمان ببندیم ، که راهشان راتاآخرین نفس ادامه‌خواهیم داد .

بگذارمیثاق خودرا باشهیدان جنگ تجدیدکنیم وبه‌گوش آسمان بانگ‌زنیم که ، هرجنگاور شریفی که درجبهه از پا درآید ، صدنفرجایش راپرخواهندکرد . هرتفنگ که برخاک بیفتد ، صددست آن رابرخواهد داشت . وهرپرچم که درخون غرق شود ، همچنان به سرفرازی به اهتزاز درخواهدآمد .

بگذارفریادکنیم :

ـ سلام برشهیدان جنگ!

* * *

وامروز که ما برپائیم . امروز که انقلاب‌زنده است ، امروزکه خلق تدارک نبرد دیگری‌را با دشمن اصلی خویش ، امپریالیسم جهانی ، بسرکردگی آمریکا ، می‌بیند ، امروزکه انقلاب ادامه دارد ، این همه را مدیون رزمندگان جبهه‌ایم .

انقلاب امروز بپاس آن کارگر بر ـ پاست ، که درجبهه وپشت جبهه ، با مسلسل وچکش ، بارزم وتولید ، به نبرد خون وحیات می‌دهد .

انقلاب امروز بپاس آن دهقان زنده‌است ، که درسنگرومزرعه ، بادستی گلوله نثار دشمن می‌کندوبا دستی بذر به سینه خاک می‌پاشد .

انقلاب امروز به‌پاس آن پاسدار و سپاهی ادامه‌دارد ، که جان بر سر دست گرفته به دشمن می‌تازند .

انقلاب امروز بپاس دلاوری خلقی زنده‌است که درخونین‌شهرتیرباران می‌شودودرکرخه‌کوربپا می‌خیزد . درایستگاه هفت باخمپاره تکه‌تکه می‌شودودرهویزه به‌دشمن حمله می‌برد . و در سراسر سنگرها به‌خاک می‌افتدودرهمهٔ سنگر ها باخروش یورش می‌برد .

و امروز که ایران و انقلاب بر ـ پاست ، به‌بهای جان آن دلاورانی است که بافریاد های :

ـ مرگ برآمریکا !

ـ درود برخمینی!

به دشمن متجاوز یورش می‌برند .

بگذار باآن نوجوان سپاهی که در ارتفاعات الله اکبر می‌رزمد ،

بگذارباآن کارگر ، که درخونین‌شهر می‌جنگد ،

بگذار باآن پاسدار ، که درآبادان باچنگ ودندان از انقلاب ومیهن دفاع می‌کند ،

بگذارباآن دهقان که درنخلستان ـ های جنوب می‌خروشد ،

بگذار باآن نوعروس ، که به‌جبهه می‌رود ، تاجای شویش راپرکند ،

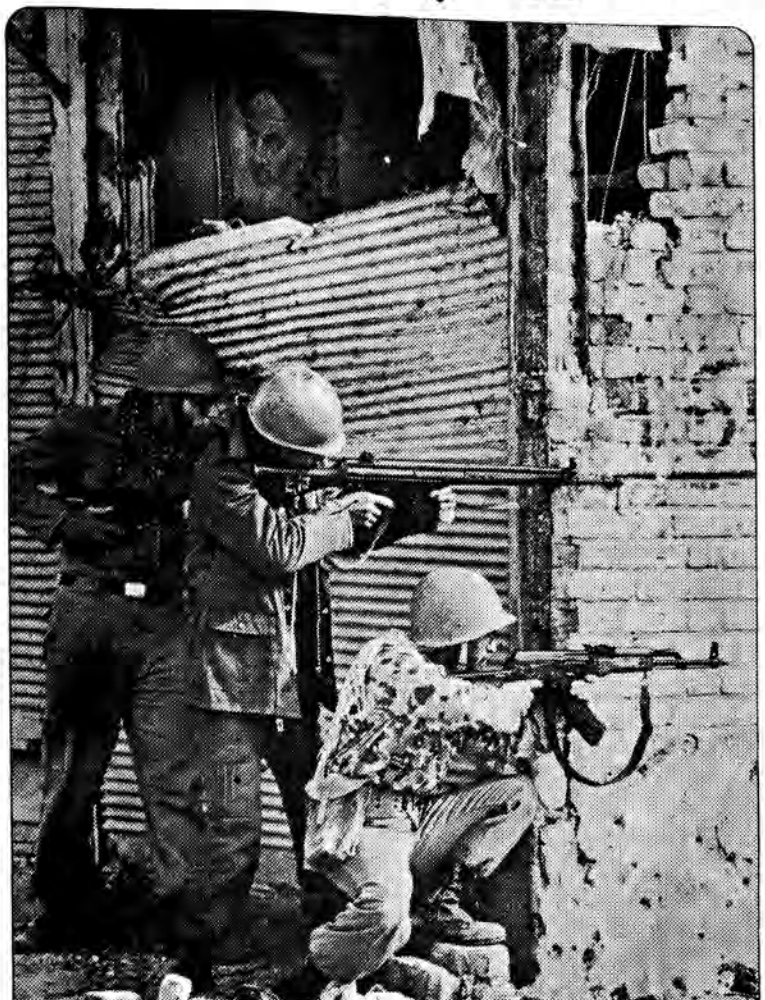
بگذارباآن مادر ، که پسران دیگرش را برای نبرد به‌جبهه‌می‌فرستد ، تاجای برادران خود راپرکنند ،

بگذار باهمه‌دلاوران خلق ، که با عقاید ومسلک‌های گوناگون درکنار هم می‌رزمند ، پیمان ببندیم ، که تا آخرین نفس همراه آنهاخواهیم بود .

بگذارمیثاق خود راباآنها تجدید کنیم وصدادرصدایشان بیندازیم وفریاد کنیم که :

ـ دلاوران جبهه‌ها ما باشماهستیم . اکنون همهٔ ایران سنگر است . مامردان وزنان ایران صف درصف ایستاده‌ایم ، تا دوشادوش‌شمادر سنگربرزمیم . ماباشما پیروزبازخواهیم‌گشت ، تاایران مستقل آزاد وآباد باشد .

ـ درود بر رزمندگان جبهه‌ها !



سوسنگرد ، شهرخون وآتش پس ازچندبارمحاصره واشغال نیروهای بعثی بالاخره به تصرف رزمندگان انقلابی مادرآمد این پیروزی رابانشانه‌رفتن به‌قلب دشمن پاس میدارند

اجرای اصلاحات ...

بقیه‌ازصفحه ۸

گرفتند ، که‌زمینها راخردکرده‌اند ، تولید را کاهش داده‌اند ، هرج‌ومرج به‌راه‌انداخته‌اند ، امنیت کشور را متزلزل‌ساخته‌اند و . . .

آنان قانون اصلاحات ارضی را مخالف شرع ومخالف قانون‌اساسی وانمودمی‌کردند ، درحالیکه ، اولا فقهای برجسته آن را تائید کرده‌بودند وحتی آیت‌الله‌منتظری صریحا اعلام کرد که‌بند "ج" برخلاف شرع‌نیست . ثانیا این قانون از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، ازجمله‌ازاصول ۴۳ و۴۶ و ۴۷و ۴۹ الهام پذیرفته‌است .

آنان ، همه‌عوامل طبیعی ، سیاسی‌واقتصاد موثر در کاهش تولید در مناطقی از کشور رانا ـ دیده‌گرفتند وباجعل آمارها وارقام چنین‌وا ـ نمودکردند که هیئت‌های هفت نفری مسئول کاهش‌تولیدند .

آنان‌حتی وقیحانه‌اعلام‌کردند که گویا آیت‌اله منتظری و مشکینی فتوای شرعی‌خودرا درتاییدقانون پس‌گرفته‌اند ، ولذا قانون دیگر شرعیت ندارد ، درحالیکه همه روزه قاطعیت آقایان‌فقهادرتائید این قانون درهمه سخنان آنها بازتاب می‌یافت .

مخالفان‌اصلاحات‌ارضی از یک طرف به روحانیان طرفدار خود فشار وارد می‌کردند که ازتنفید احکام نمایندگان‌حاکم شرع درهیئت ـ های‌هفت‌نفری خودداری‌کنند . و از طرف دیگر فریادبرمی‌آوردندکه دراین هیئت‌هانمایندهٔ حاکم‌شرع حضور ندارد و لاجرم آرای آنها مشروع نیست .

ولی حقیقت این‌است که ازمجموع ۳۴ هیئت در همهٔ ایران ، فقط درسه‌یاچهارهیئت درفارس ، نماینده حاکم شرع غیبت داشت .

بدینسان وضعی بوجود آوردند تا سر ـ انجام اجرای بند "ج" رامتوقف ساختند .

توقف بند "ج" همان‌بود وگسترش بی ـ سابقه دامنهٔ یورش‌ها و کشتارها و غارت های اربابان همان . باتوقف بند "ج" یکبار دیگر غاصبان وغارتگران برسرنوشت‌روستاییان‌تسلط یافتند .

هیچ عذری پذیرفته نیست

بااین‌همه ، هیچ‌نیروئی نمی‌توانست از پیشرفت انقلاب جلوگیری کند . شکست توطئه بنی‌صدر و بانداو وحضورمردم درصحنهٔ انقلاب، روندانقلاب رابه‌مرحله‌سوم خودواردکرد . امام خمینی ، رهبرانقلاب وبنیانگزارجمهوری‌اسلامی ایران ، درسخنان‌خودهنگام تنفیذانتخاب شهید محمدعلی‌رجایی به‌ریاست‌جمهوری‌اسلامی‌ایران ونیزدرمراسم معرفی کابینهٔ شهید دکتر محمد جواد باهنر ، باردیگر تاکید کردند که مجلس و دولت باید به‌وضع مستضعفان رسیدگی کنند و نیازهای آنان رابرآورند ، زیراکه‌دیگرهیچ‌عذری پذیرفته‌نیست .

هرچند ، باتاسف بسیار ، رجایی و باهنر دیگر در میان مردم انقلابی و همیشه درصحنه ایران نیستند وآمریکای جنایتکار بادست‌ضد ـ انقلاب داخلی این دورجل پیرو خط‌امام رابه شهادت رساند ، اما انقلاب‌ایران ، صرفنظر از افراد واشخاص که در راس دولت‌هاباشند ، هم ـ چنان به‌پیش می‌تازدوهمهٔ توطئه‌ها راباشکست مواجه‌می‌سازد، بشرط آن‌که‌به همهٔ مسئولیت‌های خودواقف باشد وبدانها عمل‌کند . انقلاب‌ایران اگربرنامه‌های بنیادین‌اقتصادی و اجتماعی و سیاسی وفرهنگی خود را باموفقیت به‌مورداجرا گذارد ، دیگر هیچ خطری نمی‌تواند برآن کار ـ سازباشد .

چنین است که اجرای اصلاحات ارضی بنیادین برای انقلاب ایران‌سرنوشت‌ساز است . چنین‌اصلاحاتی‌نمی‌تواندبیش از این به تاخیر افتد .

ادامه‌دارد .

کارنامهٔ ابوالحسن ...

بقیه‌ازصفحه ۳

فعالیت‌ضدانقلابیون ، مطلبی دربارهٔ‌سازمان ـ دهی وتشکیلات در روزنامهٔ خودمنتشر کرد و طی آن خواستار آن شدکه :

" . . . افرادفعال بکوشندکه‌این‌سازمان و نظم (ضدانقلابی)را در متن‌جامعه‌تعمیم دهند . . . " (انقلاب‌اسلامی)

پایان‌کار

هنگامیکه "انقلاب‌اسلامی "اعلام‌کرد که :

" . . . موج ناآرامی چندشهررافراگرفت . " (۱۹اردیبهشت ۶۰) بنی‌صدرپیشنهادکرد :

" . . . سالمترین راه بدون بحران این است که همه‌موافقت بکنند به مردم مراجعه کنیم وبارای عمومی آنچه‌بایدبشود ، بشود . . . مردمندکه‌باید راضی باشند ، اگرراضیند که ما حرفی نداریم ، اگرناراضیندکه‌دراین‌صورت من گمان‌نمی‌کنم که‌مردمی که‌نارضایتی خودشان را درزمان‌رژیم سابق نشان‌دادندحالا از این چیزهابترسند . بالاخره‌یک‌روزی نارضایتی خودشان رانشان‌خواهند داد . . ." (۳۰اردی ـ بهشت ۶۰ ـ انقلاب‌اسلامی ـ ازمصاحبه‌بنی‌صدر)

وآخر هم اینکه : " . . . رئیس جمهور (بنی‌صدر) درپاسخ به شایعهٔ استعفاء خود گفت : درخت را اره‌می‌کنند ، خودش نمی‌افتد . . . " (۱۰ خرداد ۶۰ ـ ازمصاحبه‌بنی‌صدر ـ انقلاب اسلامی) .

واین درختی که‌ریشه‌اش گندیده بود و سر درمنجلاب‌امپریالیسم‌آمریکا داشت ، بریده‌شد ، بدست مردم واز زبان رهبر ، امام خمینی :

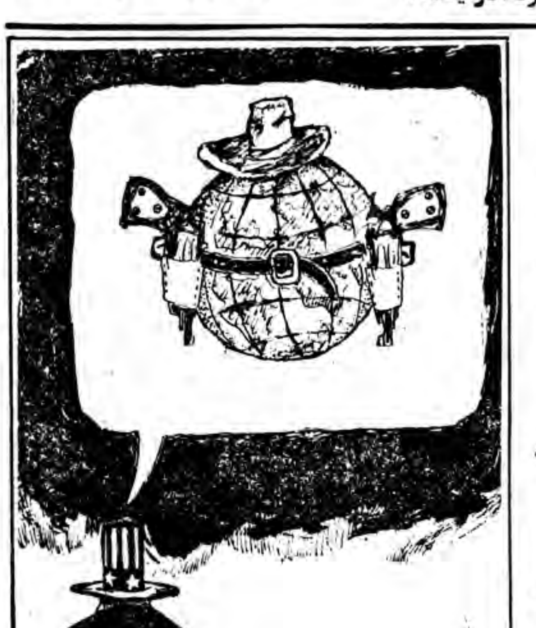
" . . . غلط می‌کنی‌قانون راقبول نداری ، قانون تو راقبول ندارد . . . ملت شخص پرست نیست . . . این‌معناها راازگوش‌هایتان بیرون کنیدآقایان‌که این‌مردم دیگرازجمهوری‌اسلامی کناررفتند . خیرشماکناررفتید . . . شما به بن ـ بست رسیدید . اشتباه می‌کنید . مملکت اسلام که به بن‌بست نمی‌رسد . . . " (۷خرداد ۶۰ ـ نطق امام خمینی ـ انقلاب اسلامی)

آری ، توده‌های خروشان خلق به‌خیابان ـ هاآمدندوبافریاد "مرگ بربنی‌صدر ، مرگ بر آمریکا " درعمل توطئهٔ رفرنداوم جبههٔ متحد ضدانقلاب را نقش برآب کردندوبدینسان بود که‌بنی‌صدر ، که‌می‌گفت : " . . . مرا از محاکمه نترسانید ، این‌محاکمه‌خودانقلابی در تاریخ ایران‌است . . . " (۹خرداد ۶۰ ـ انقلاب‌اسلامی) در دادگاه خلق محکوم گردید . حکم‌این‌بود : "مرگ بربنی‌صدر ، مرگ برآمریکا "!

* * *

این‌حکم مردم رادرموردیکایک‌بنی‌صدرها ، آن‌هاکه‌شناخته شده‌اندوآن‌هاکه‌هنوز نقاب از چهره‌برنگرفته‌اند ، اجراکنید : مرگ‌بربنی‌صدر ، مرگ برآمریکا!

پایان



عمو سام دنیا را این طور می‌خواهد!

ضرورت جذب...

بقیه‌ازصفحه ۱

تردیدنیست که به‌نیروی انسانی متبحرو کارآمد نیازداریم ،تا نظام اقتصادی بالنده وشکوفائی را ،که ظرفیت بهره ـ گیری از آخرین دستاوردهای دانش‌وفن بشری را بالقوه‌دارا باشد ، بنیاد نهد ورو به‌رشد برد .تنها دراینصورت‌است که می‌توانیم رشته‌های وابستگی به‌امپریالیسم رابه‌تمامی بگسلیم وبه‌استقلال اقتصادی درهمه‌زمینه‌ها دست یابیم ، تاانقلاب نقش سیاسی خود را در ایران و جهان به‌گونه‌ای موثرتر ایفاکند .

برنامه‌ریزی اقتصادی مستقل چنانکه‌گفته شد ،نیاز به کادر انسانی کارآمدوآموخته‌دارد .بخشی‌ازاین‌نیروی انسانی هم‌اکنون دراختیارماست وبخش بزرگتری را باید پرورش دهیم . نیروی متخصص موجودهم در داخل کشوراست وهم درخارج ازکشور .از آنچه درداخل است ،متاسفانه بعلت مواضع انحصار ـ طلبانه وتعصب آمیز بخشی از حاکمیت ، استفاده‌ٔ لازم بعمل نیامده وعده‌ای‌از متخصصان مومن به انقلاب ،به بهانه‌ٔ مکتبی نبودن ،به‌خانه‌ها فرستاده شده‌اند .باکمال تاسف باید افزود که قانون بازسازی مصوب‌مجلس شورای اسلامی‌نیز درهمین‌جهت است ودر صورت اجرا ، بقایای متخصصان دگراندیش نیز از ادارات وموسسات تولیدی بیرون ریخته خواهند شد .

نکته شایان توجه در این زمینه آنست که وظیفه خدمت به‌انقلاب‌ودفاع ازدستاوردهای‌انقلاب‌تقسیم‌پذیرنیست ونمیتوان آنرابه‌گروهی واگذارکردوگروه دیگر را محروم داشت .همه مردمی که دراین سرزمین به‌سرمیبرندوتاریخ‌ورسوم وسنن آرزوها وآمال مشترک دارند ، صرفنظر از معتقدات مسلکی و مذهبی‌شان بایدامکان یابند ،ازانقلاب‌اسلامی ایران ،بامحتوای ضداستبدادی ،ضد ـ امپریالیستی ،ومردمی آن بادل وجان حمایت‌کنند ودر راه تحقق اهداف آن باتمام نیرو بکوشند .نمیتوان این حق واین وظیفه را از بخشی از مردم ، به صرف آنکه عقاید مسلکی ومذهبی دیگری دارند ،سلب نمود .تنها در آن جایی باید میان صف‌هاجدائی افتد ومرز ـ بندی آغاز شود که‌انقلاب و ضدانقلاب دربرابرهم‌ایستاده‌اند .در اینجا ست که باید دست ضدانقلاب را از همه‌ٔ امکانات‌کوتاه کرد ،تا نتواند ضربات مهلک خود را بر پیکر انقلاب‌واردآورد. درپاکسازی‌هاوبازسازیها ،چه‌دردستگاه دولتی وچه میان نیروهای‌مسلح ، باید این تقسیم‌بندی اصیل وانقلابی راپایه واساس کار قرار داد . عنصر انقلابی را جذب وضدانقلابی را دفع نمود . هر تقسیم‌بندی دیگری به‌معنای‌تنگ کردن پایه‌های مردمی انقلاب وضربه‌زدن به آنست که مآلا به سودامپریالیسم وضد ـ انقلاب داخلی تمام خواهدشد .

باحرکت از این مبداء ،نه تنها باید نیروی انسانی متخصص ومومن به انقلاب راهمچنان بر سر مسئولیت ها باقی گذارد ،بلکه باید متخصینی که به علت تعصبات‌گروهی‌وبه‌گناه‌دگراندیشی درگذشته ازکارهابرکنارشده‌اند ،دوباره به‌کاردعوت کرد .حتی آن‌عده‌ازکادر ـ های علمی وفنی را ،که توانائی‌لازم برای درک انقلاب ازخودنشان‌نداده ـ اند وبغرنجی‌ها ودشواری‌های‌راه ،آنان رابه‌موضع بیطرفی‌یابی‌تفاوتی کشانده است ،باید جذب کرد وباتوضیح واقناع آنانرابه‌موضع دفاع‌فعال‌ازانقلاب آورد . تنهاساواکی‌ها ،وابستگان فعال رژیم پیشین وضدانقلابی‌های توطئه‌گر باید تانفرآخر پاکسازی شوند ،ولوآنکه‌بالا ـ ترین‌تخصص ومهارت رادارا باشند ،زیرا که‌تخصص ومهارت‌آنها جز در خدمت امپریالیسم وارتجاع نیست .

درموردمتخصصان خارج‌از کشور نیز باید عینا همین قاعده ومعیار رادر نظرداشت .هزارهامتخصص‌ایرانی داریم که‌مقیم‌کشورهای سرمایه‌داری اروپا ، آمریکا ویاکشورهای‌سوسیالیستی هستند . بی‌تردید بخشی از نیروی انسانی‌مقیم اروپای‌غربی وآمریکا وابسته به رژیم طاغوت وتامغزاستخوان‌ضدانقلاب‌است . که‌باید به‌اوهرگز امکان‌بازگشت‌وخراب ـ کاری نداد .ولی بخش‌دیگررا ،که‌ضد ـ انقلابی نیست وچه‌بسا هوادار انقلاب هم‌هست ،باید به‌هرترتیب جذب‌کرد و درخدمت مردم گمارد .بر متخصصین مقیم‌کشورهای سوسیالیستی نیز ، که خود یا خانواده‌شان بعلت مبارزه با نظام فاسد پیشین‌ازموطن‌خویش‌هجرت کرده‌اندواکنون مشتاقانه در انتظار مراجعت به‌ایرانند ،باید راه‌گشود ، تا بیایند واندوخته‌های علمی وفنی خود را درخدمت مردم انقلابی قراردهند .

علاوه‌براین جمع ناکافی ، برای آنکه وابسته‌نمانیم ،نیازبه پرورش کادر متخصص درهمه‌ٔ رشته‌های دانش و فن داریم .درحال‌حاضر ده‌ها هزار پزشک ، د ندان‌پزشک پرستار ،مهندس ،معمار ، معلم ،دبیر واستاد کم داریم . باتوجه به‌رشد جمعیت ،نیاز کشوردراین‌زمینه ـ هاهرسال افزایش می‌یابد ،وباید به‌موقع به‌مقابله باآن‌شتافت .برای‌پرورش‌چنین کادروسیعی ازمتخصصان ،به‌سرمایه ـ گذاری گسترده‌ٔ دولتی نیاز است‌تاشبکه دانشگاهها راوسعت بخشد ،بر تعداد مدارس‌حرفه‌ای وفنی بیفزاید وبه خیل جمعیت روبه‌رشدی‌که‌خواهان‌کسب‌دانش وتخصص‌است ،پاسخ‌مثبت‌گوید .دراینجا نیزمعیاری‌جزایمان‌واعتقادبه‌انقلاب‌نباید درنظرباشد .نبایدچنین‌پنداشت که‌در ـ های دانشگاهها و مدارس‌عالی‌باید فقط برروی گروه‌معینی ازدانشجویان‌بازباشد ودانشجویان دگراندیش‌راپشت‌درگذارد بلکه باید به‌تمام‌جوانان‌مومن‌به انقلاب ونظام‌جمهوری‌اسلامی‌ایران‌صرفنظر از عقایدمسلکی‌ومذهبی آنان ،امکان‌دادتا بیاموزندومهارت کسب کنند وآنرا در خدمت اعتلای جامعه‌ٔ انقلابی‌خودقرار دهند . درپرتو چنین برخورد صحیحی است که‌میتوان‌دروازه‌های‌پیشرفت‌وترقی رابه‌روی میهن‌ستم‌کشیده‌ٔ ماگشود وبرای همیشه به‌وابستگی‌ها پایان داد .

محوردرست...

بقیه‌ازصفحه ۱

حتی‌یک‌آن ازشدیدترین فعالیت برای بازگرداندن‌ایران به چنگ‌آمریکا نمی ـ ایستد . چندی پیش‌مفسربرنامه‌ٔ فارسی "صدای‌آمریکا" صریحااعتراف کرد که ایران‌انبار باروتی‌است ،که‌البته‌ایالات متحده مایل‌است آنرا "تحت کنترل درآورد!"

یکی‌ازترفندهای‌ابلیسانه‌ٔ ضد ـ انقلاب خارجی‌وداخلی در راه مسخ انقلاب ایران آنست که‌کسانی ،تعمدا و حسابگرانه ،مرزحقیقی بین‌انقلاب و ضدانقلاب را ،بامرزبین‌عقایدوبینش ـ های مذهبی‌وسیاسی‌مختلف (که وجود آنهادریک جامعه ناگزیراست) مخلوط می‌کنند .ازاین‌عمل "لوث‌کردن" "نتیجه ـ های زیادی برای ضدانقلاب حاصل می‌گردد :

مهمترین‌نتیجه‌ٔ این‌عمل آن‌است که یک فردانقلابی رامی‌توان با سیمای دشمن‌انقلاب معرفی‌نمودو ،برعکس یک فردضدانقلابی رامی‌توان‌دوست‌انقلاب جلوه‌گرساخت . یعنی‌زهر را به پادزهر بدل‌کرد . وهمه‌می‌دانندکه امپریالیست ـ های آمریکاوانگلیس در این نوع کیمیاگریها استادند .

ملاک و مناط قضاوت درباره‌ٔ آن که فردی‌انقلابی‌است ، آنست که درراه براندازی رژیم جابرسلطنتی مبارزه کرده ، به‌جمهوری‌اسلامی ایران‌رای مثبت داده ، باقانون‌اساسی‌جمهوری اسلامی ایران موافقت نموده و ازخط ضدامپریالیستی‌ومردمی امام‌خمینی پشتیبانی‌کرده‌است .

ملاک‌آنست که‌اینکارها تنها در گفتار نباشد ، بلکه در کردارنیز باشد . یعنی‌آن‌فردانقلابی درقول‌وفعل ،باتمام قوادراین‌راه بکوشدوحتی‌اگرضرور گردد ازنثارجان خودنیزدریغ نورزد .

چنین فردی ،صرف نظر ازهر بینشی‌که‌ازجهت مذهبی یاسیاسی ـ اجتماعی داشته باشد ، مسلمایارو یاور انقلاب اسلامی‌ایران است وحتی‌قانون اساسی ، به‌اتکاء آیه‌ٔ صریح‌قرآن‌کریم اجراء "برّوقسط" را درحق این نوع یاوران امرکرده‌است .

حالااگر بجای این ملاک و مناط منطقی‌ومحسوس که قران وقانون‌اساسی نیزآنراتائیدکرده‌اند ،بیائیم‌ملاک‌های من‌درآوردی ذهنی‌مطرح‌کنیم ، آیا قصدمان لوث کردن مرزانقلابی وضد ـ انقلابی ،وافشاندن تخم تفرقه در میان طرفداران انقلاب نیست؟آیا قصدمان این نیست که بتدریج هواداران دگراندیش انقلاب اسلامی ایران رادلسردکنیم وانقلاب‌رابه سوی انفرادببریم ؟ اگرهم قصد آگاهانه و تعمدانه‌ٔ ما چنین نباشد ،آیانتیجه قهری‌وعملی این روش این نیست ؟

اگراین محور غلط قضاوت را مثلا درعرصه‌ٔ سیاست‌خارجی‌انطباق‌دهیم ، آنوقت اینطورحاصل‌می‌شودکه ، "کره‌ٔ شمالی" و "ویت‌نام" و"کوبا" "دشمنان انقلاب مامی‌شوند ،ولی‌مصروپاکستان و عربستان سعودی وعمان و ازاین قبیل به‌دوستان انقلاب مامبدل‌می‌گردند!

ولی‌آیادرواقعیت امر ،مطلب این طوراست؟ و اگر هرعقل سلیمی تصدیق داردکه‌اینطور نیست ،بایدلحظه‌ای فکر کردکه چرا اینطور نیست؟

چرابنی‌صدر ومسلمان‌نماهائی که گرداوراگرفته‌بودند ویالیبرال‌ها وکلان سرمایه‌داران‌وبزرگ‌مالکانی‌که‌پایگاه‌آنها هستند ،خیلی‌زود "سه‌سه‌باریه‌نه‌بار" از این‌انقلاب‌پشیمان‌شدند ،ولی‌چراجمعی دیگر ،که مسلمان‌نمائی‌نمی‌کنند ، خون خودرا در راه این انقلاب می‌ریزند؟ جواب‌چیست ؟

رهنمود امام‌خمینی اینست که همه فریادهای خود را به‌سرآمریکا بکشید همه‌قلم‌هایتان رامتوجه شیطان بزرگ سازید ! کاری نکنید که با پیش کشیدن شعارهای دیگر آمریکا "منسی" و فراموش شود!به‌یاری مستضعفان و کوخ نشینان بشتابید !

جوهر اصلی ومحتوی‌مرکزی‌رهبری امام‌خمینی ،به شهادت صدها و صد ها بار کلام‌ایشان ،اینست واینرا "لوث ـ کنندگان "بسیارخوب‌میدانند .ولی‌آنها می‌کوشند محتوی این رهنمود و رهبری را هم دگرگون کنند وامام‌خمینی‌را نه به‌صورت یک پیشوای انقلابی و اسلامی در جنبش مستضعفان "جهان سوم ،

بلکه بصورت یک روحانی عادی ،که به گفته‌خودامام‌جز "احکام حیض ونفاس" مسئله دیگری برایش‌مطرح‌نیست ،معرفی کنند اولی بروید ،پیام حج امام را بخوانید ومرکزثقل رهبری او رادریابید!

به‌اتکاء این‌لوث (ازروی‌تعمد یااز روی‌تعصب)آن‌کسانی که‌بشکل‌اثربخش‌در خط سیاسی ـ اجتماعی‌امام‌خمینی صادقانه‌وپیگیرانه‌گام‌برداشته‌اند ، مورد بهتان‌قرارمی‌گیرند ،آزارمی‌بینند ، تهدیدمی‌شوند ،برایشان به‌انحاء مختلف خط ونشان‌کشیده‌می‌شودواین‌روش روزبه روز ،دمبدم گستاخانه‌ترعملی‌می‌گردد.

لوث‌کنندگان حتی سعی دارند یاران متعهد امام‌خمینی را هم با زدن برچسب‌های "چپ" مرعوب کنند . حالا که‌مسئله بمب وترور هم "در جوف" تهدیدات این لوث کنندگان هست ! سخن دل آنها اینست :

اگر "خط‌امام" را به معنای ما نفهمی وبخواهی آنرا ـ آنطور که در واقع هست ـ یک خط ضداستکباری و مردمی بدانی ،باید به نزد شهیدان ارجمند بهشتی ورجائی و باهنر بروی! این‌تهدیدات مستقیم و غیر مستقیم متوجه یاران انقلابی امام‌میشودوآنها دراین‌میانه‌پی‌گیرترین وسرسخت‌ترین راتشخیص‌میدهند وبه‌ارباب‌معرفی‌می ـ کنند .

خطر این لوث کنندگان راکوچک نگیریم! نقش‌آنها ،همراه "ناراضی ـ تراشان" ،که از طرق مختلف افراد معصوم راتحت‌فشارقرارمیدهند ،ایجاد لاقیدی ودلسردی وسوءظن عمومی‌ودر نتیجه منفرد ساختن انقلاب‌است .

این‌گروه بزرگ وفعال که کارش "منفرد کردن انقلاب" و "لاقیدساختن مردم" است وازجهت‌داشتن پشتوانه‌ها و وسایل کار بسیارمجهز است‌وسفسطه ـ های شبه‌اسلامی خودرا خوب ردیف کرده ،درعین حال به دو هدف‌میزنند ازسوئی ایجادتفرقه ودلسردی وازسوی دیگر بی‌آبروکردن جمهوری اسلامی ایران وبی‌اعتبارکردن همان اسلام ،که برای آن ظاهرا حرارت وتعصب به‌خرج میدهد .

آیااین گروه خطرناک در کارخود موفقیت‌داشته‌است ؟ آری! علی‌رغم آنکه‌نیروهای‌صدیق‌اسلامی‌وانقلابی تا حدی این‌دستها را خوانده‌اند ، ولی تاکنون مقاومت موثری در مقابل آنها نیست ،همچنان‌مسندهای‌قدرت‌فراوانی درهمه‌جا تحت اختیار آنهاست .

تاکتیک امپریالیسم آمریکارابرای ازمیان‌بردن انقلاب ما میتوان در یک جمله خلاصه کرد : "تلفیق فشارهای گوناگون نظامی ،اقتصادی و اخلاقی ـ روحی مختلف از خارج با فشارهای گوناگون تخریبی وتروریستی و ایجاد تفرقه ودلسردی‌ونارضائی در داخل ."

هدف این تاکتیک ایجادهرج و مرج سیاسی واجتماعی واقتصادی برای کودتایامداخله‌نظامی یامسخ‌ضیاء الحقی وساداتی‌انقلاب‌است ، در این زمینه ماشین‌دوزخی عظیمی بحرکت در آمده است .

متاسفانه‌جزبرخی‌تحلیل‌های‌بلیغ وبه‌شکل‌بسیارتصادفی‌خوب دررسانه‌ها ، درباره‌ٔ این تاکتیک پیچیده‌وذوجوانب امپریالیستی عملا چیزی به‌مردم گفته نمی‌شود .تنهااستفاده از شور عقیدتی مردم کافی نیست .باید عقل ها را نیز به‌حرکت درآورد .ماگاه در گفتگوی با افراد روشن ،که‌ابداسوءنیتی ندارند ، می‌بینیم که‌آنها واقعا گیجند و قدرت تحلیل مسائل را ندارند و وقتی مطلب رابرایشان‌می‌شکافید ،ازسردرگمی‌بیرون می‌آیند .

عمل توضیحی ـ تحلیلی بسیار مهم است ورسانه‌های گروهی در خط امام باید در این‌زمینه‌بیش‌ازآن‌بکوشند که‌تاکنون کوشیده‌اند .

برای‌پایان دادن...

بقیه‌ازصفحه ۱

دراین موقع مجارستان پایان‌دادن به ساختمان مجتمع را پذیرفت .مجارستان‌حاضر بود ،بدون‌قید وشرط سیاسی ،ادامه ساختمان مجتمع را بلافاصله آغاز کند .اماهنوزجوهر پیشنهادمجارستان‌خشک‌نشده‌بود ،که‌ژاپنی‌ها ، بایک‌چشمک رضایت برای‌پایان‌دادن‌کارمجتمع مقامات مسئول ایرانی را ازبستن قرارداد با مجارستان منصرف کردند .

وقتی دولت موقت مجارستان را جواب کرد ،دولت‌ژاپن باخیال راحت سردواندن ایران را آغاز کرد .یک‌سال بعد ،یعنی درتیر ماه ۱۳۵۹ ،کیوچی‌تسوت‌سومی ،معاون مدیر عامل بخش خاورمیانه‌وزارت‌امورخارجه ژاپن اعلام‌کرد :

"ژاپن مایل است این طرح‌را ،که ۸۵ درصد آن انجام شده‌است ،به‌اتمام‌برساند . ژاپن اهمیت انقلاب ایران رادرک می کند ، ولی تازمانی‌که گروگان‌های آمریکائی دراسارت باشند ،ژاپن نمی‌تواند باایران همکاری کند!" (بامداد ـ ۵تیر ۱۳۵۹)

بدینسان معلوم شدکه دولت ژاپن یک سال دیگر ایران راسرگردانده وبالاخره هم برای انجلم‌ندادن تعهدخود به‌بهانه‌"گروگان" هامتوسل شده‌است .

درهمان‌هنگام ،امیرناصر کوهیار ،رئیس هیئت نمایندگی ایران درژاپن ،طی‌اعلامیه‌ای در ژاپن اعلام داشت :

"دولت ژاپن نمایندگان‌ایران راسرمی ـ دواند واگر ژاپن به‌این سیاست ادامه دهد ، طرح مجتمع به یک کشور اروپای شرقی سپرده می‌شود ." (تلویزیون ـ ۴تیر ۱۳۵۹)

بدنبال اعلام این‌خبر ،نیروهای‌مترقی تاکید کردند که ژاپن ،بعنوان بخشی‌ازجهان سرمایه‌داری ،حاضر نیست مجتمع پتروشیمی‌را تمام‌کند وپیشنهادنمودند :

"بایدکارپایان‌دادن‌به مجتمع را به هر کشور ،که‌شرایط برابرحقوق را بپذیردوآن‌رادر اسرع وقت بپایان رساند ،محول‌کرد .

اما متاسفانه گوش شنوائی برای این پیشنهاددرست ومنطقی نبود . دیگر از طرح خبری‌نشد ،تایک‌سال‌ونیم‌بعد . روزنامه "صبح آزادگان" روز ۱۲شهریور ۱۳۶۰خبرداد که ، مذاکره هنوز به‌نتیجه نرسیده‌است .این بار دولت ژاپن اوضاع داخلی ایران رابهانه‌کرد . روزنامه "آساهی" دراین‌زمینه‌نوشت :

"جنگ‌ایران وعراق‌ازسپتامبرسال‌گذشته، وهمین اواخر وخیم‌ترشدن‌اوضاع‌داخلی ایران مانع ازآن شدکه‌پیشرفتی (درمذاکرات) حاصل شود ." (صبح‌آزادگان ـ ۱۲ شهریور ۱۳۶۰)

وبه‌این ترتیب‌هنوز امپریالیسم ژاپن ، ایران‌راسرمی‌دواند .سردواندنی به مدت نزدیک به‌سه‌سال!وچنانکه یک مقام مسئول وزارت بازرگانی بین‌المللی وصنایع ژاپن گفته‌است ،ژاپنی‌ها : "درانتظارورودیک‌هیئت مذاکره‌کننده‌ایرانی ،که‌ورودآنهاازسوی‌حکومت ایران‌وعده‌داده‌شده‌است ،برای‌تصمیم‌گیری‌در اینبارههستند ." (همانجا)

درهمین‌حال ،ژاپنی‌ها تصمیم دیگری علیه‌ایران اتخاذ کردند :

"وزارت صنایع ژاپن‌اعلام‌کردکه‌سیزده کمپانی‌نفت ژاپنی تصمیم گرفته‌اند قرارداد ـ های واردات موادنفتی از ایران‌را ،که موعد آنهادر آخرماه جاری بسر میرسد ، تجدید نکنند " (اطلاعات ـ ۱۶شهریور ۱۳۶۰)

امپریالیست‌های ژاپنی درخصومت با ایران تاآنجاپیش رفته‌اندکه :

"این‌نخستین‌بار است که شرکت‌های نفت ژاپن به‌قراردادهای خرید مستقیم نفت ازیک‌کشورعضواوپک‌پایان‌می‌دهند" (همانجا)

حالاباعلام این‌خبر ،که‌کمترین‌شکی‌در دشمنی امپریالیست‌های‌ژاپن ـ به عنوان جزء لاینفک امپریالیسم جهانی ـ باایران‌باقی‌نمی ـ گذارد ،بایدپرسید :

آیا هنوز هم مذاکره باژاپن لازم‌است ؟ آیامذاکرات‌این‌سه سال نیت شوم امپریالیسم ژاپن راروشن‌نکرده‌است ؟

آیاهنوزامیدی‌هست که ژاپنی‌ها ، دراوج حملات امپریالیسم جهانی ، به‌سرکردگی آمریکا، برای درهم‌شکستن‌انقلاب‌ایران ، به متحدان خودپشت‌کنندوصنایع‌مارارا‌ه‌بیندازند ؟

وباید پرسید :

اگر درهمان سال ۱۳۵۸ به مجارستان اجازه کار داده‌شده‌بود ،آیا اکنون این‌صنایع ، که "سالیانه‌سیصدهزارتن‌گاز اتیلن" (همانجا) تولیدمی‌کند وسرمایه‌گذاری اولیه‌آن‌سه‌میلیارد دلار است ،مشغول کارنبود ؟

باکمال تاسف نه‌تنهاتاکنون چنین‌نشده بلکه‌شرکت پتروشیمی ایران وژاپن ماهیانه ۴ میلیارد ین ژاپنی (معادل ۱۷میلیون‌دلار) "ازلحاظ بهره دستمزد کارگران باقی‌مانده در محل‌کارگاه (همانجا) خرج‌دارد!

به‌نظر ما ،مذاکرات با امپریالیست‌های ژاپنی ،سرنوشتی‌بهتر ازمذاکرات‌سه‌سال‌گذشته ندارد . درحال حاضر راه حل همان‌است که‌سه سال پیش بود و۳۰ سال بعد خواهدبود :

"سپردن کار به‌کشوری که‌حاضر باشد با احترام‌به‌حق حاکمیت ایران بدون‌چشمداشت غارتگرانه‌وبدون شرط سیاسی ،براساس‌برابری حقوق ونفع متقابل ،کار را فورا آغازکند ."

وقایع مهم جهان در یک هفته

اخطار اتحاد شوروی به رهبری لهستان

درباره تبلیغات خصمانه ضد شوروی ضد انقلابیون

سفیر اتحاد شوروی در ورشو از طرف رهبری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی توجه رهبری لهستان را به این واقعیت جلب کرد، که عناصر ضد انقلابی آن کشور به کار زار گسترده دروغ و بهتان علیه اتحاد شوروی دست زده اند.

بر پایه این تذکاریه، "این اقدامات هماهنگ و هدف آنها عبارتست از بدنام کردن اندیشه سوسیالیسم و تبلیغ دشمنی با دولت و مردم شوروی در میان لهستانی ها"

به گفته سفیر شوروی:

"رهبران سازمان های ضد انقلابی "ک.و.س.ـک.و.ر." و باصطلاح "کنفدراسیون لهستان آزاد" در سخنرانی های خود به تبلیغات گستاخانه علیه اتحاد شوروی می پردازند."

در تذکاریه نامبرده آمده است که:

"ادامه تحمل پدیده های شوروی ستیزانه به مناسبات میان لهستان و اتحاد شوروی لطمات سنگین وارد خواهد آورد با تعهدات هم پیمانی لهستان مغایر است و به سود منافع حیاتی خلق لهستان نیست."

رهبری شوروی اظهار امیدواری کرده است، که "بی درنگ گام های قاطعانه ای از سوی رهبری "حزب متحد کارگری لهستان" و دولت لهستان برای پایان بخشیدن به تبلیغات شوم و اقدامات ضد شوروی علیه عناصر ضد انقلابی برداشته شود."

از سوی دیگر، سی هزار کارگر کارخانه کیروف لنینگراد، که دارای سنن انقلابی معروف است، نامه ای به کارگران لهستانی نوشتند و از آنها خواستند تا اجازه ندهند که رهبران "همبستگی" آنها را از راه سوسیالیسم به بیراهه بکشانند.

کارگران شوروی تصمیمات کنفرانس گدانسک "همبستگی" را به باد انتقاد گرفتند، که مبارزه آشکار علیه حزب، دولت و خلق لهستان را آغاز نهاد.

کارگران لنینگرادی باصطلاح فراخوان کنفرانس را به "مردم اروپای خاوری" رد می کنند، که در آن "همبستگی" "اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را آماج حملات ضد انقلابی خود قرار می دهد.

کارگران "کیروف" تعجب می کنند که چگونه مولفان این باصطلاح فراخوان "درس زندگی و کار" به آنها می دهند.

نامه ای دیگر از کارگران یک کارخانه کامیون سازی خاطرنشان می سازد که "طبقه کارگر لهستان میتواند همیشه به پشتیبانی و همبستگی مردم شوروی مطمئن باشد، که به گفته لئونید برژنف لهستان سوسیالیستی برادر را تنها نخواهد گذاشت و به کمک آن خواهد شتافت."

هیئت رئیسه "حزب دموکرات لهستان" در بیانیه ای خاطرنشان می سازد که اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور کماکان رو به وخامت است "حزب دمکرات لهستان" به ضرورت تقویت نقش دولت در رهبری اقتصاد ملی اشاره می کند و کوشش برای فرسایش هم پیمانی های لهستان را خطرناک می خواند.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی "حزب متحد کارگری لهستان" درباره باصطلاح "کنفرانس گدانسک "همبستگی" در بیانیه ای اظهار داشت که:

"هدف این کنفرانس رویاروی، خونریزی، احراز قدرت و تغییر نظام سیاسی لهستان بوده است."

در بیانیه نامبرده گفته می شود:

""همبستگی" به نقض یک جانبه قرارداد متقابل میان دولت و این اتحادیه، که در سال پیش انعقاد یافت، دست زده است. برنامه گدانسک برنامه کارگری نیست. "همبستگی" "برای پیشبرد هدف های خود از نیروهای مخالف، ضد انقلابی و ماجراجو یاری میگیرد، که با مراکز خرابکاری غرب پیوند دارند."

بیانیه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان "وضع آن کشور را "خطرناک" میخواند و می افزاید:

"خطر گروهک های ضد انقلابی برای کشور افزایش می یابد. این حقیقتی است، که همه مردم باید آنرا بدانند. به سود خلق و استقلال لهستان است، که جلوی دیوانگان سیاسی گرفته شود. ما نگرانی عمیق کشورهای دوست و به ویژه نزدیک ترین هم پیمان خود، اتحاد شوروی را بخوبی درک می کنیم."

هیئت سیاسی تاکید می کند که:

"دولت برای دفاع از سوسیالیسم از همه امکانات خود استفاده خواهد جست."

لئونید برژنف:

اتحاد شوروی حاضر است موشک های مستقر در مناطق باختری خود را کاهش دهد

در دیداری میان یک هیئت نمایندگی "حزب کارگر بریتانیا"، به ریاست مایکل فوت، رهبر این حزب، و لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، برژنف گفت:

"چنانچه حسن نیت موجود باشد مسئله جنگ افزارهای میان برد هسته ای در اروپا قابل حل است."

رهبر شوروی افزود:

"اگر آمریکایی ها موضعی خردپسندانه اختیار کنند و اجرای تصمیم معروف "ناتو" (درباره استقرار موشک های هسته ای میان برد جدید آمریکایی در اروپای غربی) منتفی شود، اتحاد شوروی میتواند شمار موشک های مستقر در مناطق غربی خود را کاهش دهد."

از سوی دیگر مارشال دیمتری اوستینوف، وزیر دفاع شوروی، گفته است که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی خواهان گفتگو و پیشبرد تنش زدایی هستند.

مارشال دیمتری اوستینوف، که در پایان مانورهایی در نواحی غربی اتحاد شوروی و دریای بالتیک سخن می گفت، اظهار داشت:

"محافل حاکم آمریکا از پاسخ به پیشنهادهای صلح اتحاد شوروی طفره می روند، به تخریب گفتگوهایی، که هدف آنها تقویت صلح است، می پردازند و با سرعتی بی مانند به انباشت جنگ افزار دست زده اند.

ایالات متحده آمریکا به بهانه واهی "خطر شوروی" میخواهد بر اتحاد شوروی برتری نظامی یابد. محافل ارتجاعی امپریالیسم به هر وسیله ای دست می یازند تا بر بنیادهای سوسیالیسم در جامعه کشورهای سوسیالیستی خلل وارد آورند."

مارشال اوستینوف در این زمینه به نمونه "کوشش پیاپی غرب برای مداخله در رویدادهای لهستان" اشاره کرد. وی افزود:

"نزدیکی چین به تجاوزکارترین نیروهای امپریالیسم به افزایش تشنج در جهان انجامیده است."

وزیر دفاع اتحاد شوروی گفت:

"در شرایط افزایش تهدید نظامی نیروهای مسلح شوروی دارای وظیفه ای استثنائی برای نگهداشت صلح هستند. آنها باید پیوسته آمادگی خود را برای رزم حفظ کنند و در این گستره از هر وسیله ای برای دفع نابودسازانه تجاوزکار و دفاع از میهن سوسیالیستی و دوستان و هم پیمانان خویش برخوردارند."

آقای هیگ، چیزی مهم تر از صلح نیست!

روز یکشنبه ۲۲ شهریور ۶۰، هشتاد هزار نفر در برلین غربی در تظاهراتی علیه سیاست صلح ستیز تسلیحاتی "واشینگتن" شرکت کردند. این تظاهرات همزمان با دیدار غیرقانونی ژنرال هیگ، وزیر خارجه آمریکا، از این شهر صورت گرفت.

یکی از شعارهای تظاهرکنندگان برلین غربی "آقای هیگ چیزی مهم تر از حفظ صلح نیست!" بود. یادآور می شویم که وزیر خارجه آمریکا چندی پیش گفته بود: "چیزهایی هست، که مهم تر از صلح است."

همچنین در شهرهای بن و فرانکفورت تظاهرات مشابهی صورت گرفت. در بن، پایتخت جمهوری فدرال آلمان، تظاهرکنندگان پرچمی بر شهرداری افراشتند، که روی آن "هیگ به کشورت برگرد" نوشته شده بود.

افکار عمومی جهان پشتیبانی "واشنگتن" را از "پرتوریا" محکوم می کند

کنفرانس هفت کشور آفریقایی در لاگوس دولت ایالات متحده را به خاطر پشتیبانی آن از رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بشدت محکوم کرد.

اعلامیه این کنفرانس خاطر نشان می سازد:

"این پشتیبانی "پرتوریا" را تشویق می کند تا به جنایات خود علیه آنگولا و دیگر کشورهای مستقل ادامه دهد."

رهبران آنگولا، موزامبیک، زامبیا تانزانیا، بوتسوانا، نیجریه، زیمبابوه و "سواپو" در اجلاسی در پایتخت نیجریه در روز جمعه ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ به بررسی اوضاع قاره آفریقا پس از تجاوز آفریقای جنوبی به آنگولا پرداختند.

آنها خواستار آن شدند که رژیم "پرتوریا" بیدرنگ و بلاشرط نیروهای خود را از آنگولا فراخواند.

نیروهای اشغالگر آفریقای جنوبی در آنگولا به کشتار و دستبرد مردم غیرنظامی دست می زنند. آنها در حمله ای به شهر اونجیوا از بمب های ناپالم استفاده کردند. که به خسارات سنگین به سکنه انجامید.

یکی از سخنگویان ارتش آنگولا به روزنامه "ژورنال دی آنگولا" گفت، که تجاوزکاران گله ها، ماشین ها، بولدوزرها و دیگر تجهیزات فراوان را از خاک آنگولا با خود به آفریقای جنوبی برده اند.

بر پایه گزارش سازمان ملل، بیش از ۱۳۰ هزار آنگولایی قربانی تجاوزات اخیر آفریقای جنوبی شده اند و به کمک های فوری نیازمندند.

سام نویوما، رهبر "سواپو"، در کنفرانس مطبوعاتی در لوآندا گفت که آفریقای جنوبی میخواهد کنترل منطقه شمال نامیبیا را به گروه ضد انقلابی "اونیتا" بسپارد. که در عملیات نظامی نژادپرستان "پرتوریا" علیه آنگولا شرکت دارد.

وزیر خارجه آنگولا ایالات متحده را متهم کرد که در راه ثبات زدایی در کشورش گام برمیدارد. به گفته وی، آمریکا در این راه از آفریقای جنوبی استفاده می کند، که با نیروهای مسلح خود در ۲ شهریور ۶۰ به آنگولا حمله برد و بخشی از آنرا به اشغال خود در آورد.

به گزارش خبرگزاری موزامبیک، در هیجده ماه اخیر، هواپیما های آفریقای جنوبی بیش از چهل بار حریم هوایی موزامبیک را نقض کردند. ماموریت آنها، از جمله، جاسوسی حمل ضد انقلابیون و کمک به خرابکاران بوده است.

به همهٔ شهیدان راه میهن و انقلاب

این جنگ مقدس

سیاهی پرده درخون می کشد بر قامت سنگر
افق در بستر آتش شفق را می سراید سرخ
و سوز تب گل شبگیر را می پرورد گلگون

رفیقا! یارمن! جنگ مقدس را پذیرا باش
جلا ده تیغ سرخ کینه های پاک
بیارا سینه را از اخگر پر تاب خشم افروز
درفش رزم عشق و زندگی مان را
به روی خاکریز سنگرمردان به پا می دار
صلای مرگ دشمن را
برآور غرش رعدازدهان تیربار و توپ

رفیقا! یارمن!
کنون سالی است تا میهن درون کوره های زخم می سوزد
و ای بس کز تناور پیکر پاکش
به کوه و دشت و شهر و روستای غرب
به خوزستان
شقایق های خون و آتش و پولاد روییده است.
وزآن پس بیشتر بنگر ــ قرین ننگ تا جاوید ــ
چه برخاک مذلت اوفتاده لاشه دشمن

رفیقا! یارمن!
سپیدی می زند بر دامن شب روز نزدیک است
تو را از اوج می خواند سروش فتح
تو را برمی نشاند انقلاب توده ها بر قله تاریخ
مبادت خستگی دلواپسی سستی
فروزان باد در آتشگه جانت امید و عشق
فرازان باد در دستت درفش فخر
تو پرچمدار خلقی پاسدار انقلابی مرد پیکاری
به روز و شب تو بیداری تو برکاری
کنون در آستان روز پیروزی
ــ که تنگ آمد جهان بر دشمن مزدور اهریمن ــ
همه توش و توان خود فراهم دار
به کین دندان بیفشار و هجوم آور
که این پایان راه رنج خلق قهرمان ماست
نوید راستین شادی و بهروزی فرداست

م. کاوه

۶۰/۶/۲۸

الکساندر هیگ باز هم دروغ می گوید

خبرگزاری افغانی "باختر" ادعاهای الکساندر هیگ، وزیر خارجه آمریکا را درباره استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی از سوی اتحاد شوروی و متحدان آن در کامبوچیا، لائوس و افغانستان "بهتان آمیز" خواند.

چند ساعت پیش از آن، چند کارشناس رسمی دولت آمریکا اعتراف کرده بودند که سندی برای اثبات این ادعا ندارند. گفته های هیگ را مقامات ویتنام نیز تکذیب نمودند.

بنوشته "ایزوستیا" "هدف الکساندر هیگ از این ادعاها منحرف ساختن افکار عمومی از تدارک جنگ شیمیایی از سوی "پنتاگون" است.

از سوی دیگر، چندین دیپلمات خارجی مقیم کابل نیز ادعاهای الکساندر هیگ را نادرست خواندند.

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین)
آدرس: منطقه ۱۳ پستی
صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷